

دغدغه معیشت، آفت مطالعه روزنامه نگاران است

کلا فضای حاکم بر رسانه‌ها، دچار اشکال است. شما در این مورد تردیدی نداشته باشید. اینقدر تلاطم، تغییر مدیریت‌های ناگهانی و عدم امنیت شغلی در روزنامه‌ها، طبیعی نیست. در برخی روزنامه‌ها، هر روز یک نفر می‌آید، یک نفر می‌رود. هر روز یک روزنامه جدید فعالیتش را شروع و یک روزنامه فعالیتش را متوقف می‌کند. خبرنگاران صبح را در این روزنامه و بعدازظهر را در آن روزنامه کار می‌کنند. در چنین موقعیتی و با این شرایط، اسم این کار را نمی‌توانید روزنامه‌نگاری سالم بگذارید. لازمه پیشرفت این است که در فضای مطبوعات آرامش حاکم باشد تا استعدادها و خلاقیت‌ها فرصت بروز و ظهور پیدا کنند. تفکر خلاق در عرصه روزنامه‌نگاری، نیاز به ثبات و آرامش دارد و باید پذیرفت که این همه هیجانات کاذب و تلاطم‌های خارج از عرف، مانع ظهور روزنامه‌نگاران شاخص و برجسته است.

۱۰



کتابخانه

شنبه ۱۷ مرداد ۱۳۸۸
۱۶ شعبان ۱۴۳۰، ۸ آگوست ۲۰۰۹
شماره ۱۹۳، پیاپی ۸۴۴
۲۴ صفحه، ۲۰۰ تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برداران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: ایرانچاپ

www.ketabehafteh.ir



کمک به ناشران
برای حضور در
بازارهای جهانی

۲۳



شعر «فراست»
از انسان
تا بی نهایت

۱۶



مظاهر
زبان تازه و
شعر کهن مصفا

۱۵

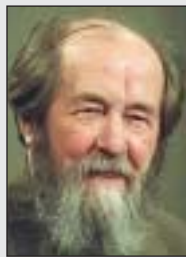
- ۲
• خبرنگاران کتاب
گردهم می آیند
- اصلاح
آیین نامه‌های
نمایشگاه کتاب
- ۳
• اتهام استفانی مه‌یر
به سرقت ادبی
- ۴
• «عیار نقد»
از دل جشنواره نقد
- استقبال از
«بیچارگان»
داستان‌فلسفی

در نخستین سالروز درگذشت نویسنده مخالف استالین صورت گرفت

تمجید روس‌ها از آزادی خواهی نویسنده مرده

رمان هایش، بیست سال را در تبعید گذراند. رمان‌های «مجمع الجزایر گولاگ» و «یک روز از زندگی ایوان دنیسویچ» از معروف‌ترین آثار این نویسنده‌اند.

الکساندر سولژیتسین در جنگ جهانی دوم به عنوان افسر توپخانه در ارتش اتحاد جماهیر شوروی خدمت و به خاطر خدماتش، مدال افتخار دریافت کرده بود. امادر سال ۱۹۴۵ میلادی به خاطر نوشتن نامه‌ای در انتقاد از جوزف استالین مورد غضب قرار گرفت و هشت سال زندانی شد و پس از گذراندن هشت سال در گولاگ‌های استالین، به قزاقستان تبعید شد. او در سال ۱۹۷۴ میلادی از اتحاد جماهیر شوروی اخراج شد. این نویسنده پارسال در محل باغ بیلاقی خود به نام «ترویتسه لیکووا» در حومه شهر مسکو به علت ایست قلبی درگذشت. وی را در صومعه دانسکی به خاک سپردند. این محل را الکساندر سولژیتسین پنج سال قبل از مرگش انتخاب کرده بود.



عدم رضایت و انتقادهای او از ساختار اداری نادرست و وجود فساد و ندانمکاری در میان مقامات بالادست شوروی و بی‌اعتنایی آنان به همه جز خودشان، معروف است. برخی از آثار این نویسنده از جمله رمان‌های «مجمع الجزایر گولاگ»، «یک روز از زندگی ایوان دنیسویچ» و «ایه زاماداران شوروی» به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شده‌اند.

دیمیتری مدودف، رئیس جمهور روسیه و ولادیمیر پوتین، نخست وزیر این کشور، در اولین سالروز درگذشت الکساندر سولژیتسین، نویسنده مخالف استالین، از او به عنوان نویسنده‌ای آزادیخواه یاد کرده و با ارسال پیام‌هایی جداگانه سالروز درگذشت این برنده نوبل ادبیات را تسلیت گفتند.

یک سال پس از درگذشت «الکساندر سولژیتسین»، نویسنده روسی برنده جایزه نوبل، مقامات روسیه مراسم بزرگداشت او را برگزار کردند. در این مراسم مدودف و پوتین نیز حضور داشتند. این دو همچنین در پیامی تلگرافی خطاب به خانواده این نویسنده، نخستین سالروز درگذشت او را تسلیت گفتند و از شخصیت آزادیخواهش تمجید کردند. در بخشی از این تلگراف، پوتین از سولژیتسین به عنوان شخصیتی جهانی یاد کرده که ایدئولوژی و خلاقیت به جای مانده از او در تاریخ ادبیات روسیه همیشگی و جاودان خواهد بود.

مدودف، رئیس جمهور روسیه هم در نامه‌ای به «انالتی»، بیوه سولژیتسین نوشته است: «اکثر عقاید این نویسنده در جهت تقویت مسائل ایالتی و همچنین توسعه آزادی‌های دموکراتیکی است که هنوز هم از مهم‌ترین موضوعات جامعه به شمار می‌آیند.» الکساندر سولژیتسین، سال گذشته در آستانه ۹۰ سالگی درگذشت. وی به خاطر افشای جنایات جوزف استالین در

سرآغاز

داستان ما جهانی می‌شود؟

اگر این فرض را به میان آوریم که بنا به دلایلی، نتوانسته‌ایم رمان‌های جهانی خلق کنیم، بی تردید بار جوع به بسیاری از داستان‌های کوتاه نویسندگان امروز ایران و مقایسه این آثار با بهترین‌های عده‌ای از برجسته‌ترین نویسندگان دیگر سرزمین‌های دور و نزدیک، درمی‌یابیم که در قلمرو داستان کوتاه، آثاری - اگر نه برتر - حداقل همسان با آثار درخشان جهانی در ایران نوشته شده‌اند. پس گره کار و ریشه مشکل ترجمه نشدن داستان‌های شاخص امروز ما به زبان‌های دیگر کجاست؟ صرف نظر از مهجور بودن زبان فارسی در دنیا، این حقیقت به قوت خود باقی است که نویسندگانی از کشورهای چون «آلبانی» که کمتر از چهار میلیون نفر جمعیت دارد، به رغم این که به زبان بومی‌شان می‌نویسند، به عنوان داستان‌نویسان مطرح شناخته شده‌اند. ما نیز اگر جدا از تقسیم‌بندی‌های سیاسی-اجتماعی و... به آثار نویسندگانمان به عنوان آثاری ملی بنگریم و برای شناساندن آنها بکوشیم، نخستین گام را برای جهانی شدن ادبیات معاصرمان برداشته‌ایم. نخستین گام، می‌تواند پایانی بر بسیاری از تاخیرها باشد.

کتاب، مقوله بسیار مهمی است. البته من به کارهای هنری، تصویری، تلویزیونی، سینما یا از این قبیل چیزها، خیلی اعتقاد دارم؛ اما کتاب نقش مخصوصی دارد. جای کتاب را هیچ چیزی پر نمی کند. کتاب را باید ترویج کرد.

مقام معظم رهبری در مصاحبه با خبرنگار صداوسیما، پس از بازدید از ششمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، ۱۳۷۲/۲/۲۶

فعالیت های قرآنی امام خمینی (ره) در قالب کتاب

فعالیت های فردی و عمومی حضرت امام خمینی (ره) در ارتباط با قرآن کریم با عنوان «انس با قرآن» از سوی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) برای نخستین بار مکتوب و در آستانه ماه مبارک رمضان منتشر می شود.

مجید زمان پور مدیر واحد انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره) با اعلام این خبر به ایکنافزود: «کتاب «انس با قرآن» از جمله مجموعه آثاری است که در زمینه رفتارشناسی زندگانی حضرت امام خمینی (ره) توسط موسسه تنظیم و نشر آثار ایشان در دست تهیه است و شامل تاریخ شفاهی و خاطرات به جای مانده از فعالیت های قرآنی حضرت امام خمینی (ره) است.»

زمان پور افزود: «این کتاب در دو بخش تهیه شده که بخش نخست شامل خاطراتی از همنشینی ایشان با قرآن و حضور ایشان در جلسات قرآن خوانی است و در بخش دوم نیز نکات نغز و حکایاتی پندآموز از زندگی ایشان و در ارتباط با انس با قرآن کریم که پیش از این کمتر مورد انتشار عمومی قرار گرفته و در مواردی نیز برای نخستین بار ارائه می شود را دربرمی گیرد.»

زمان پور تاکید کرد: «این اثر، اکنون در مرحله انتشار به سر می برد و همزمان با ایام آغازین ماه مبارک رمضان منتشر خواهد شد.»

۵۰ اثر جدید در نمایشگاه قرآن

مرکز فرهنگ و معارف قرآن با بیش از ۵۰ اثر جدید که در حوزه علوم قرآنی در سال جاری منتشر شده اند، در هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم شرکت می کند.

حجت الاسلام والمسلمین محمدصادق یوسفی مقدم رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم با اعلام این خبر گفت: «برخی از این آثار از تک نگاشته های محققان مرکز است که به زودی و برای ارائه در نمایشگاه قرآن منتشر می شود، برخی دیگر نیز شامل کارهای پژوهشی مولفان این مرکزند که به صورت گروهی تالیف می شوند، مانند جلد هفتم دایرة المعارف قرآن کریم که به تازگی منتشر شده است.»

یوسفی مقدم تصریح کرد: «برگزاری نشست های علمی در موضوعات متنوعی چون ترجمه های قرآن، ارائه معارف قرآنی برای کودکان و نوجوانان و جلسات پرسش و پاسخ، از دیگر فعالیت های این مرکز در هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم است.»

یوسفی مقدم جلد هفتم دایرة المعارف قرآن، جلد های جدید فرهنگ قرآن، اعلام قرآن، تفسیر راهنما، فرهنگ موضوعی تفاسیر، اجتهاد از دیدگاه قرآن، تک نگاشته های محققان مرکز، پایان نامه های علوم قرآنی و برخی از طرح ها و برنامه های آینده مرکز را از آثاری دانست که مرکز فرهنگ و معارف قرآن در هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم در معرض دید علاقه مندان قرار می دهد.»

یثربی در مراسم یادبود محمد مهدی فولادوند:

فولادوند در ترجمه قرآن صاحب سبک بود

بردند؛ اما در تفسیر های پیچیده، فولادوند بهتر است. او در پایان گفت: «معجزه قرآن تاریخ مصرف ندارد. روزگار به هر شرایطی که در آمد باید حرفش را بزند. بیاییم به محتوا فکر کنیم و تنها به ظاهر توجه نداشته باشیم.»

در این نشست امید مجد نیز حضور داشت. وی با اشاره به سابقه آشنایی اش با فولادوند گفت: «ترجمه فولادوند ویژگی های خوبی دارد؛ یکی این است که لغات، افعال و زمان ها دقیق ترجمه شده اند؛ اما این مشکل را هم دارد که چون از توضیحاتی در ترجمه اش پرهیز کرده است، بسیاری از مجهولات را برای خواننده باز نمی کند؛ ولی قسمت قوی کار آنجاست که آنچه را که هست، درست و دقیق ترجمه کرده.»

او یادآور شد: «در ترجمه ها اصرار عجیبی به برگردان لفظ به لفظ و واژه ها وجود دارد. ما در ترجمه قرآن باید به اصولی پایبند باشیم که در ترجمه های دیگر به آنها پایبند بوده اند.»

مجد همچنین عنوان کرد: «در مورد این که می گویند ترجمه قرآن فولادوند نوآوری بوده است، به نظر من و در ذهنم نوآوری در ترجمه فولادوند وجود ندارد. ترجمه فولادوند اگر نوآوری داشته باشد، همان است که لغات و افعال، درست ترجمه شده اند.»



او ادامه داد: «بهترین ترجمه، اینجا سبک جدید و نوآوری است. فولادوند از مشکلاتی که از قدیم در ترجمه قرآن داشتیم، عبور کرد و این کاری بدیع است. دیگر این که او معمم نبود؛ اما این که می گویم، با مسامحه، ترجمه او بهترین است، به این دلیل است که کسانی که بعد از فولادوند قرآن را ترجمه کردند، گاهی در تفسیر هایشان بعضی کلمات را بهتر به کار

مراسم یادبود نخستین سالگرد درگذشت محمد مهدی فولادوند - مترجم فقید قرآن - سه شنبه گذشته در خبرگزاری قرآن (ایکنا) برگزار شد.

در این نشست یحیی یثربی با بیان این که خداوند به مهدی فولادوند باطنی داد که ترجمه قرآنش مقبولیت یافت، یادآور شد: «هنر پرداختن به قرآن، غیر از پرداختن به هنرهای دیگر است. فولادوند انسانی بسیار صالح و درستکار بود و می توانم با مسامحه بگویم که در بین غیر حوزه ای ها، ترجمه فولادوند از قرآن، بهترین ترجمه و در میان حوزه ای ها، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی از بهترین ترجمه های قرآن است.»

این پژوهشگر فلسفه گفت: «فولادوند در ترجمه، سبکی را باز کرد. بعضی ها خطاطی می کنند، اما سبکی هم ایجاد می کنند یا در شعر، شاعرانی شعر می گویند؛ اما سبک هم ایجاد می کنند. شاعرانی مثل نیما یوشیج، حسین منزوی یا سهراب سپهری صاحب سبک هستند؛ کار فولادوند هم سبکی در ترجمه بود.»

این استاد دانشگاه با بیان این که جهان متمدن و در حال توسعه امروز به پیام محتاج است، متذکر شد: «قرآن در اخلاق و سیاست پیام هایی دارد که شاید پیام آن ۵۰۰ سال دیگر درک شود. اعجاز قرآن بیشتر به پیام آن مربوط است.»

به مناسبت روز خبرنگار و به میزبانی خانه کتاب

خبرنگاران کتاب گردهم می آیند

امروز هفدهم مرداد و در روز خبرنگار، موسسه خانه کتاب در پاسداشت خدمات خبرنگاران کتاب، میزبان ضیافتی به این مناسبت خواهد بود. به گفته علی شجاعی صائین مدیرعامل موسسه خانه کتاب این محفل بهانه ای برای تجدید دیدار، تحکیم دوستی ها و تعامل بیشتر بین همه خبرنگاران پرتلاش و گمنام حوزه کتاب و کتابخوانی است که با حضور خبرنگاران فعال در حوزه کتاب، چند تن از استادان ارتباطات و برخی مسئولان فرهنگی کشور از جمله معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار خواهد شد.

وی همچنین اظهار داشت: «میزبان خبرنگاران حوزه کتاب خواهیم بود تا از زحمات یک ساله این قاصدان کتاب و کتابخوانی قدردانی کنیم.»

مدیرعامل موسسه خانه کتاب یادآور شد: «خبرنگاران کتاب با اطلاع رسانی دقیق و به موقع خود از فعالیت های مرتبط با این حوزه، نقش مؤثری در ترویج کتابخوانی در کشور دارند.»

وی افزود: «در این مراسم با اهدای هدایایی، از خبرنگاران قدردانی می شود و اصحاب قلم در فضایی صمیمی و دوستانه به گفت و گو و تبادل نظر خواهند پرداخت.»

این مراسم امروز از ساعت ۲۰ تا ۲۲ در خیابان طالقانی، هتل انقلاب با حضور جمعی از خبرنگاران حوزه کتاب فعال در رسانه های مختلف، به صرف شام برگزار می شود.

این سومین سال پیایی است که موسسه خانه کتاب به مناسبت روز خبرنگار از خبرنگاران فعال در حوزه کتاب تقدیر می کند.

اصلاح آیین نامه های نمایشگاه بین المللی

کتاب تهران

اینا - سومین جلسه بررسی و بازبینی آیین نامه های نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، عصر چهارشنبه گذشته، با حضور نمایندگان ناشران و دست اندرکاران حوزه نشر در محل بنیاد ادبیات داستانی ایرانیان برگزار شد. ناشران و نمایندگان آنان در این نشست کاری، برای رفع مشکلات این بخش در نمایشگاه دوره بعد به توافق رسیدند و آیین نامه های مرتبط را اصلاح کردند.

در این جلسه که با حضور محمود سالاری، مدیر کمیته داخلی ناشران، احمد کمالی نژاد و مرضیه مرآت نیا، معاون و دبیر این کمیته برگزار شد، محمدحسین زارع و شهروز گهواره ای از بخش ناشران دانشگاهی، یحیی دهقانی و حسین آریایی فر از بخش ناشران آموزشی، محمدابراهیم امین التجار، به عنوان نمایندگان ناشران کتاب های کودک و نوجوان و مهدی اسماعیلی به نمایندگی از سوی ناشران عمومی شرکت کرده بودند.

حاضران در این نشست، ابتدا شرایط ثبت نام از ناشران را بررسی کردند و درباره ملاک های شرکت هر یک از ناشران با توجه به تعداد کتاب های منتشر شده آنان و ضوابط رعایت حقوق مولف و ناشر در نمایشگاه، به بحث و تبادل نظر پرداختند.

موضوعاتی چون تعیین ملاک تخصیص غرفه ها، دخالت تشکل هادر برخی تصمیمات اجرایی، شرایط و ویژگی های فضای اختصاصی هر ناشر در نمایشگاه و توجه به تخلفات انجام شده در سال های گذشته نیز در فهرست دستور کار این نشست قرار داشت که درباره آنها تصمیم گیری شد.

دومین جلسه بررسی و بازبینی آیین نامه های نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در ۳۱ تیرماه برگزار شده بود که طی آن، دو مرحله ای شدن ثبت نام برای حضور در نمایشگاه، مکاتبه با ناشران برای ثبت نام به موقع و ایجاد شرایط جداگانه برای ثبت نام و تخصیص غرفه در هر بخش، برخی از پیشنهادات این نشست بود.

«فایده گرایی» به

کتابفروشی ها می آید

نشرنی، ناشر برگزیده بیست و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، تا چند روز آینده دو کتاب «فایده گرایی» اثر جان استوارت میل با ترجمه مرتضی مردیها را در حوزه فلسفه و کتاب «امیل دورکیم» اثر کنت تامپسون با ترجمه شهناز مسمی پرست را در حوزه جامعه شناسی روانه بازار می کند.

محمدرضا نعمت پور، مدیر روابط عمومی نشر نی در گفت و گو با کتاب هفته با اعلام این خبر درباره ویژگی کتاب «فایده گرایی» گفت: «فایده گرایی در واقع نظریه ای است درباره مبانی اخلاقی اما از آن فراتر می رود و حوزه هایی چون فلسفه سیاست و حقوق را نیز دربرمی گیرد.»

وی درباره نویسنده این کتاب یادآور شد: «جان استوارت میل برجسته ترین مدافع فایده گرایی است و در این کتاب کوشش می کند مخاطب را نسبت به راستی، درستی و کارسازی این نظریه متقاعد کند.»

وی همچنین درباره کتاب «امیل دورکیم» اظهار داشت: «این کتاب به بررسی دستاوردهای فراوان دورکیم جامعه شناس فرانسوی می پردازد و آنها را در بافت اجتماعی و فکری شان می نشاند و علاوه بر این، شرح دقیقی از عناصر اصلی جامعه شناسی او را ارائه می دهد.»

به گفته نعمت پور، تامپسون در این کتاب درباره علت تاثیر عمیق دورکیم بر تحولات بعدی در این رشته به بحث می پردازد، زمینه تاریخی و سیاسی آثار او را مورد بررسی قرار می دهد و کامیابی اش را در پایه گذاری جامعه شناسی بر بنیانی مستحکم و دانشگاهی نشان می دهد.

وی تاکید کرد: «این کتاب حاوی شرحی انتقادی درباره چهار پژوهش عمده ای است که نمایانگر سهم دورکیم در جامعه شناسی اند یعنی: تقسیم کار در جامعه، خودکشی، قواعد روش جامعه شناسی و صور بنیانی حیات دینی.»

کتاب «فایده گرایی» حداکثر تا یک ماه دیگر در ۲۶۲ صفحه و با قیمت ۴۶۰۰ تومان و کتاب امیل دورکیم در ۲۶۴ صفحه و باقیمت ۴۶۰۰ تومان به زودی روی پیشخوان کتابفروشی ها قرار خواهد گرفت.

اهدای کتاب‌های ایرانی به اهالی فرهنگ اسپانیا



اکنون به یک هفته افزایش یافته یکی از مهم‌ترین مناسبت‌های فرهنگی در تقویم این کشور به شمار می‌رود که با مراسم و برنامه‌های مختلفی همراه است. برگزاری نمایشگاه‌های کتاب، شب‌های کتاب، هفته فرهنگی کاتلان، برنامه‌های فرهنگی مانند نمایش فیلم، تئاتر، اپرای موسیقی، برپایی بازارچه‌های

مجموعه‌ای از کتاب‌های مربوط به ایران از جمله آثار مرتبط با ایران‌شناسی و اسلام شیعی از سوی رایزنی فرهنگی ایران در مادرید به کتابخانه‌ها و مراکز دانشگاهی اسپانیا ارسال و طی دیدارهایی با استادان و چهره‌های فرهنگی به آنان اهدا شد.

حامد یاری، مدیر کل حوزه ریاست، روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با اعلام این خبر و طی ارسال گزارشی درباره برگزاری روز کتاب در اسپانیا و اقدامات رایزنی فرهنگی ایران در این کشور، هدف از این اقدام را بسط و گسترش ارتباطات فرهنگی با نهادها، مراکز و شخصیت‌های فرهنگی اسپانیا اعلام کرد.

بنابراین گزارش بیست و سوم آوریل در اسپانیا به نام روز کتاب نامگذاری شده است و این روز که

نویسنده انگلیسی برنده بوکر در گذشت



استنلی میدلتون نویسنده انگلیسی برنده جایزه بوکر در سن ۹۰ سالگی درگذشت. به گزارش آسوشیتدپرس، استنلی میدلتون که در سال ۱۹۷۴ جایزه معتبر ادبی بوکر را از آن خود

کرد، در شهر ناتینگهام در مرکز انگلستان بر اثر سرطان درگذشت.

این نویسنده در سال ۱۹۱۹ در شهر ناتینگهام متولد شد و مدرک دانشگاهی خود را نیز از دانشگاه همین شهر دریافت کرد. او مدت ۲۳ سال رئیس دپارتمان زبان و ادبیات انگلیسی دانشکده‌های پیومنث بود. وی همچنین تجربه فعالیت در ارتش انگلستان و استقرار در کشور هندوستان را دارد که تجربه این حضور در یکی از رمان‌هایش متبلور شده است.

آخرین رمان استنلی میدلتون با عنوان «سه مرد دانای آن بانو» سال گذشته منتشر شد.

این نویسنده در مصاحبه‌ای اذعان کرده بود که دی.اچ. لارتس بیشترین تاثیر را بر او گذاشته است. میدلتون نخستین رمانش را با عنوان «یک پاسخ کوتاه» در سن ۳۸ سالگی منتشر و پس از آن تقریباً هر سال کتابی منتشر کرد. رمان «تعطیلات» این نویسنده برنده جایزه بوکر شده است.

وی در سال ۱۹۸۸ به عنوان عضو جامعه ادبی سلطنتی انگلستان نیز انتخاب شد. از این نویسنده ۴۴ رمان به یادگار مانده است.

در «ایبنا» بخوانید

بما رجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب‌سایت «ایبنا» به شما امکان دست‌یابی به مطالب بیشتر را هم می‌دهد.

آنها که می‌آیند، آنها که خریده شدند

ایبنا هفته گذشته فهرست آخرین کتاب‌هایی را که از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز انتشار دریافت کرده‌اند، منتشر کرد. در این فهرست کتاب‌هایی که مجوز انتشار آنها از ۲۰ اردیبهشت تا پنجم ماه جاری (مرداد)، از سوی اداره کل کتاب به ناشران ابلاغ شده، گنجانده شده است. علاوه بر نام کامل کتاب، نام نویسنده و مترجم آن و نام ناشر نیز برای اطلاع عموم درج شده است.

همچنین فهرست کتاب‌هایی که در چهار جلسه اخیر هیات خرید کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (جلسه‌های ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳ و ۳۵۴)، تصمیم به خرید آنها گرفته شده نیز در ایبنا به انتشار رسید. در این فهرست که بالغ بر ۵۰ صفحه به صورت فایل ضمیمه (pdf) است، نام ناشر، نام پدیدآورنده و قیمت اصلی کتاب درج شده است.

گدایان قبرمان و فرمان مشروطه

بخش «یادداشت روز» خبرگزاری کتاب که روزانه یادداشتی از اهالی کتاب و قلم منتشر می‌کند، هفته‌قبل یادداشت‌هایی را از آن‌هایدخزیر، خبرنگار تاریخ و جغرافیا، حامد هاتف، دبیر گروه ادب و هنر خبرگزاری کتاب ایران، همایون علی‌آبادی، نویسنده و منتقد تئاتر و علی ططری، رئیس مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و مدرس دانشگاه، برای انتشار برگزید.

خزیر به مناسبت چهلمین روز درگذشت محمد شیروانی، مصحح و نسخ‌پژوه یادداشتی با نام «احیاگر نسخه‌های خطی» تحریر کرده است. وی شرحی از زندگی و فعالیت‌های این کتابدار فقید آورده و نوشته است: «زنده‌یاد شیروانی در طول زندگی علمی خود، آثار گرانمایی در زمینه تالیف و تصحیح از خود به یادگار گذاشته است و هر که بخواهد در زمینه ترویج اندیشه دینی، تاریخی و نسخه‌های خطی این مرز و بوم کاری انجام دهد، ناگزیر است تا از این آثار بهره‌جوید.»

هاتف از کتاب مقامات حریری و ترجمه جدیدی که از این اثر منتشر شده قلم زده و علی‌آبادی از ظرفیت‌های نمایشی در شعر نیما یوشیج نوشته است. وی در بخشی از یادداشت خود آورده: «شعرهای او از همان ابتدا نشان می‌دهند که گوینده ادیب نیست و تعابیر و اصطلاحات و زبان کلاسیک ادیبانه را به کار نمی‌گیرد. شعر او خیلی ساده و ابتدایی به نظر می‌رسد و خواننده تصور می‌کند شاعر با شعر فارسی یا آشنایی ندارد یا آشنایی اندکی دارد.»

ططری نیز در سالگرد صدور فرمان مشروطیت، این اتفاق تاریخی را پیروزی بزرگ ملت ایران دانسته و در یادداشت خود از زاویه اسناد و مکتوبات به آن پرداخته است.

نقد و معرفی جدیدترین کتاب‌ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب‌هایی که به زودی قدم به کتابفروشی‌ها می‌گذارند، گفت‌وگوهای با پدیدآورندگان آثار، شاعران، نویسندگان، ناشران و مترجمان، تازه‌ترین خبرها و گزارش‌ها از کتاب و ادبیات و نقد و تحلیل‌هایی بر کتاب‌های جدید، از دیگر مطالبی‌اند که می‌توان در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران یافت.

خیابانی کتاب و مبادله کتاب‌های مطالعه‌شده با کتاب‌های مطالعه‌نشده، حضور نویسندگان در نمایشگاه‌ها و بازارچه‌های کتاب و اهدای کتاب از سوی مراکز و نهادهای مختلف به کتابخانه‌های عمومی از جمله برنامه‌های ویژه هفته کتاب در اسپانیاست.

بر اساس این گزارش، برپایی کلاس‌های رایگان آموزش زبان اسپانیولی توسط موسسات وابسته به شهرداری‌ها یا با هزینه بسیار اندک از سوی مراکز ماند موسسه «سروانتس» در مجهزترین کلاس‌های آموزشی، آموزش‌های آنلاین و فعالیت سایت‌های متعدد اینترنتی و انتشار حجم عظیمی از کتاب نشان‌دهنده اهتمام این کشور به سرمایه‌گذاری فرهنگی برای گسترش فرهنگ، زبان و ادبیات اسپانیولی در داخل و خارج از اسپانیا است.

اتهام استفانی مه‌یر به سرقت ادبی

استفانی مه‌یر، نویسنده داستان‌های پر فروش خون‌آشامی، از سوی نویسنده کتاب «شباهنگ» به سرقت ادبی متهم شد.

به گزارش رویترز، جی. کریگ. ویلیامز و کیل جوردن اسکات نویسنده کتاب «شباهنگ» به خبرنگار رویترز گفته است که این نویسنده تصمیم دارد از «استفانی مه‌یر» به دلیل سرقت ادبی شکایت کند. به گفته ویلیامز و کیل اسکات، گرچه تشابه لغت به لغت کتاب «سپیده دم» به «شباهنگ» زیاد نیست اما طرح داستان و شخصیت‌های داستانی آن کاملاً با «شباهنگ» یکسان است.

کیل اسکات گفته است که او و موکلش به دنبال جریمه مادی نیستند، همچنین ناشر آثار مه‌یر که اتهام سرقت ادبی را رد کرده، گفته است موفقیت این مجموعه باعث شده تا افراد زیادی به دنبال سودجویی از شهرت این آثار باشند.

استفانی مه‌یر با نوشتن این مجموعه چهار جلدی فانتزی که زندگی انسان‌های عادی در کنار جمعی از خون‌آشامان و گرگینه‌ها را نشان داده، توانسته است در کشورهای مختلف جهان، ماه‌ها در ردیف پر فروش‌ترین آثار جای داشته باشد. به گفته ناشر این آثار تاکنون بیش از ۷۰ میلیون نسخه از این مجموعه در سراسر دنیا به فروش رفته است.

«گرگ و میش»، فیلمی بر اساس جلد نخست این مجموعه، پاییز گذشته روی پرده سینما رفت و قرار است جلد دوم آن نیز به زودی در قالب فیلم سینمایی اکران شود.

مرمت ۲۵۰ جلد مشروح مذاکرات قدیمی مجلس

۹۱ جلد مشروح مذاکرات جدید، ۴۵ جلد از گزارش‌های سفر (فرستاده شده از مجلس شورای اسلامی)، ۲۸ جلد پایان‌نامه، ۸۰ جلد کتاب‌های چاپی مرکز پژوهش‌های کتابخانه مجلس، ۴۰ جلد گزارش‌های دولتی، ۶۵۰ جلد نشریات ادواری، ۱۴۰ فهرست نسخ خطی، ۱۶۰۰ جلد کتاب و ۱۵۰ جلد هفته‌نامه شهرستان‌ها صحافی شده‌اند.

پیگیری سیستم ضد عفونی برای بخش خطی کتابخانه مجلس، همکاری با پژوهشکده حفاظت و مرمت، راه‌اندازی آزمایشگاه برای بخش مرمت و آسیب‌شناسی و به‌کارگیری ۱۰ نفر از نیروهای متخصص مرمت به صورت پروژه‌ای، از دیگر اقدامات بخش مرمت و آسیب‌شناسی کتابخانه مجلس در طول یک سال گذشته بوده است.

۲۵۰ جلد مشروح مذاکرات قدیمی مجلس و نیز ۷۰ جلد کتاب چاپ سنگی و سربی موجود در این کتابخانه مرمت شدند.

بر اساس گزارشی که از عملکرد یکساله بخش مرمت و آسیب‌شناسی کتابخانه مجلس روی وب‌سایت این کتابخانه قرار گرفته، بخش صحافی و مرمت کتابخانه مجلس از جمله دوایر فعال این کتابخانه بوده است. در مدت یک سال گذشته ۸۰ هزار برگ سنتاریخی و ۱۵۰ جلد نسخه خطی، مرمت و آفت‌زدایی شده‌اند. همچنین ۲۵۰ جلد مشروح مذاکرات قدیمی مجلس و نیز ۷۰ جلد کتاب چاپ سنگی و سربی مرمت شده‌اند. در این مدت ۱۵۰ جلد کتاب چاپ سنگی و سربی نیز مورد پاکسازی قرار گرفته‌اند. همچنین ۹۰۰ جلد روزنامه، ۱۶۵ جلد کتاب چاپی،

ویتگنشتاین در کتاب ماه فلسفه

تازه‌های کتاب ماه

تازه‌ترین شماره کتاب‌های ماه فلسفه، ادبیات، هنر، علوم اجتماعی، تاریخ و جغرافیا و کلیات روی پیشخان روزنامه‌فروشی‌ها قرار گرفت.

کتاب ماه فلسفه در بیست و دومین شماره (تیر) که به فیلسوف قرن بیستم یعنی لودویگ ویتگنشتاین اختصاص داده شده، ضمن مروری اجمالی بر آرا و زندگی نامه این فیلسوف، به تبیین برخی از نقدها در حوزه ویتگنشتاین پژوهی در غرب و واکاوی و گزارش‌هایی که از سوی برخی پژوهشگران ایرانی در این حوزه صورت گرفته، می‌پردازد.

کتاب ماه ادبیات نیز در بیست و هفتمین شماره (تیر)، ویژه‌نامه‌ای را با عنوان زبان و ادبیات عرب، تدارک دیده که به بررسی آرا و اندیشه‌های ابوالعلاء معری شاعر عرب می‌پردازد. ترجمان‌الاشواق: نمادپردازی انسان کامل ابن عربی و نگاهی به اشعار نزار قبانی و شعر معاصر عرب از جمله موضوعات این شماره‌اند. صدویست و نهمین شماره کتاب‌ماه هنر (خرداد) نیز مباحثی را نظیر زیبایی‌شناسی و ذات‌شناسی هنر اسلامی، نظریه‌های نور در نگاره‌های ایرانی، کتاب‌های

مانویان و ارتباط تصویری صاحب در تعزیه را مورد بررسی قرار داده است. کتاب‌ماه علوم اجتماعی نیز در پانزدهمین شماره (خرداد) در قالب ویژه‌نامه‌ای با عنوان مطالعات سیاسی و روابط خارجی و در پنج بخش: دیدگاه، معرفی و نقد کتاب (فارسی)، معرفی و نقد کتاب (لاتین)، مقاله و اخبار منتشر شده است. صدوسی و سومین شماره کتاب ماه تاریخ و جغرافیا (خرداد) نیز در شش فصل نظر گاه، کنکاش، پرتوهای تلاش، تاریخ‌نگاران، بازتاب و یادگاری‌های ماندگار موضوعاتی نظیر سفرنامه سه‌سالار در سفر ژاپن، ساختار شکنی تاریخ، کشاکش و همزیستی، ایرانیان و اندیشه تجدد و سندی از جنگ‌های ایران و روس را مورد بررسی قرار داده است.

کتاب ماه کلیات نیز در صد و سی و هشتمین شماره (خرداد) با زیرعنوان اطلاعات، ارتباطات و دانش‌شناسی به بررسی موضوعاتی نظیر نقد و بررسی کتاب‌شناسی شیخ بهایی، روزنامه‌نگاری بر خط (آنلاین) و اصول و روش‌های پژوهش کیفی، پرداخته است.

کتاب‌های پرفروش هفته گذشته استقبال از «بیچارگان» داستایفسکی



کتاب‌های حوزه ادبیات، دین، روان‌شناسی و فلسفه از جمله کتاب‌های پرفروش هفته گذشته بودند. در حوزه ادبیات، رمان «بیچارگان» اثر فئودور داستایفسکی با ترجمه خشایار دیهیمی و «عقل و احساس» اثر جین آستین با ترجمه رضا رضایی از نشر نی؛ در حوزه ادبیات دفاع مقدس کتاب «آواز پرواز» اثر راضیه تجار، «لحظه‌های آسمانی» اثر غلامعلی رجایی، «داستان بهنام» از داوود امیریان، «سیره دکتر بهشتی» اثر غلامعلی رجایی، مجموعه پانزده جلدی «قصه فرماندهان» شامل زندگینامه فرماندهان شهید جنگ از جمله مهدی باکری، محمدابراهیم همت، محمدعلی جهان‌آرا، عباس بابایی و احمد متوسلیان؛ دوره خاطرات چهارده جلدی با عنوان «افلاکیان زمین» خاطرات شهید مرتضی مطهری، شهید سید محمدحسین بهشتی، شهید نواب صفوی، شهید مرتضی آوینی و شهید صیاد شیرازی و «خیابان پیر» مجموعه داستان کوتاه اثر اکبر صحرائی از نشر شاهد، از آثار پرفروش در هفته گذشته بودند.

در حوزه فلسفه نیز کتاب «روح پراگ» اثر ایوان کلیما با ترجمه خشایار دیهیمی؛ «فریدریش نیچه و گزین گویه هایش» اثر میشل فوکو با ترجمه پریسا رضایی و رضا نجفی از نشر مروارید؛ «درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران» اثر سید جواد طباطبایی از نشر کویر و «ایمان یا بی‌ایمانی» اثر اومبرتو اکو با ترجمه علی اصغر بهرامی از نشر نی جزو پرفروش‌ها بودند.

دبیر علمی ششمین جشنواره نقد کتاب:

دفتر نخست کتاب «عیار نقد» منتشر می‌شود



تعداد مقالات انتخابی نسبت به دوره‌های قبل کاهش پیدا کند.

دبیر ششمین جشنواره نقد کتاب با اشاره به این مطلب که برخی از مقالات ارسالی، درباره نقد

علی اوجبی، دبیر علمی ششمین جشنواره نقد کتاب گفت: «در این دوره از جشنواره نقد کتاب، علاوه بر انتشار گزارش پنج دوره گذشته برای استفاده علاقه‌مندان و رسانه‌ها، مجموعه مقالات متخصصان این حوزه را در سلسله کتاب‌های «عیار نقد» منتشر می‌کنیم.» بررسی و ارزیابی این مقالات برای انتشار، برعهده دبیر علمی جشنواره است.

علی اوجبی به خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) گفت: «تاکنون بیش از ۸۷ نشر به دبیرخانه ششمین جشنواره نقد کتاب رسیده که مشتمل بر ۵۰۰ مقاله است.» وی ادامه داد: «تا به اینجا، از نظر ارسال نشریات، آمار بهتری نسبت به دوره‌های پیش داریم؛ اما به دلیل این که سعی کرده‌ایم دقت بیشتری در انتخاب مقالات به کار بندیم، ممکن است در برخی حوزه‌ها

برنامه‌های این هفته سرای اهل قلم

برنامه نشست‌های این هفته سرای دائمی اهل قلم از سوی خانه کتاب اعلام شد. امروز شنبه هفدهم مرداد در ادامه سلسله نشست‌های مولوی پژوهی موضوع «عالم مثال نزد مولوی» با حضور ان شاء الله رحمتی و دکتر پرویز عباسی داکانی برگزار می‌شود.

کتاب «شته‌ها و شکوفه‌ها» اثر ابراهیم حسن بیگی از مجموعه طرح تکا نیز فردا، یکشنبه با حضور نویسنده کتاب، محمد حنیف، علی‌الله سلیمی، کامران پارسی نژاد مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. در همین روز (هفدهم مرداد) نشست دیگری با موضوع نقد و بررسی کتاب «واقع‌گرایی در ادبیات داستانی معاصر» اثر فدوی الشکری با حضور دکتر قدرت‌الله طاهری، بلقیس سلیمانی، بهمن خلیفه و فرزاد حقیقی برگزار می‌شود. نشست روز دوشنبه نیز به نقد و بررسی کتاب مرجع نشر ایران با حضور کامران فانی، حمید قبادی، جلال ذکایی، مسعود پایدار، مصطفی تهرانی، سید علی مدنی، داوود موسایی و مجتبی تبریز نیا اختصاص دارد. نقد و بررسی «رمان عامه پسند» اثر بوکوفسکی با حضور مترجم اثر پیمان خاکسار و دو کارشناس و منتقد، مهدی کاموس و احسان عباسلو برنامه نشست روز سه‌شنبه خواهد بود. نشست روز چهارشنبه نیز به نقد و بررسی مجموعه داستان «سه‌شنبه قرقی» اثر فرزاد شیرزادی با حضور نویسنده کتاب و محمدحسین محمدی، ترگس آبیان و علی‌الله سلیمی اختصاص داده شده است. دو نشست نقد و بررسی مرجع نشر ایران و نقد و بررسی کتاب «سه‌شنبه قرقی» از ساعت ۱۶ تا ۱۸ و بقیه نشست‌ها از ساعت ۱۷ تا ۱۹ در سرای اهل قلم واقع در خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ برگزار می‌شود و شرکت در این برنامه‌ها برای عموم آزاد است.

کتاب نیستند یا به این حوزه ارتباط ندارند، افزود: «مقالاتی که شاخصه‌های نقد فاخر را نداشته باشند، پس از بررسی اولیه توسط هیأت‌های سه نفره داوری حذف می‌شوند و سایر مقالات به مرحله دوم می‌روند. آن دسته از آثاری که نمره‌ای بالاتر از ۸۵ را کسب کنند، در شمار مقالات برگزیده یا شایسته تقدیر خواهند بود.»

اوجبی در بخش دیگری از سخنان خود افزود: «در ششمین دوره نیز پس از رایزنی و مشاوره‌ها در صورت به قطعیت رسیدن، از یک شخصیت جوان، پیشکسوت و یک نشریه تقدیر خواهد شد.»

معاون فرهنگی موسسه خانه کتاب، همچنین گفت: «مانند دوره قبل که «کتاب نقد و نقد کتاب» در حوزه مبانی نظری منتشر شد، انتشار کتابی در حاشیه برگزاری جشنواره در برنامه‌های دبیرخانه پیش‌بینی شده است.»

وی تصریح کرد: «کتابی با عنوان نقد برتر دوره چهارم و پنجم را منتشر خواهیم کرد که حاوی نقد‌های برگزیده دو دوره قبل است و از دیگر برنامه‌های ما انتشار گزارش پنج دوره گذشته برای علاقه‌مندان و رسانه‌هاست.»

وی گفت: «کتاب‌های این دوره آموزشی در حوزه نقد به شدت احساس می‌شود؛ بنابراین قصد داریم کتابی با عنوان «عیار نقد» را نیز منتشر کنیم که مبانی نظری نقد را به صورت علمی به جوانان آموزش دهد. این کتاب، منتخبی از مجموعه مقالات به قلم کارشناسان و حاوی دیدگاه‌های مختلف از منتقدان کتاب است که از سوی دبیرخانه جشنواره نقد منتشر خواهد شد.»

اوجبی در پایان گفت: «بررسی و ارزیابی این مقالات برعهده دبیر علمی است و امیدواریم با انتشار دفتر اول این مجموعه آموزشی، این روند در دوره‌های بعد نیز ادامه پیدا کند.»

یاسمه تعالی

ششمین دوره جشنواره نقد کتاب
همزمان با هفدهمین دوره هفته کتاب

مؤسسه خانه کتاب به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی نقد جشنواره نقد کتاب را همزمان با هفدهمین دوره هفته کتاب در سال جاری برگزار می‌کند. لذا از تمامی منتقدان و مدیران مسئول مطبوعات و نشریات دعوت می‌کند مقالاتی را که در حوزه نقد کتاب در سال ۱۳۸۷ منتشر کرده‌اند، حداکثر تا پایان مرداد ماه ۱۳۸۸ به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند.

تلفن تماس: ۶۶۴۱۵۲۵۵ تلفکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸

www.naghdeketab.ir

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین فلسطین و برادران مظفر جنوبی، شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲-

باسمه تعالی

نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع
انقلاب اسلامی ایران

در آستانه دهه چهارم انقلاب اسلامی شکوهمند ملت بزرگ ایران و به منظور نکوداشت عسایر، آگاهی و بیداری بیشترت و عدالت، معنویت و آزادی و با هدف آیت اندامه حمله آفرینی‌های شور انگیز در حافظه تاریخی بشری. نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران برگزار می‌شود. این مسابقه فرصتی است برای همه صاحبان ایده و نظر و دیدگاه‌های حلقی، هنرمندانی که خود را در تاریخ و سرنوشت میهنی آنان شریک و مدعی می‌دانند و اهمیت روشنگری و بازشناسی مفاصل و وقایع را برای فرزندان امروز و فردا در یافته‌اند. متناسب با موضوع رویداد انقلاب اسلامی برای انسان معاصر و روش‌های ترویجی، آرمان‌های ملی و آزادی خواهی، خلق ستیزی و عدالت طلبی، حماسه سازی، ایثار و سایر تأثیرات معنوی آن در جهان کنونی، آثار ماندگار و شایسته‌ای را به گنجینه ادبیات نمایشی کشور خواهد افزود.

■ مدارک مورد نیاز:

۱. فرم پر شده تقاضای حضور در مسابقه ایران هر نمایشنامه برترین یک فرم جداگانه فرستاد.
۲. تعدادی برابر تعداد آثار وجود ندارد.
۳. سه نسخه نایب شده از نمایشنامه به همراه فایل آن در محیط word بر روی لوح فشرده.
۴. یک نسخه عکس پرسنلی نویسنده.

■ جوایز مسابقه:

به منظور حمایت و پشتیبانی معنوی، آثار برگزیده در قالب کتاب مستقل منتشر خواهد شد. همچنین جوایزی به رسوباننده به ده اثر برگزیده به شرح زیر اعطاء می‌شود:

۱. سه اثر برگزیده نخست، هر یک ۲۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل دو میلیون تومان.
۲. سه اثر برگزیده دوم، هر یک ۱۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون و پانصد هزار تومان.
۳. چهار اثر برگزیده سوم، هر یک ۵۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون تومان.

■ گاه شمار:

۱. ارسال آثار از طریق پست سفارشی تا تاریخ ۸۸/۵/۳۰
۲. اعلام نتایج و اعطای جوایز تا تاریخ ۸۸/۹/۳۰

فرم تقاضای حضور در نخستین مسابقه سرسری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

عنوان نمایشنامه: _____ نویسنده: _____

میزان تحصیلات (با ذکر رشته و گرایش): _____ شماره تماس (شماره ثابت): _____

نشانی دقیق پستی: _____

ایمپلانت: _____

انقلاب اسلامی ایران، مدارک فوق را بر صحت و فرضی ارائه می‌دهد.

تاریخ و امضا: _____

آدرس: خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین و خیابان جنوبی، ساختمان شماره ۱۰۸۰، طبقه دوم، روابط عمومی، صندوق پستی: ۱۳۱۵-۲۱۳
شماره تماس: ۶۶۹۶۶۲۱۸-۶۶۴۱۵۲۵۵



یادگاری های اشتباه بر پیکره کتاب

تاکنون چند بار پیش آمده است که از جلو کتابفروشی ها رد شده باشید و دیدن عنوان های هیجان انگیز کتاب های تاریخی و زرق و برق جلد آنها، شما را میخکوب کرده باشد؟ همان کتاب هایی را می گویم که نویسنده گان شان مدعی اند اسرار ناگفته و ماجراهای پنهانی را علنی کرده اند و کتاب هایشان را بر اساس گزارش های پشت پرده نوشته اند؟

خیلی سخت نیست که چهره عبوس و درهم آنها بی رادر ذهن مجسم کنیم که فریب ظاهر آراسته و عنوان های وسوسه انگیز این دست کتاب ها را خورده اند و وقتی کتاب را گشوده اند و صفحه صفحه جلو رفته اند، دریافته اند که آن گزارش های پشت پرده و اسرار ناگفته و ناشنیده، هیچ نیست جز خیال پردازی ها و قصه بافی های نویسنده ای که تاریخ را با افسانه اشتباه گرفته است. اسنادهای نویسنده هم (البته اگر اسنادی در کار باشد) مشتی نقل قول های بی پایه و اساس است که متکی بر سند و مدرکی تاریخی نیست.

این جور وقت ها تنها می توان با خواننده هایی که بیش از حد به عنوان کتاب و ادعاهای نویسنده اعتماد کرده اند همدردی کرد، چه بسا خود ما هم گاهی در برابر وسوسه خرید چنین کتاب هایی، بی تاب و هیجان زده شده ایم. قبول کنید که سخت است در برابر جاذبه خرید کتابی مقاومت کنیم که نویسنده آن مدعی است اسراری را افشا کرده که تاکنون هیچ تاریخ نویس دیگری به آن دسترسی نداشته است.

دکتر ایرج بهرامی، پژوهشگر تاریخ و فرهنگ و زبان های باستانی در این باره می گوید: «تصویر جلد برخی از کتاب های تاریخی بدون توجه به محتوای آن انتخاب می شود در نتیجه هماهنگی لازم بین تصویر جلد و محتوای کتاب وجود ندارد.»

وی همچنین می افزاید: «تصویرهایی که ناشران برای کتاب های تاریخی انتخاب می کنند، بر مبنای فروش بیشتر کتاب است و اغلب با متن کتاب هماهنگی ندارد. به همین دلیل تاریخ نگاران باید محتوای تاریخی کتاب ها را مشخص کنند که در چه دوره ای از تاریخ قرار گرفته و کدام شخصیت تاریخی در آن دوره وجود داشته است و سپس تصویر جلد کتاب را بر آن اساس انتخاب کنند.» این نویسنده و محقق یادآور می شود: «تاریخ نگاران باید خود در انتخاب تصویر کتاب هادخاله داشته باشند تا ناشران برای فروش بیشتر کتاب، تنها به تصویر جلد آن توجه نکنند. همچنین کتاب های تاریخی باید توسط متخصصان کنترل شود تا آثار پژوهشی خوبی به بازار کتاب عرضه شود و منبعی برای تاریخ نگاران و پژوهشگران آینده باشد.»

نویسنده کتاب «روشن تری و جاودانگی در اساطیر» خاطرنشان می کند: «اگر انتشار کتاب توسط متخصصان بررسی نشود، شاهد کتاب های بازاری و لوکس در ویرترین کتابفروشی ها خواهیم بود که از پژوهش بی بهره اند.» وی می افزاید: «کتاب و نشر آن در جامعه، مقدس است و باید با مطالعه، تحقیق و بررسی منتشر شود، زیرا تاریخ نگاران بعدی از این کتاب ها بهره می گیرند و ممکن است آنها نیز به اشتباه، تاریخی را برای آیندگان به یادگار بگذارند.»

آفت بزرگی به نام کتابسازی

نویسنده های پر مدعا هر چه می خواهند بگویند، زیرا این خواننده است که باید عاقل باشد و فریب نخورد. دلیلی ندارد هنگامی که از دیدن چنین کتاب هایی نفس هایمان به شماره افتاده است، آرامش خود را از دست بدهیم و بی دلیل و مدرک گول ادعاهای هر مدعی تاریخ نویسی را بخوریم. به این دلیل ساده که آنقدرها هم شناخت کتاب های ساختگی تاریخی از پژوهش های مستدلی که بر پایه اسناد و گزارش های معتبر فراهم آمده باشند، دشوار نیست. پانویس های کتاب، فهرست مآخذ و ارجاعات نویسنده، میزان دسترسی او به منابع دست اول و پژوهش های تازه تاریخی و همین طور جایگاه علمی نویسنده، راهنمای مطمئنی برای خواننده ای است

که تاریخ را قصه گونه و پندار بافانه نمی خواهد و به آن به دیده کارنامه بی دروغ و مستند گذشتگان می نگرد. با این همه نمی توان انکار کرد که اسرار پشت پرده جزئی از تاریخ است. کدام چهره تاریخی، از شاهان ریز و درشت و سرداران بانام و نشان را می شناسید که ماجراهای زندگی و زد و بند های سیاسی اش آکنده از داستان های پرکشش و هیجان آور نباشد؟ حتی خوانندگان جدی و اخموی تاریخ هم از خواندن این دست ماجراها لذت می برند. اما فرقی است بین نویسنده ای که اتفاقات تاریخی را دستمایه داستان پردازی های خیال بافانه اش می کند با پژوهشگر راستینی که هر ماجرا را با زتاب سلسله وقایع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می داند و درصدد یافتن ریشه ها و عوامل رویدادهاست. این هم روشن است که تفاوت بسیاری وجود دارد میان ناشری که عنوان های مسحورکننده تاریخی را برای فروش بیشتر برمیگزیند و تنها به صف خریداران کالایش می نگرد، با ناشرانی که نسبت به خوانندگان و آنچه به نام «تاریخ» عرضه می کنند، احساس تعهد و مسئولیت می کنند.

علی اکبر حسین زاده مدیر انتشارات پانید، درباره کتاب سازی های تاریخی می گوید: «کتابسازی، آفت بزرگ کتاب های تاریخی است و شاهدیم که برخی کتاب های تاریخی، کتاب های قوطوری اند اما پژوهشی در آن انجام نشده و بیشتر کتابسازی شده اند.»

وی می افزاید: «کتاب های تاریخی ایران باید بر اساس اسناد، نوشته شوند و شخصیت های تاریخی نیز به شکل حقیقی پردازش شوند. بعضی از کتاب های تاریخی به شکل داستان نوشته شده اند که با واقعیت هماهنگی ندارند و نمی توانند مسائل تاریخی را برای مردم جامعه روشن کنند.»

مدیر انتشارات پانید خاطر نشان می کند: «خاطرات شخصیت های تاریخی باید بر اساس اسناد به رشته تحریر درآید و تحقیقات مستقلی در این زمینه انجام شود. در کنار بسیاری از کتاب های تاریخی کتابسازی شده، کتاب هایی نیز با پژوهش های ارزشمندی منتشر شده اند که می تواند منبع خوبی برای تاریخ نویسان باشد.» حسین زاده یادآور می شود: «تاریخ نویسان باید به ارتقای فرهنگ بیندیشند تا کتاب هایی با محتوای علمی و پژوهش های مستقل منتشر شود.»

کتاب های تاریخی

بازگو کننده بخش واقعی تاریخ ایران

خوانندگانی که کمتر تاریخ را جدی می گیرند و افسانه های شیرین را به روایات خشک و ملال آور تاریخ ترجیح می دهند، به یقین با کتاب های زنده یاد ذبیح الله منصوری بیگانه نیستند. گفته اند که منصوری از نوشته ای ده صفحه ای، کتابی پانصد برگی می ساخت. این سخن خیلی هم اغراق و گزافه نیست. آنهایی که ترجمه های او را با متن های اصلی سنجیده اند، همین نکته را می گویند (حتما مقاله مفصل شادروان کریم امامی به نام «پدیده ای به نام منصوری» را به یاد دارید). با این حساب آیاترجمه های او از کتاب «شاخ جنگ ایرانیان» یا «خواجسته تاجدار» می تواند بازگو کننده بخشی از تاریخ واقعی ما باشد؟ پیداست که نه، اما واقیت این است که هیچ بازار کتابی به نیاز از نوشته های سرگرم کننده تاریخی نیست.

کتابسازی، آفت بزرگ کتاب های تاریخی است و شاهدیم که برخی کتاب های تاریخی، کتاب های قوطوری اند اما پژوهشی در آنها انجام نشده و بیشتر کتابسازی شده اند



کتاب های منصوری هم خوانندگان خود را دارند اما بحث بر سر این است که باید بین پژوهش های دقیق و مستند تاریخی، با قصه پردازی های رمان گونه تفاوت گذاشت.

دکتر جمشید ارجمند، مترجم و نویسنده کتاب های تاریخی، می گوید: «تاریخ نگار باید به موضوع متنی که قرار است گردآوری کند، علاقه مند باشد تا بتواند کتابی را به درستی و با پژوهشی گسترده تالیف کند.»

مترجم کتاب «اصفهان، تصویر بهشت» می افزاید: «بیشتر تاریخ نگاران هرودوت را مبنای کار خود قرار می دهند و مستندات اصلی را از متون موجود هرودوت درمی یابند، زیرا جزو تنها کتاب هایی است که از آن دوره باقی مانده ولی به جز هرودوت، متون دیگری نیز وجود دارد که به طور مستقیم از ایران گرفته شده و بیشتر به کسانی ارتباط دارد که در ایران می زیسته اند.»

وی می گوید: «یکی دیگر از نکاتی که تاریخ نگاران باید با آن آشنا باشند، شناخت فرهنگ و تاریخ عمومی جهان است، زیرا تاریخ نگاران با شناخت این فرهنگ ها می توانند تمامی واژه ها را دریابند و کتاب تاریخی ارزشمندی ارائه دهند که از مقوله کتاب سازی به دور باشد.»

نگارش تاریخ بر اساس اسناد و مدارک

واقعیت این است که انتشار کتاب های تاریخی بی شباهت به قضایای متناقض نما نیست. از یک سو پژوهش های مستند تاریخی کار بسیار دشواری است چرا که محقق می خود را پایبند به گزارش دقیق و بی خدشه تاریخ می بیند، باید انبوهی از اسناد، مدارک و متن های بازمانده از سده های گذشته را بررسی کند و برای هر سخن خود به مآخذ مطمئن تکیه کند و به دریافت و استنباط تازه ای برسد. روشن است که نوشتن چنین تاریخ هایی تا چه پایه طاقت فرسا و وقتگیر است. از سویی دیگر گاه نوشتن کتابی که ظاهری آراسته و عنوانی تاریخی دارد، آنقدر آسان و دستیاب به نظر می رسد که می توان چندین و چند کتاب به ظاهر تاریخی را، بی وقفه، بیرون داد و قفسه ها را از کتاب های ضحیم انباشت.

این دسته از پردازندگان و جعل کنندگان تاریخ، نه خود را متعهد به بررسی و سنجش منابع و مآخذ می بینند و نه اساسا توان و دانش نوشتن و تحلیل تاریخ را دارند. آنها متن های تاریخی را رونویسی می کنند و مجموعه ای درهم و برهم از افسانه و خیال را عرضه می کنند که به دشواری می توان نام «تاریخ» بر آن گذاشت.

برای پیدا کردن چنین کتاب هایی به جستجوی چندانی نیاز نیست. کافی است قفسه کتاب های به ردیف چیده شده کتابفروشی ها را ببینید تا کتاب هایی با رنگ و لعاب تاریخی را ببینید که از قضا بسیار هم شهرت و

آوازه دارند و بارها تجدید چاپ شده اند اما در همه صفحات پر شمار آنها حتی یک بار هم به مآخذ و سندی اشاره نشده و نویسنده هرگز خود را ملزم ندیده است که نام و نشان نوشته هایی را بیاورد که از این سو و آن سو دستچین کرده و بی هیچ تغییری کنار هم چیده است.

این دسته از تاریخ پردازان شگرد دیگری هم دارند. آنها کتاب های ساختگی خود را که از انتشارشان چند سالی سپری شده است، بخش بخش می کنند و هر بخش و تکه را با نامی دیگر و عنوانی تازه تر منتشر می سازند. این کتاب های کوچک تر که از دل همان کتاب ساختگی پیشین بیرون آمده اند، تقریبا تفاوت چندانی با کتاب اصلی ندارند و در این میان تنها نام کتاب تغییر کرده است.

نگارش یک شبه تاریخ ایران!

از اینها گذشته گاهی وقت ها هم پیش می آید که به هر دلیلی بازار فروش کتاب های تاریخی داغ و پر رونق می شود. حالا فرض کنید ماجرای پیش آمده است و مردم دوست دارند پیشینه تاریخی شان را بدانند. همین وقت هاست که سروکله کتاب سازان گوش به زنگ و زرنگی پیدای می شود که گوشه کنارها کمین کرده اند و منتظرند تا این فرصت ناب تاریخی را بقبانند. آن وقت یک شبه کتابی سیصد-چهارصد صفحه ای بیرون می دهند و گوش همه را از کشفیات شگفت آور تاریخی شان کر می کنند.

لابد ماجرای فیلم «۱۳۰۰» را به یاد دارید؛ همان فیلمی که به دروغ می خواست ایرانیان باستان را وحشی و بربر نشان بدهد. نمی دانم کتاب هایی را که در رد این فیلم چاپ شده دیده اید یا نه؛ من چند تایی از آنها را سراغ دارم که ظاهری مرتب و شیک و پیک دارند و نویسنده گانشان ادعا کرده اند که جواب دندان شکنی به سازندگان فیلم داده اند و همه حرف هایشان هم بر پایه مستندات تاریخی است. اما مگر می شود یک شبه کتاب تاریخی نوشت و ادعا کرد که دست دروغگویان و جاعلان تاریخی را رو کرده ایم؟ نوشتن تاریخ و دیدن اسناد و بررسی منابع، تحقیقات و پژوهش های گسترده ای می طلبد.

دکتر میترا مهر آبادی، عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد، می گوید: «در تاریخ نگاری هانمی توانیم به شکل بسته عمل کنیم ولی نباید کتاب هایی که توسط غربی ها به رشته تحریر درمی آید، سرلوحه و مبنای اصلی کار تاریخ نگاران ایرانی قرار گیرد. برخی مورخان استفاده از آثار مستشرقان را الگوری کار خود قرار می دهند و معمولا به کتاب های آنان بسنده می کنند و تحلیل های غربی ها را کورکورانه می پذیرند و در کتاب سازی ها از آن استفاده می کنند.»

این استاد دانشگاه می افزاید: «این روش صحیح نیست و می تواند تاریخ پژوهان و تاریخ نگاران را دچار اشتباه کند و باعث شود بدون تحقیق و پژوهش دست به کاری بزنند که پر از اشتباه است و دیگر پژوهشگران را نیز دچار اشتباه می کند. آنچه غرب می گوید، منابع ثانویه محسوب می شود که از طریق ترجمه به دست مامی رسد اما ما باید بتوانیم در یک کار اصلی، منابع خارجی را در درجه دوم استفاده کنیم.»

مشکل درد سر ساز بعضی از کتاب های تاریخی، نداشتن فهرست اعلام است. باور کنید که استفاده از کتاب تاریخی که «نام نامه» ندارد، سخت است و خواننده را سرگردان و آشفته می کند. اگر سروکارتان با این جور کتاب ها بیفتد، آن وقت مجبورید برای پیدا کردن یک اسم ناقابل، همه صفحات را زیر و رو کنید.

هر چه هست، این رشته سر دراز دارد اما باید حساب آنها را از ناشران و محققانی جدا کرد که خود را نزد خواننده پاسخگو می دانند و کتاب های با ارزش و پژوهشگرانه ای چاپ و منتشر می کنند که حتی ممکن است سرمایه اولیه آنها را بازنگرداند. آنها خود را پایبند تعهدات اخلاقی و بازگویی حقیقت می دانند. به راستی جز حس مسئولیت و تعهد، چه چیز دیگری ممکن است چنین ناشرانی را از چاپ کتاب های بازاری و بی فایده به ظاهر تاریخی، بازدارد؟



غرب و مهدویت؛ تشریح چند نگاه از یک کلام

چاپ نخست کتاب «غرب و مهدویت» (متن سخنرانی دکتر محمدصابر جعفری) از سوی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر و روانه بازار نشر شده است. این کتاب، نتیجه نشست است که پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با عنوان «غرب و مهدویت» با سخنرانی دکتر جعفری برگزار کرد تا از این رهگذر، فضای گفت و گو و تبادل نظر میان نخبگان فرهنگی کشور، نقد و بررسی مسائل و مشکلات مبتلا به جامعه را فراهم سازد.

حجت الاسلام دکتر محمدصابر جعفری در بخشی از سخنرانی خود پس از مقدمه ای کوتاه درباره مهدویت، می گوید: «یکی از مسائلی که هم به امروز و هم به آینده ارتباط دارد و به همین علت برای منفعت طلبان عالم بحثی جدی است و در مدیریت آنها جا پیدا می کند، بحث مهدویت است. این بحث دو بعد دارد که هر دو بخش برای آنها مهم است. گاهی مادر حوزه نظر بحث می کنیم و گاهی در حوزه عمل (مصادق ها) و در عین حال از مهدویت دو تعریف داریم یکی به مثابه صفت نسبی است که بدین ترتیب مهدویت عبارت است از آموزه ها، رفتارها و هر آنچه به گونه ای به حضرت مهدی (عج) ارتباط پیدا می کند. این اوصاف ممکن است رفتار باشد، اعتقاد باشد یا هر چیزی که به حضرت مهدی (عج) ارتباط دارد. گاهی هم واژه مهدویت را در معنای وسیع تری به کار می بریم و از آن معنی، منجی را مدنظر داریم، یعنی می گویم مهدویت عبارت است از رفتارها، آموزه ها و هر آنچه به منجی موضوع منجی گرای می مربوط باشد. در این نگاه دو بعد وجود دارد؛ یکی بعد امروز است که وقتی منجی گرای را تعریف می کنیم، دربردارنده تمام تعاریف دوران انتظار هم خواهد بود. بنابراین در بحث انتظار هم این تعاریف موضوعیت دارند. از طرفی، در مهدویت به معنای صحیح

و انتظار مثبت، نشانه هایی داریم. درباره صفات منتظران واقعی در روایات آمده است: «الداعی الی دین الله سرا و جهرا»: (کسانی که خستگی ناپذیر مردم را به دین خدا دعوت می کنند)؛ مثل خود امام زمان (عج) که می گویم: «الحجاج المجاهد» حتی اگر ناندیم نوع فعالیت های ایشان چیست امارت به این معنی است که حضرت مهدی (عج) تلاشگر خستگی ناپذیر است. کتابی هم که به نام «تلاشگر پنهان» منتشر شده، درباره همین موضوع است. منتظران کسانی اند که «یو طوئون للمهدی سلطانه». در خبر داریم که گروهی از مشرق برمی خیزند که اینها «یو طوئون للمهدی سلطانه» باید توجه کنیم که وقتی بحث مشرق مطرح می شود، شامل ایران و مکان هایی مثل طالقان و خراسان هم می شود. همچنین در احادیث آمده است: «افضل اعمال امتی انتظار الفرج» که این عبارت ها عملی بودن انتظار را نشان می دهد. این نوع نگاه به انتظار کاملا رفتار زمینه ساز و رفتار خستگی ناپذیر را جلوه گر می کند که این رفتار خستگی ناپذیر در دوران غیبت کبری و در زمان ما در بحث امروز واقع می شود. در ابتدای بحث بیان کردیم که اهداف آنها مدیریت امروز است، بنابراین، اگر بحث مهدویت فقط مربوط به ظهور امام در آینده باشد و امامی که روزی خواهد آمد - که آن روز را هم نمی دانیم - خصوصا با توجه به این که من هم هیچ وظیفه و هیچ نقشی ندارم؛ آن وقت بحث مهدویت فقط بحثی مربوط به فردا خواهد بود. در آن صورت باید در فضای پیش بینی و پیشگویی برویم و این که برای بعد چه باید بکنیم، که آن مبحث دیگری است.» دکتر جعفری در بخش دیگری از سخنرانی خود اضافه می کند: «خستین بعد مهدویت این است که در اصل، بحث مهدویت «بحث امروز» است؛ از این رو در صفات منتظران آمده است که: منتظران واقعی کسانی اند که غیبت برایشان مثل دیدار امام (ره) است. یعنی



منتظر امروز در صف است. بنابراین امروز مهم است و برای همین من بر لفظ امروز تاکید می کنم و در مدیریت زمان هم این بحث مهم است. پس این بحث در فضای امروز و استفاده از فرصت ها و درک سوره ای است که به عصر قسم می خورد: «والعصر» و گفته شده است که عصر به معنی امام عصر است و زمان به معنی امام زمان است. بدین ترتیب و با این نگاه، مسأله کاملا روشن می شود. مسأله روز بودن مهدویت و انتظار را غربی ها هم درک کرده اند و خودشان به این مطلب اعتراف کرده اند، مثلا فرانسویس فوکویاما می گوید: «شیعه مثل پرده ای است که یک بال سرخ، یک بال سبز و یک قلب دارد.» بال سرخ را شهادت و امام حسین (ع)، بال سبز را آینده روشن، امام زمان و اعتقاد به او و قلب را هم روحیه تعبدپذیری بیان کرده است که شیعه درباره همین دوران غیبت می گوید: «امروز موظفم از علمایی که نایب عام امام زمان (عج) هستند، اطاعت کنم؛ زیرا دستم به امام زمان (عج) نمی رسد و این مطلب، او را امروز هم در سنگر نگه می دارد. چنین نگاهی بیانگر آن است که مسأله مهدویت مسأله ای کاملا امروزی است و مربوط به همین امروز است نه فردا. در نگاه منفی که قبلا وجود داشت، موضوع مهدویت مربوط

به فردا بود آن هم فردایی که نمی دانیم چه وقت خواهد بود؛ جالب این که در به تاخیر افتادن این فردا فقط خدا مقصر است! شگفت انگیز است که سیاست بازان عالم بر جوامع تسلط پیدا می کنند، آنها را تحقیر می کنند، به آنها ستم می کنند و در نهایت هم فرهنگی برایشان می سازند که ستمدیدگان بگویند که این ظلم و ستم زمینه ظهور است، باید باشد و هر حرکت اصلاحی باطل است! بنابراین به جای این که با ظالمان عالم بجنگند؛ از امامشان طلبکارند و فطمی می گویند: «یا بن الحسن کجایی؟ چرا ظهور نمی کنی؟» بدین ترتیب مستکبران خطر را از خودشان دور می کنند و برای جامعه مشکل اعتقادی هم می سازند و مردم را طلبکار امام می کنند. حجت الاسلام دکتر جعفری در بخش دیگری از سخنرانی خود می افزاید: «بعد دوم هم که خود آنها معترفند، بحث آینده و شامل دو نگاه است؛ یکی نگاه صرفا پیش بینی مآبانه که در آن فقط به پیشگویی ها و حدس ها پرداخته می شود که برای مثال در غرب، آیاهمین هزاره ظهور اتفاق خواهد افتاد؟ آیا سال ۲۰۰۰ سال ظهور است؟ آیا حضرت عیسی (ع) خواهد آمد؟ از همان نوع جنجال هایی که به راه انداختند که رایانه ها به هم خواهند ریخت و از این حرف هایی که گهگاه آن را به بحث منجی گرای ارتباط می دادند. این نوع نگاه آینده نگر است، یعنی صرفا پیشگویی آینده.

یک نکته بسیار جالب و مشترک داریم، این که در همه ادیان این مفهوم وجود دارد که «کذب الوقاتون» یعنی کسانی که برای ظهور وقت تعیین می کنند، دروغ می گویند. این مطلب از نکته ای مشترک میان شیعه و سنی و تمام ادیان است و شما هم بارها دیده اید که بسیاری افراد پیش بینی می کنند و همه هم دروغ درمی آید.» چاپ نخست کتاب «غرب و مهدویت» در شمارگان ۳۰۰۰ نسخه، ۳۴ صفحه و قیمت هزار تومان راهی بازار نشر شد.

نگاهی به کتاب «منتخب الانوار المضيئه (فی ذکر القائم الحجه عليه السلام)»

ورق هایی از جنس دلشوره های شیرین

امین قدیمی

که یکی از معتقدات اصیل اسلامی است، صورت کلی و مایه اساسی آن در کتاب خدا «قرآن کریم» تجلی یافته و این کتاب بزرگ آسمانی در این زمینه نیز مانند زمینه های دیگر، یک بحث کلی و اصولی مطرح کرده و فرارسیدن آن روز فرخنده و مبارک را به تمام پیروان اسلام بشارت داده است. در این زمینه، آیات متعددی در قرآن کریم وارد شده است که پیشوایان دینی، آنها را به وجود مقدس مهدی (عج) و ظهور مبارک آن حضرت تفسیر و تاویل کرده اند. فصل سوم این اثر، به امامت و وجود آن حضرت در روایات و اخبار ائمه اطهار (ع) اختصاص دارد. در این فصل، روایاتی که از ائمه اطهار (ع) درباره وجود نازنین آن حضرت صادر شده، درج شده است. اثبات امامت و وجود آن شریف در میان اهل سنت، عنوان فصل چهارم کتاب حاضر را تشکیل می دهد. ممکن است بعضی از افراد تصور کنند که عقیده به ظهور مبارک حضرت مهدی (عج) از مختصات شیعه و تمام منابع و مدارک آن هم مربوط به شیعه و روایات مربوط به ظهور نیز همه از دانشمندان و بزرگان و علمای شیعه اند، ولی باید توجه داشت که عقیده به ظهور حضرت مهدی (عج) از مختصات شیعه و منحصر به شیعه نیست و بسیاری از فرقه های اسلامی در این عقیده و مرام با هم اتفاق نظر دارند و آن را جزء عقاید قطعی و مسلم خود می دانند. ایمان و عقیده به ظهور حضرت مهدی (عج) در اسلام به قدری اصیل، ریشه دار و با اهمیت است که از دیدگاه دانشمندان و بزرگان اهل سنت نیز -مانند شیعیان- یکی از ضروریات دین مبین اسلام به شمار می رود و منکر آن را از آیین اسلام بیرون می دانند. در این باره علمای اهل سنت از پیامبر گرامی اسلام (ص) روایت کرده اند که آن حضرت فرمود: «من کذب بالمهدی فقد کفر؛ هر کس

صاحب الکشاف»، «الانصاف فی الرد علی صاحب الکشاف»، «کتاب المفتاح»، «کتاب الزبده»، «ایضاح المصباح لاهل الصلاح»، «کتاب الرجال (رجل النبلی)» و «الانوار المضيئه فی الحکمه الشرعيه» را نام برد. تولد علامه سید بهاء الدین علی به قبل از سال ۷۴۰ هجری قمری برمی گردد و نسبت او با واسطه به امام الساجدین امام زین العابدین (ع) می رسد. سید علی نبلی پس از مراتب کمال در حوالی بغداد و قضات به ترویج مکتب مشغول بود و افاضلی از محضرش بهره مند می شدند. او که به صاحب «انوار المضيئه» (انوار درخشان) شهرت دارد، مجلات پنجگانه کتاب انوار المضيئه در مسائل اصول و فروع اسلام و بای نیز در فضائل مولای متقیان حضرت امیر المومنین علی (ع) مفتوح کرد. پدرش سید غیاث الدین، سیدی عالم و جلیل القدر بود و به فیض شهادت نائل آمد، زیرا اعراب غارتگر و وحشی به طمع حطام اندک دنیا در کنار شط سورا بر سر او ریختند و شهیدش کردند. از وفات بهاء الدین تاریخ دقیقی به دست نمی آید اما ظاهرا در اواسط قرن نهم حدود سال ۸۴۰ هجری قمری وفات نموده است. کتاب حاضر، منتخبی از کتاب «الانوار المضيئه» اثر این عالم عامل است. این اثر که به ذکر قائم آل محمد (ص) می پردازد، از ۱۲ فصل تشکیل شده است. در فصل اول امامت و عصمت وی و آباء گرامی اش (ع) با ادله عقلیه به اثبات می رسد. در فصل دوم این کتاب، وجود شریف امام زمان (عج) از قرآن به ثبوت می رسد. تردیدی نیست که از نظر جامعه اسلامی، تمام مفاهیم و معتقدات اصیل اسلامی ریشه در کلام الهی دارد و عقیده به ظهور حضرت مهدی (عج) نیز

بار دیگر کتاب تاریخ ورق خورد و جشنی بزرگ همراه با دلشوره شیرین انتظار بر صفحه روزگار به تجلی نشست تا دگر باره عاشقان منجی آخر الزمان فرصتی برای اندیشیدن عمیق به واقعت امام زمان (عج) و شرایط ظهورش پیدا کنند. نیمه شعبان، فرصتی مغتنم بود تا دستداران امام عصر (عج) کتاب های مربوط به امام دوازدهم را تورات کنند و در لایه لای جملاتشان، به کلماتی ناب و امیدبخش برای رهایی انسان خاکی از بند روزگار خود ساخته خویش دست یابند.

از جمله این کتاب های می توان به کتاب «منتخب الانوار المضيئه (فی ذکر القائم الحجه عليه السلام)» تالیف علامه سید بهاء الدین علی النبلی النجفی اشاره کرد که از سوی موسسه امام الهادی (ع) به زبان عربی منتشر شده است. این کتاب که از مصادر بحار الانوار است در ۱۲ فصل درباره احوال منجی عالم بشریت، حضرت مهدی موعود (عج) بحث می کند و شبهات مطرح شده درباره آن حضرت را پاسخ می دهد.

بهاء الدین علی بن عبدالکریم غیاث الدین، یکی از علما و سادات جلیل القدر شیعه در قرن نهم هجری است. وی فقیهی ارجمند، عالمی کامل، نسابه ای ماهر و ادیبی متبحر و معروف به سید نبلی بود که در خاندان علم و دانش نشو و نما پیدا کرد و سال ها از محضر پدرش غیاث الدین و جناب فخر المحققین، ابن داوود و سید عمیدی و دیگر اعلام عراق استفاده کرد. بیشتر مراتب علمی بهاء الدین از محضر شهید اول بود و علاقه شدیدی به او پیدا کرد، چنان که در آثار خود، استاد را به خوبی می ستاید و او را در علم فقه، دریایی بی پایان می یابد.

مهدی (عج) را انکار کند به راستی کافر است.» گروهی از علمای اهل سنت به مضمون این حدیث فتوا داده اند و در این باب، شیخ سلیمان قندوزی حنفی، در کتاب «ینایع الموده» از کتاب «فرائد السمطین» از جابرین عبدالله انصاری روایت کرده است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد (ص) هر که ظهور مهدی را انکار کند، به آنچه بر محمد (ص) نازل شده، کفر ورزیده است.» ذکر پدران آن حضرت و ولادتش، عنوان فصل پنجم کتاب حاضر است.

نام مبارک حضرت تثن - چنان که در روایات شیعه و سنی آمده است - نام پیامبر اکرم (ص) است. این نام -محمد- نامی است که خدای تعالی و جدش رسول خدا (ص)، سال ها قبل از ولادت، برای او انتخاب کردند و همه مسلمانان او را به این نام می شناسند. همچنین آن حضرت دارای چند کنیه است. کنیه مسلم آن حضرت همان کنیه جدش رسول خدا (ص) یعنی «ابوالقاسم» است. کنیه های دیگر ایشان، ابو عبدالله، ابو جعفر و ابوصالح است.

فصل ششم کتاب به غیبت مهدی (ع) از نظر شیعیان می پردازد و طول عمر آن حضرت، فصل هفتم کتاب حاضر را تشکیل می دهد که در راستای اثبات این موضوع، به طول عمر حضرت نوح (ع) و سایر انبیاء (ع) نیز اشاراتی می شود. ذکر وکلای خاص آن حضرت، عنوان فصل هشتم این مجموعه است و توفیعاتی که از جانب امام زمان (عج) برای شیعیان صادر شده است، عنوان فصل نهم کتاب را تشکیل می دهد. فصل دهم این اثر نیز به کسانی اختصاص دارد که آن حضرت را زیارت کرده اند. علامات ظهور در روایات اهل بیت (ع)، عنوان فصل یازدهم این کتاب نام دارد و بالاخره در فصل دوازدهم کتاب، در بیان آنچه که در زمان وی واقع می شود، به طور مفصل بحث شده است.

چاپ دوم کتاب «منتخب الانوار المضيئه (فی ذکر القائم الحجه عليه السلام)» در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه، در ۵۱۵ صفحه و بهای ۴۴۰۰ ریال راهی بازار نشر شد.



نگاهی به کتاب‌های تاریخی و نحوه آموزش آن به کودکان و نوجوان

تاریخ عبوس، آینده‌مان را روشن نمی‌کند

و اگر وقایع را بدون داستان برای او شرح دهیم، زود خسته می‌شود، اما داستانی بودن به معنی آن نیست که تخیل را وارد تاریخ کنیم. در این صورت دیگر افسانه است و ما نمی‌خواهیم وقایع را عوض یا از تاریخ یا شخصیت تاریخی خاصی طرفداری و جانبداری کنیم. مرحوم دکتر عبدالهادی حائری، استاد تاریخ، می‌گوید بدترین دروغ، دروغی است که تاریخ نویس می‌گوید. تاریخی که حالت سرگذشت‌نامه دارد، اگر همراه با حقایق نوشته شود، جذابیت دارد. اگر هم به صورت داستان است، باید واقعیات را بنویسیم و تخیل را وارد آن نکنیم. در این صورت با کتاب تاریخی مستندی روبه‌رو نیستیم. ما حق نداریم در تاریخ چیزی را تحریف کنیم.»

احمد عربلو که در زمینه تالیف کتاب‌های تاریخی برای نوجوانان نیز فعالیت می‌کند و کتاب «شیرین به شرط شمشیر» او داستانی تاریخی در قالب طنز است. با اعتقاد به این که کتاب‌های تاریخی برای کودکان و نوجوانان، باید قالب داستان یا طنز داشته باشند، تاکید می‌کند: «چون تاریخ، مجموعه‌ای از حوادث، اسامی، افراد و پیچیدگی هاست، باید به صورت جذاب ارائه شود. فقط باید بتوانیم مستندسازی کنیم و قالب طنز باعث نشود از واقعیت جدا شویم. باید بتوانیم با استفاده از طنز، واقعیت را نشان دهیم.»

اقبال زاده، کارمندی که باید در آموزش تاریخ به کودک و نوجوان انجام شود روان‌شناسی کودک و مخاطب‌شناسی دقیق می‌داند و می‌گوید: «در کشورهای غربی، هنوز هم بر سر چگونگی ارائه تاریخ بحث است، چون هر تاریخ‌نگاری بیش تاریخ خود را دارد. کسی که برای کودک و نوجوان کتاب می‌نویسد، باید از مخاطب خود شناخت عمیقی داشته باشد و مبحث روان‌شناسی کودک را به خوبی بداند. ما روی این حوزه کار نکرده‌ایم و برایمان موضوع نو و جدیدی است. پیشنهاد من این است که نویسندگان با خواندن تاریخ و شناختن کودکان، با آنها به صورت ساده و از طریق برانگیختن حسشان برخورد کنند. آموزش تاریخ باید به صورت مشارکتی یعنی پرسش و پاسخ باشد.»

عربلو، بر این اعتقاد است که تاریخ حتی در زندگی روزانه و روابط اجتماعی مردم هم تاثیر دارد. او می‌گوید: «تک‌تک گذشتگان ما کارهایی انجام داده‌اند که به درد فرزندان ما می‌خورد، اما یکی از ضعف‌های دیگر ما این است که ناشران و حتی نویسندگان ما از این که در این زمینه فعالیت کنند، دچار غفلت شده‌اند.»

حکیم‌ی نیز همین عقیده را دارد و بر مخاطب‌شناسی تاکید می‌کند: «در غرب، فلسفه را با استفاده از داستان آموزش می‌دهند. کتابی مثل «دنیای سوفی» فلسفه را از آغاز به زبان بسیار ساده و جذاب برای نوجوانان توضیح می‌دهد. ما در زمینه تاریخ هم می‌توانیم چنین کتاب‌هایی بنویسیم.» وی همچنین ویژگی‌های دیگری نیز برای کتاب‌های نوجوانان برمی‌شمارد و می‌گوید: «شیوه نگارش در متن‌هایی که برای نوجوانان نوشته می‌شود، نباید تحلیلی باشد. دایره واژگان متن باید با گروه‌بندی سنی نوجوان همخوان باشد و مفاهیمی که در آن وجود دارد، باید همان مفاهیمی باشند که مشابه آنها در محیط زندگی نوجوان وجود دارند.»



دلیل شرح تاریخ به صورت جدی برایش سودمند نخواهد بود. اگر برای سنین کودک و نوجوان کتاب تاریخی می‌نویسیم، باید قالب داستانی داشته باشد چون شرح حوادث تاریخی به صورت خشک و جدی، کودک و نوجوان را از تاریخ دور می‌کند. کتابی که در مدارس تدریس می‌شود، ذهن دانش‌آموز را از مجموعه محفوظات انباشته کرده است که نه تنها از آن لذت نمی‌برد، بلکه از این همه اطلاعاتی که فکر می‌کند به دردش نمی‌خورد، خسته هم می‌شود. باید زنجیره علت‌های یک حادثه را آموزش بدهیم، زیرا زنجیره اصلی این حوادث است که اهمیت دارد.»

حکیم‌ی هم بر این موضوع تاکید می‌کند که اگر تاریخ از زاویه عبرت‌آموزی مطرح شود، نوجوان را جذب نمی‌کند و حتماً باید با روایت و داستان آمیخته باشد. او در این باره می‌گوید: «یکی از مشکلات ما این است که تاریخ را به زبان تعلیمی آموزش می‌دهیم و این بیشتر باعث دوری کودکان و نوجوانان از تاریخ می‌شود در صورتی که اگر وقایع را با زبان داستان شرح دهیم، حس زاویه داستانی آن همیشه باقی می‌ماند. به طور مثال، راجع به اتفاقاتی که در عصر قاجار افتاده است، به جای آن که تاریخ دقیق آن حوادث را به خاطر بسپاریم، از اینجا شروع کنیم که دوربین عکاسی از چه سالی به ایران آمد یا اتومبیل از چه زمانی وارد ایران شد و توضیح دهیم که اتومبیل برای نخستین بار در زمان مظفرالدین شاه به ایران وارد شد و وقتی مردم برای اولین بار آن را دیدند، وحشت کردند و... اگر تاریخ را این‌گونه شرح دهیم، تمام وقایع همیشه در ذهن نوجوان می‌ماند، اما متأسفانه در مدارس، دغدغه اصلی دانش‌آموز، گرفتن نمره است و چون نمی‌تواند از درس نمره بگیرد، از آن می‌ترسد.»

حکیم‌ی که مترجم و مولف کتاب‌هایی درباره تاریخ اسلام و ایران است و او را با مجموعه کتاب «تاریخ تمدن جهان» می‌شناسند، اگرچه با استفاده از شیوه داستانی در طرح مبحث تاریخ برای کودکان و نوجوانان موافق است، اما اعتقاد دارد که در چگونگی رخ دادن وقایع نباید تغییری حاصل شود. او می‌گوید: «نوجوان از داستان لذت می‌برد

تاریخی آنها تقویت می‌شود. نوجوان باید تاریخ را بشناسد و به این ضرورت و درک برسد که تاریخ کشورش چگونه بوده است.»

با توجه به اهمیت فراوانی که تاریخ و گذشته هر سرزمین، جامعه و هر انسانی دارد، معرفی آن از سنین کودکی و نوجوانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و در این میان کتاب درسی، قابل دسترس‌ترین منبع تاریخی است که باید به درستی و سهولت، پیشینه تاریخی ما و سرزمین مان را به نوجوانان معرفی کند، اما شیوه بیان این‌گونه کتاب‌ها و همچنین انبوهی از تاریخ‌های درهم و منقاص، این اجازه را نمی‌دهد که کودک و نوجوان تاریخ و پیشینه‌اش را بشناسد و به درستی آن را درک کند.

به یقین، برای کودک یا نوجوانی که درک درستی از تاریخ ندارد و نمی‌تواند آن را به درستی و با دقت نظر تحلیل کند، شرح وقایع به صورت جدی، جذابیت ندارد و با این شیوه بیان، انگیزه‌ای برای یادگیری تاریخ در او ایجاد نمی‌شود.

فره‌مندیان بر درستی این نکته صحنه می‌گذارد و می‌گوید: «جذابیت تاریخ برای بچه‌ها با بزرگسالان تفاوت دارد. مازمانی تاریخ را احساس می‌کنیم که گذر عمر را حس کرده باشیم و این گذر زمان باعث می‌شود توالی زمانی تاریخ را بفهمیم. تاریخ برای نوجوانی که در مرحله اول زندگی‌اش به سر می‌برد، ملموس نیست و با مفهومی که برای بزرگسالان دارد، متفاوت است. بزرگسالان تفاوت دارد، متفاوت است. و احتیاجی به ایجاد انگیزه برای خواندن تاریخ ندارد، اما در مورد کودکان و نوجوانان، موضوع کاملاً فرق می‌کند چرا که باید در آنها انگیزه و اشتیاق برای مطالعه تاریخ را ایجاد کرد که این کار با روایت تاریخ به زبان داستان امکان‌پذیر است. نوجوان زمانی با اشتیاق دنبال مطالعه موضوعی می‌رود که حالت روایی داشته باشد و تخیل او را به کار بیندازد.»

شهرام اقبال زاده، نویسنده و منتقد. نیز در مورد روش‌های آموزش تاریخ به این گروه سنی عقیده دارد: «کودک، تاریخ را از منظر دیگری نگاه می‌کند. او هنوز با مفاهیم انتزاعی آشنا نشده و به همین

کافی است کتاب‌های تاریخ دوران تحصیل مان را به یاد بیاوریم تا لشکری از اسامی و اعداد به مغزمان هجوم بیاورند. تاریخ سال‌ها، ماه‌ها و اسامی ناآشنایی از جلو چشمانمان رژه می‌روند که دیگر نمی‌دانیم کدام سال از آن کدام واقعه است و چه کسی در چه سالی دروازه کدام شهر را گشوده! اصلاً نمی‌دانستیم و نمی‌دانیم که این همه نام و تاریخ به چه درد زندگی ما می‌خورد! به راستی هم به خاطر سپردن این همه سال و ماه چه نتیجه‌ای داشته است؟ چگونه می‌شود ذهن‌های خسته از این اسامی، آمار و ارقام را به سوی فهم سرگذشت گذشتگان برد و به این نسل نوجو، نقش تاریخ و سودمندی آن را در زندگی امروزشان آموخت؟

آموزش تاریخ به کودکان و نوجوانان از این نظر موضوعی مهم و حیاتی است که دانستن آن حتی در زندگی روزمره آنان نیز تاثیر بسزایی دارد. نوجوان با آشنایی با تاریخ و در واقع آشنا شدن با گذشته خود، جنبه یادگیری و پندآموزی را از تاریخ می‌آموزد و چگونگی بهره‌بردن از حوادث گذشته را برای شناخت راه آینده یاد می‌گیرد. نوجوان هویت ملی خود را در نگاه به گذشته پیدا می‌کند.

محمود حکیم‌ی؛ نویسنده کتاب‌های دینی و تاریخی برای کودکان و نوجوانان، نقد‌های بسیاری در زمینه ادبیات کودک نوشته است. از او درباره اهمیت آموزش تاریخ به کودکان و نوجوانان می‌پرسیم و وی در جواب می‌گوید: «بخشی از موجودیت انسان، پیشینه تاریخی اوست و همین پیشینه تاریخی روشن می‌کند که انسان از کجا آمده است. نوجوان در بحران هویت به سر می‌برد و تنها تاریخ است که می‌تواند این مشکل او را حل کند. مهم‌ترین جنبه تاریخ، جنبه عبرت‌آموزی و پند گرفتن از آن است. عبرت‌آموزی از آن جهت اهمیت دارد که ما اشتباهات گذشتگانمان را تکرار نکنیم و مشکلاتی که آنها به وجود آورده‌اند را به وجود نیاوریم. به طور مثال، جامعه ما جامعه پدرسالارانه‌ای بوده و هست و نگاه به کودک و نوجوان نیز از چنین جایگاهی بوده است که به یقین با نگاه به گذشته می‌توانیم از تکرار این اشتباه در آینده جلوگیری کنیم.»

شهرام اقبال زاده که منتقدی جدی در ادبیات کودک محسوب می‌شود، بر این عقیده است که اگر انسان گذشته را خوب نشناسد، نمی‌تواند زمان حال را به درستی دریابد. او می‌گوید: «با شناخت درست گذشته، نگاه به آینده هم مبتنی بر بصیرت خواهد بود. تاریخ، تجربه بشر ادوار گذشته است؛ تجربه‌ای که به ما در موضوع مهم را می‌شناساند. نخست، کارهایی که نباید انجام دهیم و دیگری، کارهایی که باید انجام دهیم. برای نوجوانی که پایبندی در کودکی و سرری در بزرگسالی دارد و با بحران هویت مواجه است، تاریخ می‌تواند راهگشای مسائل زیادی باشد.»

یکی دیگر از فعالان و صاحب‌نظران عرصه تالیف کتاب‌های تاریخی، محمد فرهمندیان، کارشناس تالیف و تدوین کتاب‌های درسی است. او از جمله معروف «گذشته، چراغ راه آینده است» برای بیان اهمیت آموزش تاریخ استفاده می‌کند و می‌گوید: «تاریخ یعنی همان گذشته‌ای که نوجوان توسط آن قرار است آینده خود را دریابد. ما همیشه میهن دوستی را به عنوان یک رفتار از نوجوان انتظار داریم و باید بدانیم این حس با افزایش دانش



بهره برداری از ۵۴۰ کتابخانه عمومی استاندارد تا پایان برنامه پنجم

استانداردهای کتابخانه‌ای دنیا را بومی کنیم

همکاری کنند که این امر بدون تعامل نزدیک انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و کتابخانه ملی میسر نیست.

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم تاکید می‌کند: «هنوز در کشور ما توافق کلی درباره کتابخانه استاندارد وجود ندارد به همین دلیل استانداردها باید مکتوب و پس از نهایی شدن محقق و اجرا شوند. استاندارد یک وضعیت قابل قبول است نه ایده آل اما ما می‌توانیم از سطح کتابخانه استاندارد بسیار فراتر برویم. استاندارد موسسه ایزو درباره کتابخانه‌ها، یک حداقل قابل قبول را ارائه می‌کند که می‌توانیم با برنامه‌ریزی دقیق و جامع از آن برای بالاتر رفتن سطح خدمات کتابخانه‌های عمومی استفاده کنیم.»

به اعتقاد دکتر منصوریان، آنچه بیش از هر چیز کتابخانه‌های عمومی را از سایر کتابخانه‌ها متمایز می‌کند، همگانی بودن جامعه استفاده‌کننده از آنهاست. کاربران این کتابخانه‌ها به قشر خاصی محدود نمی‌شوند و همه اعضای اجتماعی با هر ویژگی و هر سطح علمی، جزو جامعه استفاده‌کننده از آنها به شمار می‌آیند. بنابراین، در تدوین خط مشی ارائه خدمات کتابخانه‌های عمومی باید نیازهای همه اقشار جامعه مورد توجه قرار گیرد.

دکتر غلامرضا فدایی، همچنین از کتابخانه عمومی به مثابه دانشگاه عمومی یاد می‌کند که عموم مردم برای افزایش معلومات خود و نیز تماس و ارتباط با متخصصان گوناگون، مبتکران و علاقه‌مندان به دانش و فرهنگ به آنجا می‌آیند. اگر در جایی کتابخانه‌ای اینچنین نباشد، به معنای آن نیست که کتابخانه عمومی وظایفش تغییر کرده، بلکه به این معناست که امکانات ضعیف است یا مسئولان و متولیان کتابخانه‌های عمومی به وظایف خود آشنا نیستند و تلقی آنها در خدمات محدودی در چهاردیواری ساختمانی با مجموعه‌ای از کتاب‌ها محصور است.

منصوریان، همکاری بین کتابخانه‌ای را اصلی‌ترین نکته برای رسیدن به استاندارد می‌داند و می‌گوید: «کتابخانه‌های عمومی ایران تعامل اندکی با یکدیگر دارند و ارتباط آنها با نهاد کتابخانه‌های عمومی یک سویه است اما این ارتباط طولی باید به ارتباط عرضی و دوسویه میان اداره‌های کتابخانه‌های شهرستان‌ها تبدیل شود.»

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم، عضویت فراگیر را برای استاندارد کردن خدمات کتابخانه‌های عمومی کشور پیشنهاد می‌کند و می‌افزاید: «باید به جایگاهی برسیم که هر فرد با داشتن یک کارت، عضو تمام کتابخانه‌های شهر خود باشد که این طرح در حال حاضر در کشورهای اروپایی از جمله انگلیس با موفقیت پیاده شده است.»

وی بر لزوم تبادل منابع کتابخانه‌ها تاکید دارد و می‌گوید: «در عصر کنونی، مالکیت منابع در کتابخانه‌ها جای خود را به دسترسی منابع و اطلاعات داده است. قرار نیست یک کتابخانه تمام اطلاعات را داشته باشد چراکه اکنون با حجم بالای منابع اطلاعاتی روبه‌رویم و برای یک کتابخانه عمومی، داشتن تمام منابع میسر نیست. بنابراین باید از طریق همکاری بین کتابخانه‌ای، امکان استفاده اعضا و مراجعان را از منابع سایر کتابخانه‌ها فراهم کنیم و در این راستا باید منابع کتابخانه‌ای یک شهر در تمام کتابخانه‌های آن توزیع و از طریق سامانه‌ای یکپارچه، امکان امانت‌گیری کتاب فراهم شود.»



کشور با هدف سهولت در برنامه‌های عمرانی خود، کتابی را به نام «نقشه راه توسعه عمرانی کتابخانه‌های عمومی ایران» تهیه کرده است که در این نقشه، بر اساس شاخص جمعیت، نیاز هر شهرستان به کتابخانه استاندارد تا پایان برنامه پنجم و پایان سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام جمهوری اسلامی مشخص شده است. مدیر کل امور عمرانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور ادامه داد: «در تهیه نقشه کتابخانه‌های استاندارد، سعی شده علاوه بر استفاده از منابع و استانداردهای موجود، ساخت کتابخانه‌ها در جهان به ویژه ایفلا، لایپکون و همچنین استانداردهای ساخت کتابخانه‌ها در آمریکا و کانادا، با توجه به ویژگی‌های خاص اجتماعی و فرهنگی در ایران به بومی‌سازی اقدام کنیم. به عنوان نمونه، با توجه به فرهنگ اسلامی کشورمان، یکی از بخش‌های مهم قابل پیش‌بینی در مجموعه کتابخانه استاندارد، نمازخانه است. برای نمازخانه با سرانه ۱۲ متر مربع برای هر نفر و گنجایش ۲۰ نفر به حدود ۳۰ متر مربع فضا نیاز داریم.»

قوانلو معتقد است تعیین سرانه سطح کتابخانه مورد نیاز برای هر استان و شهر، با برقراری عدالت در برخورداری مناسب همه مناطق از کتابخانه استاندارد ممکن می‌شود. بر این اساس، معیار مشخصی برای ارزیابی کتابخانه‌های ما وجود دارد. به گفته دکتر منصوریان، حرکت در جهت استانداردسازی کتابخانه‌های عمومی به تعامل بین کتابخانه‌ها برای همکاری بیشتر می‌انجامد از این رو کتابخانه‌ها باید شبکه‌ای باشند و هر عضو با داشتن یک کارت بتواند از منابع سایر کتابخانه‌های شهر یا استان محل اقامت خود استفاده کند. نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور نیز باید ضمن حرکت در راستای ساخت کتابخانه‌های استاندارد بر اساس معیارهای جهانی، این استانداردها را با مشخصات بومی و فرهنگی جامعه ما تطبیق دهد.

وی تاکید می‌کند: «باید با الهام گرفتن از استانداردهای بین‌المللی، استاندارد ملی را به گونه‌ای که بیشترین کارایی را در جامعه داشته باشد، طراحی کنیم.»

منصوریان معتقد است: «نباید تنها واردکننده استانداردهاییم، بلکه نهاد‌های علمی نظیر دانشگاه‌ها و انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی باید استانداردها را پیشنهاد دهند و متولیان کتابخانه‌ها نیز در پیاده‌سازی استانداردهای موثر و کارا در جامعه

به گفته امیر هاشم قوانلو، مدیر کل امور عمرانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، هیچ‌یک از کتابخانه‌های عمومی در ایران که زیر پوشش این نهاد فعالیت می‌کنند، استاندارد نیستند. در عین حال، سرمایه‌گذاری برای ساخت کتابخانه استاندارد دو هزار و ۲۰۰ متر مربعی در حوزه‌های جمعیتی ۲۵ هزار نفر، محور برنامه‌های عمرانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور است.

قوانلو گفت: «دهه فجر سال گذشته، کنگ پروژه ساخت نخستین کتابخانه‌های استاندارد در استان‌های مختلف کشور به زمین زده شد و از این پس، در ساخت تمام کتابخانه‌های عمومی از سوی نهاد کتابخانه‌ها، به نقشه کتابخانه استاندارد با ۴۱ ریز فضا توجه می‌شود به عنوان مثال بخش‌های تخصصی «سمعی و بصری»، «فروشگاه عرضه محصولات فرهنگی»، «نمایشگاه»، «محل بازی و نگهداری کودکان»، «بخش خردسالان»، «کودک و نوجوان»، «اتاق محققان» و «فهرست نویسی» در این کتابخانه‌ها گنجانده می‌شوند.»

به گفته مدیر کل امور عمرانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، برای رسیدن به چشم‌انداز نهاد کتابخانه‌ها در پایان سال ۱۳۹۳ (پایان برنامه پنجم توسعه) باید هر سال در مجموع ۹۰ کتابخانه استاندارد در کشور ساخته شود که بر همین اساس تا پایان برنامه پنجم توسعه، ۵۴۰ کتابخانه عمومی استاندارد به بهره‌برداری می‌رسند به این معنا که باید هر سال به طور متوسط، در هر استان سه کتابخانه استاندارد بسازیم.

وی معتقد است در صورت تامین اعتبارهای لازم، این هدف‌گذاری بلندپروازانه نیست. وی خاطر نشان کرد: «به‌تازگی نهاد کتابخانه‌های عمومی

وقتی از استانداردهای کتابخانه عمومی صحبت می‌شود، باید بیشترین تطبیق را با شرایط جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی جامعه ما داشته باشد

هدف اصلی و عمده از تاسیس کتابخانه عمومی، استفاده مناسب و مفید عموم مردم از منابع کتابخانه به صورت آزاد است. کتابخانه عمومی باید با نیازهای جامعه، با آموزش و پرورش، اطلاعات، سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت هماهنگی داشته باشد.

به یقین، در ایجاد کتابخانه عمومی باید به تغییراتی که در منابع کتابخانه‌ها به وجود می‌آیند توجه کرد و در همین راستا دسترسی آسان و راحت به کتابخانه و ارائه بیشترین مجموعه کتاب به استفاده‌کنندگان، از ملزومات یک کتابخانه عمومی به شمار می‌آید. همچنین توجه به استانداردهای در نظر گرفته شده از سوی نهادهای حرفه‌ای و علمی جهان در طراحی، ساخت و اداره کتابخانه‌های عمومی، جهت‌گیری به سمت داشتن کتابخانه‌ای ایده‌آل را سرعت می‌بخشد.

به اعتقاد دکتر یزدان منصوریان، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم تهران، استانداردهای کتابخانه‌ای را نهادهای حرفه‌ای، علمی یا دولت تدوین و برای پیاده‌سازی به مراجع سیاستگذار توصیه می‌کنند که این استانداردها مبنای مقایسه و قضاوت درباره کتابخانه‌های عمومی و آموزشگاهی‌اند.

وی گفت: «استانداردهای کتابخانه‌ای از لحاظ قلمرو جغرافیایی، سطح‌های ملی، منطقه‌ای (کشورهای همجوار) و بین‌المللی (تهیه شده توسط ایفلا) را شامل می‌شوند. همچنین، استانداردها از وجهی دیگر، درباره خدمات کتابخانه‌ای، فرایند کار و تعامل کتابخانه‌ها با یکدیگر مطرح‌اند.»

به عقیده دکتر منصوریان، مهم‌ترین وجه پیاده‌سازی استاندارد برای یک کتابخانه عمومی «خدمت‌رسانی» است که متأسفانه تاکنون توجه چندانی به آن نشده است و این در حالی است که خدمات کتابخانه‌ای، فضا، تجهیزات، ساعت کار کتابخانه و تعداد نیروی انسانی را شامل می‌شود.

وی افزود: «در صورتی که رویه و فرایند کار کتابخانه از جمله فهرست‌نویسی، ثبت کتاب و... استاندارد شود، از دوباره کاری پرهیز و راه برای امانت بین کتابخانه‌ای و تعامل هر چه بیشتر میان کتابخانه‌های عمومی هموار می‌شود.»

دکتر منصوریان تاکید کرد: «وقتی از استانداردهای کتابخانه عمومی صحبت می‌شود، باید بیشترین تطبیق را با شرایط جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی جامعه ما داشته باشد به عبارت دیگر باید استانداردهای جهانی را بومی کنیم.»

وی گفت: «کتابخانه استاندارد، کتابخانه‌ای در حد قابل قبول است نه ایده‌آل و کامل. به عبارت دیگر، با استانداردسازی یک کتابخانه، به پایان راه پیشرفت و توسعه آن نرسیده‌ایم و باید برای رسیدن به شرایط ایده‌آل، تلاش‌های بیشتری انجام دهیم.» از سوی دیگر، دکتر غلامرضا فدایی، مدیر گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران، معتقد است در استانداردسازی کتابخانه‌ها باید جمعیت، موقعیت جغرافیایی و فرهنگی و حتی سبک معماری خاص هر شهر و منطقه را مورد توجه قرار دهیم و در عین حال از لحاظ کیفی نیز باید در منابع کتابخانه‌ها به نیاز خاص هر مخاطب توجه کنیم.

دکتر فدایی گفت: «ارائه خدمات متنوع در کتابخانه‌ها، نظیر جلسه‌های نقد و بررسی کتاب، کلاس‌های آموزشی و خدمات اینترنتی، سطح کتابخانه عمومی را به کتابخانه استاندارد و مورد قبول نزدیکی می‌کند.»



از چهارشنبه تا سه شنبه با برنامه های سرای اهل قلم

از اژدها کشی تا شعار زدگی و مخاطب محوری

پیش به سوی مخاطب محوری

گردهمایی کارشناسان تعیین معیارهای داوری نهمین جشنواره صنعت چاپ در سرای اهل قلم خانه کتاب برگزار شد.

در این نشست، دبیر نهمین جشنواره صنعت چاپ و مدیرکل دفتر امور چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دبیر بخش مسابقات نهمین جشنواره صنعت چاپ و مدیر کمیته داوری مسابقات تخصصی نهمین جشنواره چاپ سخن گفتند.

جلال ذکایی، دبیر نهمین جشنواره صنعت چاپ و مدیر کل دفتر امور چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، علت مهجور ماندن صنعت چاپ در کشور، وجود نگاه جزیره ای به این صنعت است، به گونه ای که فقط عده خاصی از مردم با کار کردهای آن آشنایی دارند.

امروز اگر عموم مردم با چاپ و ظرفیت های آن آشنا نیستند، باید علت های آن آسیب شناسی شوند و راه های آشنایی مردم با صنعت چاپ از سوی کارشناسان و دست اندرکاران این حوزه مورد بررسی قرار بگیرند تا این صنعت به سوی پیشرفت و جهانی شدن حرکت کند.

از نخستین دوره جشنواره چاپ فقط در حوزه مسابقه تخصصی آثار چاپی برگزار می شد، اما به مرور زمان در جشنواره ششم حوزه های جشنواره گسترش یافت و بخش های متنوعی به آن افزوده شدند.

ارتقای بخشی و افزایش کیفیت محصولات چاپی، همچنین توجه صنعتگران حوزه چاپ و غیر چاپ به لزوم انتخاب واحدهای چاپی مناسب و کیفیت خوب، از جمله مواردی است که در این مسابقات دنبال می شوند.

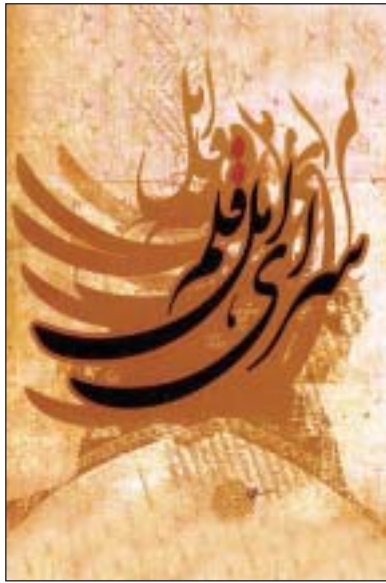
دو سال پیش این ایده از سوی دفتر امور چاپ اعلام شد؛ اما به دلیل آماده نبودن شرایط و امکانات موجود، ناچار به عقب نشینی شدیم.

با اجرای نظام رتبه بندی، مخاطبان می توانند با توجه به کیفیت اثر چاپ شده، کار را به چاپخانه مورد نظر خود بسپارند و در ازای آن، هزینه کار درجه یک را هم پرداخت کنند.

محسن یگانه کاری، دبیر بخش مسابقات نهمین جشنواره صنعت چاپ؛ در این جشنواره تصمیم گرفتیم محصولات چاپی را مورد نقد و بررسی قرار دهیم تا سرمایه گذار برای انتخاب چاپخانه برتر تشویق شود. در شرایط فعلی، واحدهای چاپی و چاپخانه ها می توانند برای تولید محصول با کیفیت و مناسب در فضایی سالم با یکدیگر به رقابت بپردازند تا مشتری و خریدار بیشتری برای کارهای خود جذب کنند.

رضا نورایی، مدیر کمیته داوری مسابقات تخصصی نهمین جشنواره چاپ؛ شناسایی و تشویق مجریان و دست اندرکاران تولید محصولات چاپی برتر، ایجاد انگیزه در جوانان با ارج نهادن به متخصصان و واحدهای موفق، همچنین معرفی توانمندی های صنایع چاپ کشور به مشتریان داخلی و خارجی، برخی از این اهداف به شمار می آیند. شناساندن شاخص های کیفیت محصولات چاپی به تولید کنندگان و واحدهای چاپی نیز در کنار دیگر اهداف این مسابقه قرار دارد.

هر یک از دست اندرکاران تولید محصول چاپی، اعم از سفارش دهنده یا واحدهای پیش از چاپ؛ چاپ و پس از چاپ می توانند در مسابقه محصول چاپی برتر حضور داشته باشند.



ساعت ۲۰ به طول انجامید.

پرویز عباسی داکانی، سخنران و هماهنگ کننده جلسات مولوی پژوهی؛ برای قدما، غرب و شرق امری سمبولیک است. شرق، محل طلوع خورشید و جایی است که خدا در آن تجلی می کند. طبق عقاید ابن سینا و سهروردی شرق همواره در بالا و غرب در پایین تر نقطه قرار دارند.

به عقیده مولانا هر قطره ای می خواهد به دریا برسد و هر جزئی کلش را جست و جو می کند. مولوی تمام مثنوی اش را پله پله تا ملاقات خدا می بیند و این غربت در فرازمان و فرامکان است.

ما از نگاه عرفاء، دو نوع معرفت مفهومی و وجودی داریم و معرفت مفهومی، یعنی تنها اندیشیدن به موضوعی که هنوز درک نشده است. مولوی می خواهد بگوید مسأله هر کس خود اوست و تمام دغدغه عرفان ما این است. غربت آگاهی در فلسفه جدید افقی است؛ ولی در عرفان، هم افقی و هم عمودی است.

رحمتی، عرفان پژوه و نویسنده؛ هانری کربن در صدد است منظومه معرفتی را از آثار عرفای ایرانی استخراج کند و سوال های فلسفی انسان امروز را در پرتو این متون پاسخ دهد.

فیلسوفان آکزیستانسیالیست به شکل های مختلفی وضعیت نامطلوب انسان را در این دنیا بیان کرده اند و تاکید داشته اند که این را درک می کنند و گروهی آن را در نمی یابند.

در فلسفه های امروز، گذشته و آینده ما مغفول است، ولی فیلسوفان ما وضعیت انسان را بین دو کرانه ازلی و ابدی پر بار تشخیص داده اند. ما برای بهتر دانستن منظور حکما و عرفایمان که همگی بر این مفهوم تاکید می ورزند، باید در موضوع «قدم نفس» (یعنی قدیم بودن نفس در برابر حادث بودن آن) بیشتر تعمق کنیم.

اگر بخواهیم در فهم دینی دچار تقلیل گرایی نشویم و خدا را در حد یک مفهوم پایین نیاوریم، باید به عالم «مثال» رجوع کنیم؛ چرا که «مثال» کلید و راهی است که گریزی از آن نداریم و معرفت وجودی یعنی درک و احساس کردن کامل.

مولوی می خواهد بگوید مسأله هر کس خود اوست و تمام دغدغه عرفان ما این است. غربت آگاهی در فلسفه جدید افقی است؛ ولی در عرفان، هم افقی و هم عمودی است.

یک جنبه از آن را درک می کند. در این رابطه نقد ادبی ترکیبی تر، بیشتر مورد قبول است. شاید برای آثار آقای علیخانی شیوه نقد سنتی لازم است و شاید اگر رویکرد تذکره تاریخی داشته باشیم، بتوانیم این کار را بهتر بررسی کنیم.

نگرش نویسنده در برخی جاهانست به زادگاهش (میلک) نشان از دل بستگی او دارد؛ ولی در جاهایی آگاهانه یا غیر آگاهانه در موضع تمسخر برخی عقاید روستاییان قرار می گیرد.

شعار زدگی در «آخرین روزهای بهار»

نشست نقد کتاب «آخرین روزهای بهار» نوشته حسین فتاحی، عصر یکشنبه (۱۱ مرداد) در سرای اهل قلم خانه کتاب برپا شد.

در این جلسه کامران پارسی نژاد، احمد عربلو، علی اکبر والایی و حسین فتاحی (نویسنده کتاب) حضور داشتند.

احمد عربلو، نویسنده؛ حسین فتاحی (نویسنده) را به عنوان نویسنده نوجوان می شناسم. نقطه قوت این کتاب، فضایی نوجوانانه و دلچسب است. توصیفات و جملاتی منطقی دارد و در آن از اطناب دوری شده است.

در این کار، فضا بسیار لطیف و زیباست و آقای فتاحی با هنرمندی، فضای روستایی را ترسیم کرده اند.

این مجموعه داستان در دو فضای روستایی و شهری اتفاق می افتد که در بخشی که به فضاهای شهری می پردازد، به دلیل بیان پاره ای مسائل سیاسی و جریانات انقلاب از لطافت کار کم شده است. همچنین در این بخش به شعار زدگی هم بر می خوریم.

والایی، نویسنده و منتقد؛ داستان های این مجموعه از نظر کشش و خواندن، برای نوجوانان خوبند، ولی در داستان اول که «بچه های سنگان» نام دارد، از لحاظ ماجرا و رخدادها، به لحاظ منطقی اشکالاتی وجود دارد و بیش از هر چیز، دو تکه شدن فضا به داستان بیشتر لطمه زده است.

هر چه بتوانیم در نوشتن داستان به غیر مستقیم گویی و هنری گفتن پردازیم، کارمان معتبر تر خواهد بود. حتی اگر بزرگانی چون داستایفسکی و چخوف شعاری نوشته اند ما نباید بپذیریم. اگر بخواهیم هنر داستان نویسی داشته باشیم باید مسأله امروزی بودن را در نظر بگیریم و نباید بگوییم تحت تاثیر دهه ۶۰ که دهه شعار بوده، این گونه نوشته ایم. بهتر است به فنون داستان نویسی رجوع کنیم و داستان را طوری بنویسیم که تا ۵۰ سال بعد هم محل رجوع باشند.

حسین فتاحی، نویسنده؛ شما احتمالاً با ورق زدن یک کتاب درباره آن نظر می دهید، شاید هم اصلاً کتاب را نخوانده اید! هدف منتقد کویدن یا تشویق بیش از حد اثر نیست.

شاید به دلیل همین نقدهای سطحی ما، استقبال از محافل نقدمان تا این حد کم شده است. اگر قرار است کتابی را این گونه نقد کنیم، بهتر است این کار را کنار بگذاریم.

تنهایی با معنا

نشست مولوی پژوهی با موضوع «سمبولیسم و رمز گشایی» در آثار مولوی با حضور ان شاء الله رحمتی و پرویز عباسی داکانی در حالی در سرای اهل قلم برگزار شد که با استقبال خوب علاقه مندان همراه بود، به طوری که پس از پایان نشست، بحث و گفت و گو میان حاضران و سخنرانان این جلسه تا

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های کارشناسی در حوزه های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را فراهم می کند.

گزارشی اجمالی از نشست هایی که هفته گذشته در سرای اهل قلم برپا شد در ادامه می آید.

اژدها کشی با تاریخ مصرف!

نشست نقد کتاب «اژدها کشان» نوشته یوسف علیخانی با حضور عبدالعلی دستغیب، احسان عباسلو و علی عباسی در سرای اهل قلم خانه کتاب برپا شد.

در این نشست منتقدان و کارشناسان به بررسی و نقد این داستان نشستند که اهم نظرات آنها به این شرح است.

عبدالعلی دستغیب، منتقد ادبی؛ فضای داستان های «اژدها کشان» و «قدم بخیر مادر بزرگ من بود» هر دو در یک حال و هوا و در یک روستا اتفاق می افتد. در این داستان ها گویی زمان و مکان قید نشده، ولی دلایل و نشانه هایی وجود دارد که بیانگر زمان و مکان در داستان است. این نشانه ها شاید نظر مردم نسبت به یکدیگر و همچنین نظر شهری هانست به اهالی روستا را به گونه ای مطرح کرده است. نقد ادبی ما این روزها لحن ترجمه به خود گرفته، کسانی که راجع به مدرن و پست مدرن، میشل فوکو و دیگر نقد پردازان غربی در نقد حرف می زنند، خیلی وقت ها خودشان نقد های علی دشتی و خوانساری را خیلی راحت و بدون رجوع به کسانی مانند میشل فوکو و دیگر غربی ها بیان می کنند. ما اگر نفهمیم که نظریه پرداز اروپایی و آمریکایی چه می گوید، مجبور به تکرار (گفته های آنها) هستیم.

داستان های علیخانی در هر دو کتاب فضاهایی بومی دارند و این فضاها برای من دلنشین است. من هر دو کتاب او را با دقت خواندم و از نخستین کسانی بودم که درباره کتاب اول او نوشتم.

توجه به فرهنگ بومی در خور توجه است. ولی در زمانه ما، دوره این حرف ها به سر رسیده. چرا که در روزگاری هستیم که شهرنشینی دارد به روستاها می رسد. داستان های علیخانی تا به حال دارای بزرنگه هایی بوده که گاهی خنده آور، گاهی عجیب و مواقعی رقت انگیز است.

در داستان های «اژدها کشان» لحن داستان نویسی صمیمی است و به تبع آن، قهرمانان هم دیالوگ هایی صمیمی دارند. مکالمات نیز از استحکام برخوردار است و فضاسازی علاوه بر توضیحات زیبا، حال و هوا و موقعیت داستانی را به خوبی بیان می کنند.

علی عباسی، مترجم و منتقد؛ نوعی زمان مردگی یابی زمانی در داستان های علیخانی مشاهده می کنیم که شبیه خصیصه های فضاهای گوتیک «آلن پویی» پر از ترس و تردید است.

بیراهه نیست اگر بگوییم علیخانی به جای نوشتن به دنبال کشف داستانی می رود. این مجموعه داستان، شامل ۱۵ داستان است که همه آنها بی زمانند. داستان های «اژدها کشان» ریشه در فرهنگ دارد. در یکی از داستان ها درباره نگه داشتن «بز» در گله اشاره شده که فلسفه نگه داشتن بز در گله این بوده که این حیوان مانع از سقط جنین در گله می شود. شاید در این داستان، نگه داشتن بز در گله، یک بهانه برای بیان این موضوع باشد.

یک اثر هنری جنبه های مختلفی دارد و هر منتقدی



سایر محمدی

دکتر احمد توکلی سابقه سال‌ها تدریس در رشته علوم ارتباطات در دانشگاه‌های کشور را دارد و نزدیک به سه دهه به عنوان دبیر تحریریه در عرصه مطبوعات حضوری موثر داشته است. وی متولد ۱۳۳۶ طیس و دکترای مدیریت رسانه دارد و تاکنون هفت عنوان کتاب در حوزه رسانه و روزنامه‌نگاری تألیف و به بازار عرضه کرده است. جدیدترین کتاب توکلی «خبرنویسی پیشرفته به زبان ساده» مراحل آماده‌سازی را پشت سر گذاشته و در آستانه انتشار قرار دارد. «گزارش نویسی در مطبوعات»، «ویراستاری و مدیریت اخبار»، «مصاحبه خلاق»، «مثلث طلایی نوشتن»، «مصاحبه حرفه‌ای» و «زبان تخصصی برای روزنامه‌نگاران»، عناوین آثار منتشر شده او را تشکیل می‌دهند. گفت‌وگویی که در ادامه می‌آید به مناسبت روز خبرنگار با این نویسنده و استاد روزنامه‌نگاری انجام شده است.

دکتر احمد توکلی، روزنامه‌نگار، نویسنده و استاد دانشگاه:

دغدغه معیشت، آفت مطالعه روزنامه‌نگاران است

می‌کند، هنوز پس از چند دهه همچنان خبرنگار و اشتگتن پست است و پست وزارت و وکالت را انتخاب نکرده چون جایگاهش را بر اساس اصول به دست آورده است.

در ایران عده‌ای از روزنامه‌نگاران، مجموعه مصاحبه‌ها یا مقالاتشان را که قبلاً در روزنامه‌ها چاپ کرده‌اند، در قالب کتاب به بازار عرضه می‌کنند. این مصاحبه‌ها و مقالات باید دارای چه کیفیتی باشند تا ارزش کتاب شدن را پیدا کنند؟

این کار هم طبیعی است. این حرکت بازتاب عملکرد متولیان در بخش فرهنگ است. کتاب «مصاحبه خلاق» من در چاپ اول در ۳۵۰۰ نسخه عرضه شد اما امروز در چاپ چهارم - به رغم این که ناشر مدعی است استقبال از این کتاب خوب بوده - در هزار نسخه چاپ می‌شود! باید دنبال عواملی که باعث شده شمارگان کتاب به هزار نسخه و گاهی هفتصد نسخه و سیصد نسخه برسد، باشیم.

هفتمین کتاب شما در آستانه چاپ قرار دارد. این کتاب با چه عنوانی منتشر می‌شود؟

کتابی که الان آماده کرده‌ام، به نام «خبرنویسی پیشرفته به زبان ساده» چاپ و منتشر می‌شود البته من مدیریت انتشارات ثانیه را هم برعهده دارم که از بدو فعالیت، کلا کتاب‌های ارتباطات و روزنامه‌نگاری را چاپ می‌کند. کتاب «گزارش نویسی در مطبوعات» را موسسه ایران منتشر کرد و حدود سه سال است که تمام نسخه‌های آن به فروش رسیده ولی مسوولان موسسه متأسفانه هنوز آن را تجدید چاپ نکرده‌اند. کتاب‌های «ویراستاری و مدیریت اخبار» و «مصاحبه خلاق» را انتشارات خجسته منتشر کرد و بقیه کتاب‌ها را هم انتشارات ثانیه، کتاب «خبرنویسی پیشرفته به زبان ساده» را هم احتمالاً انتشارات ثانیه چاپ و منتشر خواهد کرد. این کتاب مدت‌هاست که آماده چاپ شده اما حواشی کار، چاپ آن را به تأخیر انداخته است؛ یعنی تهیه نمایه، فهرست منابع و... بعد از آن هم باید پرسوسه مجوز و چاپ را طی کند و بعد، تهیه کاغذ و لیتوگرافی. در حقیقت دو ماه قبل هم می‌توانستم به این کارها سر و سامان بدهم، ولی مشغله کاری، بی‌حوصلگی و خستگی سبب شد، چاپ کتاب مدتی دچار وقفه شود اما ان‌شاءالله این کتاب تا پایان سال به بازار می‌آید.

شما در این کتاب چه کرده‌اید؟ چون در زمینه خبرنویسی، کتاب‌های متعددی در بازار وجود دارد که هر یک مخاطبان خاص خود را دارند. تفاوت این کتاب با دیگر آثاری که... تفاوت این کتاب به لحاظ شکل، محتوا و موضوعات در این است که من سعی کرده‌ام کاری متفاوت‌تر از آنچه در بازار وجود دارد به مخاطب عرضه کنم. من شخصاً اعتقاد ندارم که ما باید کارهای مشابه به موازات هم منتشر یا به صورت تکراری تولید کنیم. مثلاً وقتی کتاب «مثلث طلایی نوشتن» را تألیف کردم که بیشترین مباحث آن درباره مقاله‌نویسی و یادداشت‌نویسی در مطبوعات است، شما وقتی این کتاب را با کتاب «مقاله‌نویسی» بسیار خوب آقای قندی مقایسه می‌کنید، می‌بینید مطالب این دو کتاب از زمین تا آسمان با یکدیگر تفاوت دارند. کتاب آقای قندی از منظر دیگری به موضوعات مورد نظر می‌پردازد اما موضوعات مورد نظر من در کتاب «مثلث طلایی نوشتن» چیز دیگری است. در کتاب «خبرنویسی پیشرفته به زبان ساده» هم سعی کرده‌ام، مطالب بیشتر



و این همه تغییر و تحولات جهانی، در باید بر همان پاشنه بچرخد و آیا با تغییر جهان، نیازهای ما متفاوت‌تر از آن زمان نشده‌اند؟ هر چه در آن دوران برنامه دادند، هنوز هم همان درس‌ها را تکرار و همان آموزش‌ها را دنبال می‌کنند. متأسفانه دانشکده‌های علوم ارتباطات ما در مقایسه با دانشکده‌های معتبر جهان ضعف‌های فراوانی دارند هر چند استادان ما هم همین مشکل را دارند، یعنی اطلاعاتشان به روز نیست و از تحولات این عرصه بی‌خبرند.

در نتیجه حاصل این می‌شود که درس‌هایی که به دانشجویان آموزش می‌دهیم برای او قابل استفاده نیستند. فرض کنید همه این موارد درست شود و دانشجوی روزنامه‌نگاری آموزش‌های لازم را ببیند، آن وقت کجا باید این آموزه‌ها را به اجرا دربیان کرد و کدام طیف از مخاطبان را مدنظر قرار دهد؟ در نهایت باز می‌رسیم به این مشکل که مخاطب آموزش دیده نداریم.

آیا برگزاری مراسم در سال با عنوان «روز خبرنگار» می‌تواند به ارتقای روزنامه‌نگاری و به ویژه روزنامه تخصصی در عرصه کتاب منجر شود؟

واقعیت این است که ما باید ابتدا جایگاه خبرنگاران را در جامعه ارتقا بدهیم. باید خبرنگار را از دغدغه معیشت روزمره برهانیم و حداقل‌های زندگی‌اش را تأمین کنیم. امروز درآمد خبرنگار از درآمد یک کارگر ساده روزمزد کمتر است و همین مشکلات اجازه نمی‌دهد که خبرنگار فرصت مطالعه پیدا کند و کیفیت مطالبش را ارتقا بدهد.

یکی از همکاران که در میبد، روزنامه‌نگاری تدریس می‌کرد، نقل می‌کند که کلاس روزنامه‌نگاری در دانشکده میبد تعطیل است و اصلاً دانشجویی در این رشته ثبت نام نکرده است. یعنی دانشجویان در کنکور برای انتخاب رشته روزنامه‌نگاری، میبد را از برنامه خود حذف کرده‌اند. باید بررسی کرد که دانشکده‌ای که چند سال قبل دانشجوی روزنامه‌نگاری داشت، حالا چرا ندارد؟

یک مقام مسوول باید انتظار بکشد تا خبرنگاری با او مصاحبه کند. حالا اگر خبرنگاری به مقام و مسوولیتی رسیده است، خیال می‌کنیم چه پیشرفتی داشته است! اما در جهان می‌بینیم خبرنگاری مثل باب وودوارد که ماجرای واترگیت را افشا و نیکسون را وادار به استعفا

فراوانی روبه‌رو خواهد شد که منجر به یأس و ناامیدی او می‌شود و پایش را از این عرصه بیرون می‌کشد. نهایتاً اگر می‌خواهیم از این وضعیت خارج شویم، باید خیلی چیزها درست شود. نشریه تخصصی کتاب، یکی از ابزارهای ماشین نشر و فرهنگ کشور است. زمانی این ماشین درست کار می‌کند که همه اجزای این ماشین درست کار کنند. برای داشتن نشریه تخصصی ویژه نقد و بررسی کتاب، باید توزیع مناسبی داشته باشیم، سرمایه‌گذار خوبی وجود داشته باشد، ناشر با تجربه و فعالی وارد میدان شود، خبرنگار متخصص داشته باشیم و در نهایت باید مخاطبان پیگیر داشته باشیم تا از منتقدان و صاحب‌نظران آگاه در این حوزه بهره بگیریم. اگر همه این امکانات فراهم شود، بخش خصوصی هم در انتشار نشریه تخصصی موفق خواهد بود.

واقعیت این است که از اول، باید خیلی چیزها سر جای خودش قرار می‌گرفت یعنی از ابتدا و از پیش‌تر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در عملکردها، سیاست‌گذاری‌ها، بینش‌ها و... باید اصولی عمل می‌کرد تا نشریات بخش خصوصی امروز جواب بگیرند.

آیا در دانشکده‌های ما، روزنامه‌نگاری تخصصی با استفاده از کتب معتبر تدریس می‌شود و آیا منتقدان و صاحب‌نظرانی در زمینه سیاست، ادبیات، فرهنگ و هنر داریم که تربیت شده دانشکده‌ها باشند؟ متأسفانه، در دانشکده‌ها، روزنامه‌نگاری تخصصی نداریم.

اگر روزنامه‌نگارانی علاقه‌مند باشند که نشریه‌ای مثل «صنعت چاپ» و «کتاب هفته» منتشر کنند، کجا باید آموزش تخصصی ببینند؟

ما هر چه به عقب برگردیم، این دایره بسته نمی‌شود، یعنی هر جا نقیصی هست، عاملی وجود دارد و آن هم عاملی پیش از خود دارد. در این زمینه مثلاً باید گفت دانشکده‌های ما از پایه مشکل دارند. در گذشته یک نفر آمده در رشته علوم ارتباطات برنامه‌ریزی کرده اما پس از چند دهه، کسی نیامده یک بازنگری در این برنامه‌ها داشته باشد، بررسی کند و بگوید: «اگر سی سال پیش یا چهل سال پیش گفتند باید این درس‌ها را در روزنامه‌نگاری بخوانید، آیا بعد از این همه سال

نشریات تخصصی در هر کشوری مخاطبان خاص خودشان را دارند. در ایران نیز نشریات ویژه نقد و بررسی کتاب دارای سابقه‌ای قابل توجهند. به نظر شما این دسته از نشریات اگر توسط بخش خصوصی منتشر شوند، کارکرد بیشتر و بهتری دارند یا توسط نهادهای دولتی؟

واقعیت این است که بخش خصوصی بهتری می‌تواند در این زمینه جواب بگیرد و به اهداف مورد نظر برسد به عنوان مثال مجله‌ای مثل «صنعت چاپ» که سال‌هاست در عرصه صنعت نشر کشور چاپ و منتشر می‌شود، با توجه به قدمتی که دارد، روی پای خودش ایستاده و درآمدی دارد که کفاف دخل و خرج آن را می‌کند، کادر ورزیده‌ای دارد و امثالهم... طبیعی است اگر چنین نشریه‌ای موفق نباشد و به لحاظ اقتصادی سودی نداشته باشد، تعطیل خواهد شد.

اما نشریات دولتی بودجه‌ای می‌گیرند و هزینه می‌کنند و در این میان گاهی هم ریخت و پاش می‌شود. گاهی افرادی در این نشریات به کار گمارده می‌شوند که برای نشریه دلسوزی نمی‌کنند. معمولاً در نشریات دولتی، نگرانی‌ای برای بازگشت سرمایه وجود ندارد و دغدغه‌ای برای افزایش تیراژ نیست. در چنین وضعیتی کیفیت آن نشریه رشد و ارتقاء پیدا نمی‌کند. در مجموع، اعتقاد دارم که بخش خصوصی در این زمینه بهتر عمل می‌کند. البته تا ساز و کارهای درستی توسط متولیان و مسوولان فرهنگی فراهم نشود بخش خصوصی در این زمینه فعال نخواهد شد؛ ساز و کارهایی که در بخش خصوصی دلگرمی ایجاد کند، افرادی برای فعالیت در این حوزه قدم پیش بگذارند و وارد این کارزار شوند و چشم‌انداز روشنی برای آینده خود داشته باشند. به نظر من در گذشته اساس کار به درستی گذاشته نشده است تا بخش خصوصی به میدان بیاید و کارش را با امید به پیشرفت و بهبود آغاز کند.

در حوزه نقد و بررسی کتاب نشریه «دنیای کتاب» در اوایل دهه هفتاد پس از چند شماره به خاطر عدم سوددهی تعطیل شد. امروز هم، نشریه «جهان کتاب» پس از این همه سال فعالیت در زمینه اقتصادی موفق نیست؛ یا نشریه «بررسی کتاب»، توسط نشر فرزاد روز پس از چند سال همچنان با شمارگان اندکی به بازار می‌آید و این در حالی است که این چند نشریه توسط بخش خصوصی منتشر می‌شوند!

درست است. اتفاقاً بحث من هم همین است. من می‌گویم اگر بخواهید این نشریات را دولتی کنید، آن ایراداتی که بر شمردم، گریبانگیر این نشریات هم خواهد شد. فرض کنید «نشریه کتاب هفته»، به رغم این که مدیریت خوبی دارد، کادر ورزیده و متخصصی هم دارد، باز می‌بینید، بودجه‌ای برای پیشرفت در نظر می‌گیرند و هزینه می‌کنند، اما معلوم نیست این نشریه چقدر مخاطب واقعی دارد و چقدر از آن بهره می‌برند. یا مشخص نیست این نشریه چقدر سودآوری دارد؟ البته منظورم از سودآوری، سودآوری مادی و پول نیست. بلکه اساساً مشخص نیست چه بهره‌ای از این نشریه نصیب جامعه می‌شود؟ من در مورد مشکلات نشریات تخصصی بخش خصوصی با شما هم نظرم و در عین حال معتقدم اگر ساز و کار مناسب و زمینه‌های لازم برای رشد و گسترش نشریات بخش خصوصی به وجود نیاید، نتیجه همین می‌شود که در مورد چند نشریه بخشی خصوصی عنوان کردید. یعنی همین که کسی شروع به کار می‌کند، پس از مدتی با مشکلات

کاربری باشد که با مثال‌های متعدد و با زبان ساده از چارچوب‌های متعارف - که آقایان در کتاب‌های خود مطرح کرده‌اند - فراتر برود. یعنی اگر حتی دانش‌آموزی خواست با فرآیند و شیوه‌خبرنویسی آشنا شود، بتواند از این کتاب حداکثر استفاده را ببرد. یا کسی که در حال حاضر روزنامه‌نگار است و در نشریه‌ای فعالیت می‌کند، این کتاب برایش حرف‌های جدیدی داشته باشد. سعی کرده‌ام مباحث جدید روزنامه‌نگاری حداقل در تدوین خبر، تهیه‌خبر و مسائلی از این قبیل را توضیح بدهم. من نه این که بخواهم مدعی اکتشاف جدیدی در این عرصه باشم بلکه می‌خواستم کمبودهایی‌را که در حوزه‌خبرنویسی در منابع موجود احساس می‌کردم، رفع کنم.

در ایران مراکز و موسسات متعددی کتاب‌های حوزه ارتباطات و روزنامه‌نگاری را چاپ و منتشر می‌کنند، از مرکز مطالعات رسانه‌ها گرفته تا ناشران بخش خصوصی و دولتی. این آثار چقدر معتبر و مورد تایید استادان این رشته است؟

به‌طور کلی برای معتبر و علمی بودن آثاری که در حوزه روزنامه‌نگاری از سوی موسسات بخش خصوصی یا دولتی منتشر می‌شوند، چند مولفه را می‌توان در نظر گرفت که یکی از آنها اعتبار ناشر است. یک ناشر معتبر هر کتابی که در هر حوزه‌ای منتشر می‌کند، غالباً معتبر است چراکه اعتبار خودش را با چاپ آثار سطحی و بازاری از بین نمی‌برد.

مولفه دیگر برای تعیین ارزش آثاری که منتشر می‌شوند، نام نویسنده یا نام مترجم کتاب است که روی جلد کتاب می‌آید. در درجه اول، اعتبار یک کتاب، نویسنده یا مترجم آن می‌تواند باشد البته مرکز مطالعات رسانه‌ها هم به‌عنوان یک موسسه فرهنگی خدمات ارزنده‌ای در عرصه ارتباطات و روزنامه‌نگاری داشته و آثار فراوان و خوبی عرضه کرده است. به‌طور کلی ما آنقدر در عرصه ارتباطات و روزنامه‌نگاری با کمبود منابع مواجهیم که به نظر من هر موسسه یا هر شخصی کتابی در این حوزه تألیف، ترجمه یا منتشر می‌کند، باید ممنون‌نشان باشیم. به‌ویژه در این شرایط که هر ناشر هنگام چاپ کتاب، ناگزیر است هزینه سنگینی را متحمل شود، وقت زیادی بگذارد و حتی پس از آن که کتاب منتشر شد، باید به دنبال حل مشکل توزیع برود و نگران بازگشت سرمایه‌اش باشد، به‌خصوص در جامعه ما که سطح مطالعه در مقایسه با دیگر کشورها پایین است و فرهنگ مطالعه در جامعه و در خانواده‌ها، آن گونه که باید، نهادینه نشده است و کتاب به‌عنوان یک کالای فرهنگی ضروری در سبد هزینه خانوار جای ندارد. با این وضعیت هر ناشری که در این زمینه کار می‌کند و هر صاحب‌نظری که در این حوزه قلم می‌زند - فارغ از این که خودم در هر دو عرصه حضور دارم - تلاشش قابل تقدیر و تشکر است.

غالباً این سوال مطرح می‌شود که چرا دانشکده‌های روزنامه‌نگاری در تربیت نیروی کار و خبرنگاران خبره موفق نبوده‌اند و اکثر روزنامه‌نگاران فعال در ایران فارغ‌التحصیل رشته ارتباطات نیستند. آمار شاغلان عرصه روزنامه‌نگاری هم همین‌این موضوع را تایید می‌کنند. شما این مساله را چگونه آسیب‌شناسی می‌کنید؟

به نظر من، در این زمینه نمی‌توان دانشگاه‌ها را مقصر اصلی قلمداد کرد چراکه روزنامه‌نگاری حوزه عمل است نه حوزه شعار و حرف، از طرفی روزنامه‌نگاری نیاز به ذوق و خلاقیت دارد. به همین دلیل تأکید می‌شود آن دسته از افرادی که در این رشته تحصیل می‌کنند، اگر بخواهند روزنامه‌نگاران خلاق‌ی بشوند و تولیدات خوبی داشته باشند، باید قبل از هر چیز نوبع‌این کار، خمیرمایه و سرشت روزنامه‌نگاری داشته باشند. متأسفانه در ایران شیوه گرایش دانشجویان از پایه و اساس غلط است، یعنی نحوه ورود دانشجویان به رشته روزنامه‌نگاری به عقیده من شیوه درستی نیست. مثلاً یک دانشجوی رشته روزنامه‌نگاری تا سال سوم دانشگاه اصلاً نمی‌داند وارد چه رشته‌ای شده و چه باید بکند و هیچ شناختی نسبت به این حرفه ندارد. بنابراین، این دسته از دانشجویان در زمان انتخاب رشته مردند که رشته زبان‌شناسی را انتخاب

کنند یا رشته جامعه‌شناسی را یا رشته روزنامه‌نگاری را؟ در هر صورت عده‌ای از سر ناچاری وارد این رشته می‌شوند. طبیعی است که ما نمی‌توانیم چنین دانشجویی را در کلاس درس، به‌عنوان یک روزنامه‌نگار خوش ذوق تربیت کنیم. به هر حال در دانشکده سلسله آموزش‌هایی به دانشجویان داده می‌شود که به تبع آن، افرادی که استعداد و علاقه دارند، موفق می‌شوند و افرادی هم که از ابتدا برای این حرفه ساخته نشده بودند، دنبال کار دیگری می‌روند، البته من به این صورت که شما آمار می‌دهید، شاید چندان موافق نباشم که اغلب افراد موفق‌ی که در نشریات و خبرگزاری‌ها فعالند تحصیلات روزنامه‌نگاری ندارند. نه، در بین روزنامه‌نگاران شاغل، افرادی از هر دو طیف داریم. ولی همان‌طور که گفتم، روزنامه‌نگارانی که در رشته فیزیک، شیمی یا ریاضی فارغ‌التحصیل شده‌اند، به لحاظ استعداد و اطلاعات و داشته‌های درونی، آن اندازه غنی بوده‌اند که توانسته‌اند از آن رشته و مدرک چشم‌پوشی کنند و وارد عرصه روزنامه‌نگاری شوند. چراکه عشق و علاقه باید خیلی غنی و قوی باشد تا یک فرد را در عرصه روزنامه‌نگاری، نیرویی خلاق و موفق بار بیاورد. به نظر من ابتدا باید به این مساله پاسخ داده شود که چرا یک نفر، این رشته را در دانشگاه انتخاب می‌کند؟ آیا واقعا انتخابی در کار است یا از سرناگزیری وارد این رشته می‌شوند؟ برخی از این دانشجویان حتی توانایی نوشتن یک انشای ساده را هم برای ندارند، به همین دلیل شما اگر بهترین استادان رشته روزنامه‌نگاری را هم این‌گونه افراد در نظر بگیرید، باز هم بی‌فایده است.

شما به‌عنوان یک مولف و استاد دانشگاه و با توجه به نشر الکترونیک و روزنامه‌های الکترونیک، آینده روزنامه‌نگاری چاپی را چگونه می‌بینید؟

آینده روزنامه‌نگاری الکترونیک بحثی است که در اغلب محافل و مجامع وجود دارد. در این میان برخی اعتقاد دارند که روزنامه‌های چاپی منسوخ می‌شوند و عده‌ای می‌گویند هرگز این اتفاق نمی‌افتد. اما به نظر من در کشور ما اگر هم بخواهد چنین اتفاقی در عرصه چاپ و نشر روی دهد، فرآیندش بسیار طولانی خواهد بود. شاید در غرب به دلیل رشد صنعتی و فرهنگ استفاده از این ابزار و به‌خاطر عادت‌هایشان در استفاده از کامپیوتر، اینترنت، وسایل الکترونیک و پیشرفت‌های ناشی از این امکانات، روزنامه‌نگاری الکترونیک شتاب بیشتری پیدا کند، اما در کشور ما با این سرعت اینترنت و کمبود ابزارهای لازم، روزنامه‌نگاری الکترونیک فرآیندی طولانی را باید طی کند. به هر حال فرآیندی که روزنامه‌نگاری چاپی می‌طلبد - به لحاظ فکر کردن و تکنیک‌های کار - تفاوت چندانی با روزنامه‌نگاری الکترونیک ندارد. فقط در بحث رسانه و نوع انتقال پیام ممکن است این توسعه و پیشرفتی که جهان شاهد آن است، تغییراتی به وجود بیاورد. ما الان می‌بینیم که موبایل‌ها کارکرد لپ‌تاپ را پیدا می‌کنند، یا کار تلویزیون‌ماهوره‌ای را انجام می‌دهند. ممکن است یک روز کاربران از همین جاخبرهای خودرابه‌دست بیاورند و خیلی بحث‌های دیگر که امروز در غرب مطرح است. مثلاً ممکن است شما از دفترچه تماماً آنلاین استفاده کنید یا خبررسانی سرعت بیشتری پیدا کند.

به نظر من این بحث، حول تکنولوژی روز است ولی کلیت این فرآیند - فرض کنید سبک خبررسانی یعنی همان سبک هرم وارونه که خیلی سنتی هم



نشریه تخصصی کتاب یکی از ابزارهای ماشین‌نشر و فرهنگ کشور است.

زمانی این ماشین‌درست کار می‌کند که همه اجزای آن درست کار کنند

هست - هیچ وقت منسوخ نمی‌شود. حتی اگر روزنامه‌نگاری الکترونیکی هم در کشور ما گستره وسیعی پیدا کند، باز جای روزنامه‌های چاپی را نخواهد گرفت.

ما در عرصه روزنامه‌نگاری چهره‌های شاخصی نداریم. برخی معتقدند، گسستی که در مقطع انقلاب به‌وجود آمده باعث شده انتقال تجربه از روزنامه‌نگاران نسل قبل به نسل جوان به‌خوبی صورت‌نگیرد. به‌نظر شما این عامل چقدر تاثیرگذار بوده است؟

ما به‌طور کل، تا زمانی که نتوانیم جایگاه واقعی خبرنگاران را در ایران ارتقا ببخشیم و نتوانیم جایگاه واقعی روزنامه‌نگاری را پیدا کنیم، روزنامه‌نگاری ما رشد نخواهد کرد به همین دلیل حتی اگر یک نفر می‌آید در سطح متوسط توانایی‌های خودش را بروز می‌دهد، پس فردامی‌بینید در فلان گروه و تشکیلات سیاسی فعالیت می‌کند، یعنی خیلی زود وارد سیاست می‌شود.

من این‌را همیشه می‌گویم، متأسفانه در یک دوره‌ای مثل دوره مجلس ششم که روزنامه‌نگاری در حد معقول اوج گرفت و فرصتی فراهم شد تا خبرنگارانی نماینده مجلس بشوند، برخی برای حضور در مجلس، سرودست شکستند! درحالی‌که در غرب و اروپا، روزنامه‌نگار خودش را فراتر از یک وزیر و وکیل می‌بیند و جایگاه بالاتری دارد، ولی ما این‌طور نیستیم. متأسفانه به جایگاه روزنامه‌نگار، کم یا بهتر بگویم، بی‌توجهی شده، به‌طوری‌که وقتی یک وکیل یا وزیر را می‌بینیم، احساس می‌کنیم این آدم چقدر قدرتمند است و چقدر نفوذ و قدرت دارد، درحالی‌که در بسیاری از کشورهای بزرگ جهان و در روزنامه‌های معتبر، خبرنگاران از قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردارند به‌طوری‌که وزیر یا وکیل باید ساعت‌ها پشت در اتاق او بنشیند تا فرصتی به او داده شود که حرف خودش را بزند. بنابراین، در کشورمان تا زمانی که نتوانیم جایگاه واقعی خود را پیدا کنیم، هیچ‌وقت چهره‌های برجسته و شاخصی هم در مطبوعات ظهور نخواهد کرد. آدم‌ها تا به حد متوسطی می‌رسند، احساس می‌کنند که یک جاپست مدیرکل روابط عمومی را به ایشان می‌دهند. یعنی می‌دانند یک جاپست مدیریتی به ایشان خواهند داد و سریعاً فکر می‌کنند فرصتی در اختیارشان گذاشته شده که خود را نشان بدهند، درحالی‌که واقعیت امر این‌طور نیست. روزنامه‌نگار در همان جایگاه خودش بالاترین قدرت و اعتبار را دارد. دلیل پذیرش پست‌های سیاسی توسط روزنامه‌نگاران هم این است که آن روزنامه‌نگار در شغل خودش آینده‌ای را متصور نیست و احساس امنیت نمی‌کند. امروز، می‌بینیم که روزنامه‌نگاران باسابقه و برجسته در آخر کار چه موقعیتی دارند و چگونه زندگی می‌کنند. طبیعی است هر آدم عاقلی پیش خودش فکر می‌کند اگر من هم بخواهم این راه را ادامه بدهم سرنوشت خوبی نخواهم داشت و... به همین دلایل است که روزنامه‌نگاران برجسته‌ای ظهور نمی‌کنند. امروز که یک بخش از کارم روزنامه‌نگاری است و یک بخش از آن، تدریس و معلمی، احساس می‌کنم باید اگر یک جایی وزنه بچربد، همان کار معلمی را ادامه بدهم که آینده‌ام تا همین باشد!

مشکلی که در تحریریه اغلب روزنامه‌ها وجود دارد، مربوط به ساختار تحریریه است. یعنی هر سرویسی از چهار نفر (یک دبیر سرویس و سه خبرنگار) تشکیل می‌شود و خبرنگار هم باید در روز هشت ساعت حضور فیزیکی در تحریریه داشته باشد. فکر نمی‌کنید این ساختار و این تعاریف نیاز به اصلاح داشته باشند؟

کلا فضای حاکم بر رسانه‌ها، دچار اشکال است. شما در این مورد تردیدی نداشته باشید. اینقدر تلاطم، تغییر مدیریت‌های ناگهانی و عدم امنیت شغلی در روزنامه‌ها، طبیعی نیست. شما ببینید فردی مثل باب وودوارد که خبرنگار و اشنگتن پست بود و با گزارش‌های خود نیکسون رئیس‌جمهور آمریکا رابه زیر کشید، الان بعد از سی سال همچنان دبیر سرویس سیاسی همان روزنامه است. روزنامه‌نگاری در آن

کشورها یک نوع زندگی است درحالی‌که اینجا در برخی روزنامه‌ها، هر روز یک نفر می‌آید، یک نفر می‌رود. هر روز یک روزنامه جدید فعالیتش را شروع و یک روزنامه فعالیتش را متوقف می‌کند. خبرنگاران صبح را در این روزنامه و بعدازظهر را در آن روزنامه کار می‌کنند. در چنین موقعیتی و با این شرایط، اسم این کار را نمی‌توانید روزنامه‌نگاری سالم بگذارید. لازمه پیشرفت این است که در فضای مطبوعات آرامش حاکم باشد تا استعدادها و خلاقیت‌ها فرصت بروز و ظهور پیدا کنند. تفکر خلاق در عرصه روزنامه‌نگاری، نیاز به ثبات و آرامش دارد و باید پذیرفت که این همه هیجانات کاذب و تلاطم‌های خارج از عرف، مانع ظهور روزنامه‌نگاران شاخص و برجسته است.

در کتاب «قدرت‌های جهان مطبوعات» خواندم که روزنامه‌نگاران در کشوری مثل ژاپن چگونه مدارج ترقی را طی می‌کنند تا به تحریریه یک روزنامه معتبر راه پیدا کنند اما در کشور ما خبرنگارانی را داریم که بدون هیچ سابقه‌ای ناگهان به عضویت هیئت تحریریه درمی‌آیند.

وقتی فرآیند روزنامه‌نگاری را در کشور بررسی کنیم، می‌بینیم همه این مسائل مثل یک زنجیره حیات به هم وصلند. یعنی شما نمی‌توانید بگویید چرا وضعیت تدریس در دانشکده‌های روزنامه‌نگاری این‌گونه است یا چرا وضعیت خبرنگاران آن‌گونه؟ یا مثلاً چرا خبرنگاری پله‌های ترقی را طی نکرده به تحریریه یک روزنامه راه پیدا می‌کند؟ شما نمی‌توانید از وضعیت روزنامه‌نگاری در کشور انتقاد کنید، درحالی‌که دانشکده روزنامه‌نگاری در تربیت نیروهای کارآمد عاجز است. اینها همه به نوعی به یکدیگر مربوط می‌شوند. این‌طور نیست که بگویید چون دانشکده‌ها وضعیت خوبی ندارند، روزنامه‌های خوبی نداریم. نه، برعکس این موضوع هم صادق است. می‌خواهم بدانم روزنامه‌های ما از من استاد دانشگاه چه می‌خواهند تربیت کنم؟ حالا، اگر یک نفر را تربیت کردیم که هوشمندترین و خلاق‌ترین روزنامه‌نگار هم شد، در کدام روزنامه باید کار کند؟ ظرف و مظروف باید متناسب با هم باشند.

بنابراین باید عمیق و ریشه‌ای نگاه آسیب‌شناسی و برنامه‌ریزی دقیق کرد.

چنین مشکلاتی لا ینحل نیستند، به شرط اینکه به دقت آسیب‌شناسی و برای اصلاح‌شان تلاش شود. **با توجه به این‌که استادانی مانند شما که هم تجربه عملی روزنامه‌نگاری دارند و هم نظریه‌پرداز این عرصه‌اند بسیار اندکند، نقش استادان را در تربیت روزنامه‌نگاران چگونه تبیین می‌کنید؟**

ما استاد کم نداریم. امروز استادان باسابقه و با تجربه که عملاً کار روزنامه‌نگاری هم کرده باشند کم نیستند که در دانشکده‌ها تدریس می‌کنند. واقعیت این است که در دنیا هم این‌طور نیست که همه استادان دانشگاه‌های روزنامه‌نگاری درجه یک باشند. عده‌ای هم هستند که رفته‌اند چند کتاب مطالعه کرده‌اند و همان‌ها را تدریس می‌کنند. مادر دانشگاه‌ها، معجزونی از همه انواع استادان داریم. همین تعداد اساتیدی که در این رشته تدریس می‌کنند، تا حدودی قابل قبول است. با توجه به کل روزنامه‌ها و رسانه‌ها، مگر چقدر نیاز به خبرنگار و روزنامه‌نگار داریم که در سال این همه دانشجوی روزنامه‌نگاری در دانشگاه‌های آزاد و دولتی پذیرش می‌شوند؟ فرض کنید پنج سال دیگر بیش از ششصد نفر فارغ‌التحصیل در رشته علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری خواهیم داشت. این تعداد فارغ‌التحصیل کجا باید مشغول به کار شوند؟ وقتی تعداد دانشجویان زیاد شد، باید دنبال استاد هم بود. در نتیجه همیشه نمی‌توان برای دروس، استادان درجه یک پیدا کرد. در کلاسی که پنج تا ده دانشجوی حضور دارند، استاد می‌تواند به آنها بیشتر برسد، کار سفارش بدهد و کارها را مطالعه و تصحیح کند اما وقتی در یک کلاس تعداد دانشجویان به پنجاه - شصت نفر رسید، چه باید کرد؟ در چنین شرایطی طبیعی است که سطح کیفی کلاس پایین می‌آید. در این عرصه فقط بحث استادان مجرب مطرح نیست بلکه خیلی از امکانات باید فراهم شود تا حاصل کار، مطلوب باشد.



احسان استیری

مهدی میرباقری از جمله نمایشنامه‌نویسانی است که آثارش در طول چند سال اخیر در جشنواره‌های تئاتر مورد توجه قرار گرفته است. شاید مهم‌ترین موفقیت نمایشنامه‌های میرباقری در جشنواره فجر سال ۱۳۸۷ بود که طی آن «زمستان در آتش» که انتشارات افراز ناشر آن بود به عنوان متن برگزیده جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر معرفی شد. میرباقری که تحصیلات خود را در رشته مهندسی عمران دانشگاه امیرکبیر به پایان برده، سال‌ها در زمینه داستان و نمایشنامه‌نویسی فعالیت کرده است. با وی درباره آخرین نمایشنامه‌اش «زمستان در آتش» گفت‌وگویی انجام داده‌ایم.

مؤلف «زمستان در آتش»:

نقش نویسنده، پررنگ کردن شک هاست

به عقیده من در شاهنامه، سازوکار روایی اسطوره‌ای امری نهفته در صورت زبانی افسانه‌ای است؛ توضیح آن که در اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی از صورت و ابزارهای بیانی افسانه استفاده می‌شود، اما داستان، اندیشه و محتوا از سنخ اسطوره است. اسطوره‌ای که شما آن را به نمایشنامه تبدیل کردید؛ یعنی اسطوره سیاوش، تصویرکننده چه صورتبندی اندیشگی است؟

بارزترین نقطه تقابل در داستان سیاوش که می‌تواند یک صورتبندی اندیشگی را تصویر کند، مسئله «وفاداری» و «خیانت» است. این برداشت من از داستان فردوسی است و تلاش کردم همین صورتبندی را نیز در نمایشنامه‌ام منعکس و به آن تاکید کنم؛ به طوری که در چندین بخش از نمایشنامه وفاداری سیاوش بر سر پیمان‌هایش و در مقابل پیمان شکنی‌ها و خیانت‌ها را پررنگ کردم.

در نمایشنامه شما، آدم‌ها در مواردی از نقش و شخصیت خود فاصله می‌گیرند. آیا شما عمدتاً قصد فاصله‌گذاری داشته‌اید؟

فاصله‌گذاری به عنوان یک تکنیک اجرایی چندان برایم مهم نبوده است. شخصیت‌هایی مانند سودابه در انتهای نمایشنامه از ماهیت خود فاصله می‌گیرند، راجع به خود می‌اندیشند و از ماهیت خود سوال می‌کنند. غرض اصلی‌ام از گنجاندن این بخش‌ها، تکیه و اصرار به عنصر «شک» بود چراکه معتقدم همواره یک شک و تردید در مورد واقعی یا خیالی بودن اسطوره‌ها وجود دارد که ریشه‌اش حضور شخصیت‌های اسطوره‌ای در مرز واقعیت و خیال است از این رو می‌خواستم این شک را پررنگ تر کنم.



که دستور صحنه‌ها با زبان باستانی یک نقال روایت شود.

اشاره کردید که نمایشی کردن داستان‌های شاهنامه دشوار است. دلیل این دشواری چیست؟

همان‌طور که گفتم جابه‌جایی سریع صحنه‌ها منجر به دشواری اثر می‌شود. در شاهنامه و در روند روایت، لحظه‌ای در صحنه جنگ هستید، لحظه بعد در کاخ و ناگهان خود را در چاه می‌بینید. وجود چنین وضعیتی، اجرایی کردن این روایت را دشوار می‌کند.

آیا می‌توان از توصیفات شما نتیجه گرفت که در شاهنامه رویکرد افسانه‌ای پررنگ است؟

چنین وضعیتی ذهن را به سمت گونه‌ای از نمایشنامه که از آن به عنوان نمایشنامه خواندنی یاد می‌کنند، می‌برد. آیا این فرضیه درست است که «زمستان در آتش» بیش از آن که نمایشنامه‌ای معطوف به اجرا باشد، نمایشنامه‌ای خواندنی است؟

بله، این نمایشنامه بیشتر با هدف خواننده و شنیده شدن نوشته شده است. حتی احساس می‌کنم «زمستان در آتش» برای یک اجرای نمایش رادیویی بهتر از نمایش صحنه‌ای است. این امر می‌تواند چند دلیل داشته باشد؛ نخست آن که، من به دلیل تعلق خاطر من نسبت به داستان نویسی، بیشتر به ادبیت اثر اهمیت می‌دهم و کلا ادبیات برای من پررنگ‌تر و مهم‌تر از اجرا است. در وهله بعد تبدیل کردن نمایشنامه‌هایی که متکی به اسطوره یا افسانه هستند، به امکانات تولیدی و اجرایی بسیار قوی احتیاج دارد؛ به‌ویژه در داستان سیاوش شاهد آن هستیم که صحنه‌ها به سرعت عوض می‌شوند و تعویض این صحنه‌ها که کاملاً متفاوت هستند به امکانات اجرایی قوی نیازمند است. از دیگر سو اگر اسطوره‌ها را به همین صورت تخیلی که به اصل شاهنامه نزدیک است تصویر نکنیم، تماشاچی آن را باور نمی‌کند و در مجموع دشواری اجرا و تمایز تماشاچی به برخورد با شخصیت‌ها و فضاهای باستانی من را به بیشتر به سمت ادبیت و رعایت آن در اثر سوق داده.

شاید به همین دلایل دستور صحنه‌ها هم با زبانی باستانی نوشته شدند. در آخر، این را هم بگویم که در این نمایشنامه، نمایشنامه‌نویس در مقام نقال ظاهر می‌شود، بدین ترتیب طبیعی به نظر می‌رسد

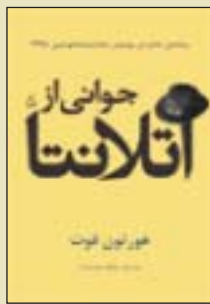
مشخصه اصلی نمایشنامه‌هایتان زبان آرکایک آن است. شما در بیشتر آثارتان توانسته‌اید، این زبان باستانی را مورد استفاده قرار بدهید؛ اما به نظر می‌رسد در بخش‌های اندکی از نمایشنامه یکدستی زبان از دست می‌رود؛ چراکه گفت‌وگوها از حالت ابتدایی خارج و کاملاً امروزی می‌شود.

در دوره‌ای از فعالیت هنری خود شروع به خواندن آثار کلاسیک کردم و هنگامی که شاهنامه را می‌خواندم به شدت مجذوب داستان سیاوش و سودابه شدم و تصمیم گرفتم این داستان را به نمایشنامه تبدیل کنم. از همان ابتدای کار نیز دغدغه زبان داشتم و می‌خواستم برای القای بهتر فضای شاهنامه به سمت زبان باستانی بروم. البته درست است که زبان «زمستان در آتش» به نوعی ثقیل و پیچیده شده، اما خواندن آن چندان دشوار نیست. این اثر را بارها ویرایش و در هر ویرایش تلاش کرده‌ام که زبان به سمت سادگی پیش برود. اگر کیفیت زبان به همان میزان ابتدایی دشوار و سخت می‌ماند، خواننده از لایه اول متن؛ یعنی زبان عبور نمی‌کرد و کاملاً متوجه زبان اثر می‌شد، از این رو به عمق و مغز اثر کمتر توجه می‌کرد. اما در این مورد که گاهی یکدستی زبان خدشه دار شده، باید بگویم که نمی‌توانم این امر را بپذیرم؛ هر چند ممکن است در مواردی هم کار از دست رفته و زبان متن به سمت زبانی روزمره و معمولی سیر کرده باشد که البته این نکته‌ای منفی است.

زبان اثر شما چنان پیچیده است که حتی خودتان سراغ تشریح معنای بسیاری از کلمات رفته‌اید. جالب این که این پیچیدگی و استفاده از زبان باستانی در توضیح صحنه‌ها هم وجود دارد و وجود

در گفت‌وگو با سکینه عرب نژاد مطرح شد

صراحت، همیشه نکوهیده نیست



است. انگار همان ایده‌ای که در نمایشنامه «رویای آمریکایی» اثر آلبی وجود دارد، در اینجا هم به شکلی موازی پرورده شده است. اگر منظور از تاثیر، چنین چیزی باشد، قطعاً او بر شانه پیشینیان خود ایستاده است.

تم نمایشنامه چیست؟

سخن گفتن از تم را باید کمی با احتیاط پیش برد؛ چرا که این کلمه در ایران مورد سوء برداشت‌های زیادی

قرار گرفته است. در دانشکده‌های ما مدام بر سر این واژه و واژه «موضوع» سخن می‌رود و گاهی این دو به جای یکدیگر به کار می‌روند. اما اگر منظور ایده مرکزی اثر باشد که موضوع بر آن بنا شده، باید گفت ایده «رویای آمریکایی» شاید بنیادی‌ترین ایده‌ای است که توسط هورتون فوت باین شکل نوشتاری و روش نو، دوباره مورد سوال و انتقاد قرار گرفته شده است.

نمایشنامه «جوانی از آتلانتا» در بخش‌هایی بسیار صریح حرف می‌زند. نمی‌توان این را نکته‌ای منفی دانست؟

قطعاً هر کسی روشی دارد. اینکه پنهانی و به رمز

نویسنده مورد نظر خواهیم یافت، چرا که هورتون فوت در آثار خود مسائل بسیار ریزی را بسط می‌دهد و آنها را عمده می‌کند. بنابراین از هر نوع ماجرا و حادثه‌ای می‌گریزد تا بتواند نکات ریز را بگستراند. از این رو در آثار او زمینه اثر برجسته‌تر می‌شود. این روش نوشتاری، هورتون فوت را به امپرسیونیسم چخوف نزدیک‌تر می‌کند.

به این ترتیب نمی‌توان نتیجه گرفت که نمایشنامه «جوانی از آتلانتا» تحت تاثیر آثار نویسندگان دیگر قرار دارد؟

سخن از تاثیر شاید به معنی دقیق کلمه درست نباشد، اما در هر سنت نوشتاری، نویسندگان تازه بر شانه بزرگان پیش از خود می‌ایستند و جهان و جامعه خود را از همان جا رصد می‌کنند و آن را به باد انتقاد می‌گیرند. این نمایشنامه در بسیاری از لحظات و موقعیت‌ها دقیقاً بر بنیاد نمایشنامه «مرگ دستفروش» اثر آرتور میلر نوشته شده است. از سوی دیگر در زمینه موضوع و ایده‌ای که او در نمایشنامه‌اش می‌پروراند، هورتون فوت به ادوارد آلبی نزدیک‌تر

«۳۶۵ روز ۳۶۵ نمایشنامه»، «چیزهای دست دوم»، «شهاب ثاقب» و «آنا گرمسیر» تعدادی از نمایشنامه‌هایی هستند که تاکنون به ترجمه سکینه عرب نژاد بر پیشخان کتابفروشی‌ها دیده‌ایم. اما عرب نژاد تنها در حوزه ترجمه نمایشنامه فعال نیست، چرا که او صاحب چند عنوان مقاله و کتاب در زمینه تئوری‌های تئاتر نیز هست. اما آنچه بهانه گفت‌وگو پیش رو با سکینه عرب نژاد شده، ترجمه نمایشنامه «جوانی از آتلانتا» است که به تازگی منتشر شده. این نمایشنامه «هورتون فوت» در سال ۱۹۹۵ برنده جایزه ادبی پولیتزر بوده است.

روش نمایشنامه‌نویسی هورتون فوت چگونه است؟

هورتون فوت بر سنتی از نمایشنامه‌نویسی تکیه می‌کند که پیش از او کسانی چون اونیل، میلر، ویلیامز و آلبی در آن سنت می‌نوشته‌اند. از این رو در برخورد اول شیوه نوشتار و نگرش او مبتنی بر نوعی خلاف آمد است که درون آن زندگی می‌کند. این نگرش و روشی است که در این سنت و طی سال‌ها پروراند شده است که می‌توان آن را نوعی اپوزیسیون خود و سیستم بودن نامید؛ اپوزیسیونی که هورتون فوت از طریق آن می‌تواند زوایای تاریک زندگی آمریکایی را دوباره واکاوی کند. اما اگر در جست‌وجوی تفاوت و وجه افتراق میان فوت و پیشینیانش باشیم، آن را در زمینه نوع بسط و پرداخت

سخن گفتن، روش بسیار عالی و صریح‌گویی روشی نکوهیده است، تصویری نادرست است و نمی‌توان آن را ایراد به شمار آورد. این روش هورتون فوت است که گاهی در لایه‌های اثر و در موقعیت‌هایی از آن نمایان می‌شود. این به معنی ضعف او قلمداد نمی‌شود؛ بلکه روش فوت در موقعیت‌هاست که از این طریق می‌تواند تیغ تیز انتقاد خود را روشن‌تر نشان دهد. در سرزمین ما که در زندگی روزمره خودمان نیز با کنایه یا یکدیگر حرف می‌زنیم، قطعاً صریح‌گویی عملی نکوهیده است. اما هر اثری را نمی‌توانیم و نباید به قواره زندگی خودمان دریاوریم تا بتوانیم سره و ناسره آن را روشن کنیم و بر آن ارزشی بگذاریم.

شما هم در زمینه ترجمه آثار نظری فعال بوده‌اید و در زمینه ترجمه نمایشنامه. آثاری که در دست چاپ دارید متعلق به کدام یک از این دو حوزه‌اند؟ تمایل دارم که در هر دو زمینه به فعالیت ادامه دهم و نمایشنامه هم بنویسم؛ اکنون دو نمایشنامه را برای چاپ به نشر بیدگل سپرده‌ام که به نظر کارهای خوبی خواهند شد. سه نمایشنامه دیگر را هم ترجمه کرده‌ام که در حال بازخوانی و ویرایش آنها هستم که امیدوارم به زودی تمامشان کنم. بخش‌های زیادی از دو کار پژوهشی را نیز ترجمه کرده‌ام که در نوع خودشان آثار شاخصی هستند که امیدوارم بخت یارم باشد و بتوانم آن را به ناشری خوب برای چاپ بسپارم. در کشور ما، کار ترجمه، حکایت غریبی دارد.



منتقدان پاسخ داده اند

تفکیک روزنامه نگاری و نویسندگی برای کودکان لازم است؟

و کتاب‌هایی چون «محمد(ص)»، «عروسک شکسته» و «سال‌های سختی بود» از جمله آثار اویند. به اعتقاد او روزنامه‌نگاری، موجب می‌شود تا روحیه نقدپذیری در کودکان و نوجوانان گسترش پیدا کند و فرهنگ گفت‌وگو میان آنها شکل گیرد. او می‌گوید: «نقد تشخیص سره از ناسره است اما نقد اثر در جامعه ما کمتر به چشم می‌خورد و متأسفانه هنوز برخی از نویسندگان مانده‌اند که کسی کتاب‌هایشان را نقد و به جنبه‌های مثبت و منفی آن اشاره کند.»

به عبارتی نقد واسطه‌ای میان نویسنده و خواننده اثر است؟

نقد، هم در معرفی کتاب و گسترش فرهنگ کتابخوانی، نقش بسیار مهمی دارد و هم به یک حرکت فرهنگی مثبت، جهت و سمت و سو می‌دهد تا آنجا که با وجود منتقدان خوب، می‌توان به اصلاح و تقویت کاستی‌های متعدد در حوزه کتاب، امیدوار شد اما برخی از متولیان فرهنگی دچار روزمرگی شده‌اند و نگرش و دیدگاهشان تک‌بعدی است. از سویی، منتقدان نیز یابانه‌نقد‌های ذوقی و جانبدارانه‌رو می‌آورند یا آنقدر به مسائل ساختاری و تکنیکی می‌پردازند که گویی به جای نقد، قصد آموزش دادن عناصر فنی داستان نویسی را دارند؛ در صورتی که متولیان فرهنگی، نویسندگان و منتقدان باید به فعالیت‌های منسجم و هدفمند در زمینه ادبیات و فرهنگ بپردازند و مانند اهالی سینما و تئاتر به راه‌اندازی انجمنی با عنوان انجمن منتقدان ادبی، همت گمارند.

نقد را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد؟

به دو دسته. درون‌گفتمانی و برون‌گفتمانی؛ نقد درون‌گفتمانی بر ویژگی‌های متن استوار است و خود اثر را از لحاظ ادبی مورد بررسی قرار می‌دهد، در حالی که نقد فراگفتمانی به ابعاد گوناگون اثر مانند جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، اسطوره‌شناختی و دیگر وجوه توجه می‌کند.

نقد‌هایی که این روزها در روزنامه‌ها و نشریات درباره کتاب‌های کودک و نوجوان منتشر می‌شوند در شمار کدام گروه‌هاند؟

عمده‌نقد‌هایی که امروز در نشریه‌های گوناگون به چاپ می‌رسند فراگفتمانی می‌دانم و معتقدم این نوشته‌ها نه تنها برای خانواده‌ها بلکه حتی برای پدیدآورندگان کتاب کودک نیز کاربردی نداشته و تنها برای دایره محدودی از منتقدان ادبیات کودک پدید می‌آیند.

مخاطبان این نقد‌ها چه کسانی‌اند؟ ادبیات کودک برای کودکان نقد می‌شود یا برای پدران و مادران، کتابداران، مربیان، پژوهشگران و نویسندگان یا برای هیچ‌یک؟!

دسته‌ای از نقد‌ها، تنها برای دست‌اندرکاران و پدیدآورندگان ادبیات کودک نوشته می‌شوند. برخی نقد‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی هستند که متعلق به افراد با سواد و متخصصی‌اند که با این مقوله آشنا نیستند اما دسته سوم نقد‌ها به زبان ساده برای پدران و مادران، کتابداران و مربیان نوشته شده‌اند و چهارمین بخش، آثاری‌اند که به زبان ساده به نگارش درآمده‌اند و قدرت تخیل خواننده را بالا می‌برند.



محبوب تعیین گروه سنی را یکی از مهم‌ترین نکات برای نشریات کودک و نوجوان می‌داند و می‌گوید: «نشریاتی که امروز برای بچه‌ها منتشر می‌شوند، یابانه‌نقد‌ها یا نوجوانان تعلق دارند و در این میان گروه سنی «ج» که کودکان ۹ تا ۱۲ سال را دربر می‌گیرد، فراوان شده است. علت این که کمتر به این گروه سنی توجه شده، چیست؟

کار کردن برای این گروه، چندان آسان نیست چون نه کودکی را تمام و کمال پشت سر گذاشته‌اند و نه نوجوانی را آغاز کرده‌اند حتی نشریه «دو چرخه» به مخاطبان ۱۲ سال به بالا تعلق دارد و «سه چرخه» هم ویژه خردسالان است.

با توجه به تجربه انتشار ویژه‌نامه «آفتاب، مهتاب»، کودکان کدام‌را بیشتر می‌پسندند؟ این که خودشان بنویسند و نوشته هم سن و سال‌های خود را بخوانند یا شاعران و نویسندگان بزرگسالی که برای این گروه سنی کار می‌کنند؟

هر دو را. بچه‌ها می‌توانند شعر گفتن و داستان و نقد نوشتن را از بزرگسالانی که در این حوزه فعالند بیاموزند و تشوق و تمرین برای نوشتن را از هم‌سن و سال‌های خود دریافت کنند. بچه‌ها وقتی می‌نویسند و نوشته‌هایشان منتشر می‌شود، سر ذوق می‌آیند و خود را باور می‌کنند.

سابقه روزنامه‌نگاری برای کودک و نوجوان به دوره مشروطه برمی‌گردد یا این وجود کم‌اند روزنامه‌هایی که پس از این همه سال، صفحه یا ستونی را به طور ثابت به کودکان اختصاص دهند. چرا این گونه است؟

روزنامه‌نگاری برای بچه‌ها هنوز جدی گرفته نشده همان‌گونه که ادبیات کودک و نوجوان را هم در برابر ادبیات بزرگسالان کاملاً به رسمیت نشناخته‌اند. از سوی دیگر، کار کردن برای بچه‌ها کار بسیار دشواری است. تو باید عاشق کار برای این گروه سنی باشی و روحیه و دنیایشان را به خوبی بشناسی، حال آن که بسیاری از بزرگسالان دنیای کودکی خود را هم از یاد برده‌اند چه رسد به شناخت جهان کودک امروز!

روزنامه‌نگاری به رواج نقد می‌انجامد
ابراهیم حسن بیگی، نویسنده کودک و نوجوان است که گاهی نقدی هم بر آثار دیگران می‌نویسد



پس یک حلقه مفقوده در این میان وجود دارد و آن وجود نشریاتی با مخاطب عام‌تر است.

بله. دقیقاً نشریاتی که برای بچه‌ها نباشند و اگر درباره آنها هستند، باید قابل فهم و درک برای کسانی باشند که دلشان می‌خواهد با کتاب‌ها و نویسندگان، شاعران و تصویرگران خوب کودک آشنا شوند و آن را برای فرزندان خود تهیه کنند. از سوی دیگر نشریات تخصصی‌ای که درباره کودکان است، جذابیت چندانی برای خواننده ندارد و در هر شماره اسم یک سری افراد خاص در آن به چشم می‌خورد؛ نه افراد گوناگون با دیدگاه‌های متفاوت.

هدهد یک نشریه اینترنتی است؛ تا چه اندازه این گونه نشریه‌ها می‌توانند مخاطب کودک و نوجوان را جذب کنند؟

هدهد نشریه‌ای است تا کتاب‌های کانون پرورش فکری، نویسندگان و تصویرگران آن را معرفی کند. همچنین به ارائه تازه‌ترین اخبار و گزارش‌ها از انتشارات کانون می‌پردازد. پس همه پدران و مادران و مربیان با مراجعه به این نشریه اینترنتی می‌توانند با کتاب‌های تازه کانون آشنا شوند.

اگر هدف، آشنایی با تولیدات انتشارات کانون باشد که می‌توان به سایت بخش فرهنگی کانون با عنوان «تولید کانون» اشاره کرد! این نوعی موازی‌کاری نیست؟

در آنجا فقط کتاب‌ها معرفی شده‌اند، آن هم به طور مختصر و بخش‌هایی چون خبر و گزارش و مصاحبه در آن جایی ندارد.

به استقبال مخاطبان خود از نشریه اینترنتی فکر کرده‌اید؟

مخاطب این نشریه نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ ساله‌اند که معمولاً با اینترنت و رایانه، آن هم در عصر فناوری اطلاعات آشنا نیستند.

گروه سنی «ج» را دریابیم

نلی محبوب، روزنامه‌نگار است. ۱۲ سال سابقه کار در مطبوعات دارد و چند سالی است که به صورت تخصصی در حوزه کودک و نوجوان فعالیت می‌کند. انتشار ویژه‌نامه «آفتاب، مهتاب» ضمیمه کودک و نوجوان روزنامه اطلاعات که هر هفته پنج‌شنبه‌ها منتشر می‌شود نیز بر عهده اوست.

آن گونه که در ششمین جلد کتاب «تاریخ ادبیات کودکان ایران» آمده، «پیدایش نشریه‌های کودکان و نوجوانان در ایران به دوران مشروطه برمی‌گردد؛ دورانی که نوگرایان از راه نشریه‌ها، دیدگاه‌های خود را به میان مردم می‌بردند. بهبود زندگی کودکان و به‌سازی آموزش و پرورش از جمله مهم‌ترین این دیدگاه‌ها بود که با گسترش آموزش و پرورش نو و بالا رفتن نرخ سواد در میان نوجوانان، زمینه پیوند این گروه سنی با نشریه‌ها فراهم شد. به همین سبب برخی از روشنفکران بر آن شدند که نشریه‌هایی برای این گروه از مخاطبان منتشر کنند. از آنجا که آموزش علوم و فنون و گسترش دانش عمومی در میان قشر جوان از هدف‌های اصلی نوگرایان بود، نشریه‌های آن دوره نیز از قالب یک رسانه آموزشی فراتر نرفتند.»

با رشد دیدگاه‌های روان‌شناختی و پیوند آن با آموزش و پرورش، توجه به مخاطب کودک و نوجوان در نشریه‌های بزرگسالان بیشتر شد، تا جایی که برخی مطبوعات، صفحه‌ها و ستون‌هایی ویژه کودک و نوجوان باز کردند. رفته رفته این درک همگانی پدید آمد که گروه‌های مختلف جامعه نیازهای متفاوتی دارند و باید به این نیازها در نشریه‌های ویژه مخاطبان گوناگون پاسخ داد.

از آن روزگار تاکنون سال‌ها گذشته و نشریات گوناگونی درباره کودکان و نوجوانان منتشر شده است اما ویژگی روزنامه‌نگاران یا نویسندگانی که برای کودکان و نشریات آنان قلم می‌زنند چیستند؟ بابک نیک‌طلب، شاعر کودک و نوجوان و سردبیر نشریه اینترنتی هدهد، وابسته به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. به اعتقاد او، کسانی می‌توانند به نوشتن برای کودکان بپردازند که با دنیای آنها آشنا باشند و ذهن و زبان این گروه سنی را بشناسند و مطالبی خواندنی بنویسند و در اختیار بچه‌ها بگذارند. از این رو بهتر است شاعران و نویسندگان کودک در نشریاتی که برای بچه‌هاست بنویسند.

اما الزامی وجود ندارد که شاعران و نویسندگان خوب کودک و نوجوان، روزنامه‌نگاران خوبی هم باشند چون این دو، گونه‌های متفاوت نوشتاری‌اند.

خبر و گزارش نویسی چیزی نیست که شاعران و نویسندگان کودک به راحتی از عهده انجامش برآیند و بهتر است این بخش از کار به خبرنگاران و روزنامه‌نگاران سپرده شود که می‌دانند از چه منابعی می‌توانند خبر تهیه کنند، ارزش‌های خبری چیست، گزارش باید چه بخش‌هایی را دربر بگیرد و ...

بعضی نشریات، نه برای کودکان که درباره آنهاست. وضعیت این گونه مجله‌ها به چه صورت است؟

نشریاتی چون پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان و کتاب ماه، همچنین یکی از نشریات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مجلاتی‌اند که مطالبی را درباره ادبیات کودک و نوجوان در خود جای داده‌اند و کسانی که در این نشریات می‌نویسند کارشناسانی‌اند که برای پژوهشگران و دست‌اندرکاران ادبیات کودک و نوجوان قلم می‌زنند؛ نه برای بچه‌ها یا حتی پدر و مادران و مربیانشان.

نگاهی به «گفتارهایی درباره فلسفه هگل»

جستارهایی در پدیدارشناسی روح و منطق هگل

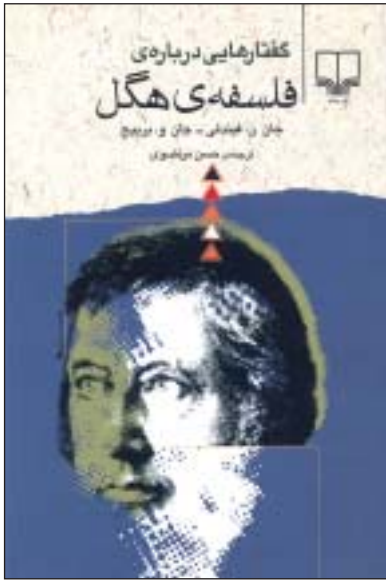
می دهد که چگونه امور با سیری دیالکتیکی ضرورتاً از دل یکدیگر سر برمی آورند و تغییر ماهیت می دهند. او نشان می دهد که هگل چگونه با آغاز کردن از امری که اینجا و اکنون پیش روی ماست، خود را به عالمی می رساند که خود، نام آن را عالم فراحسی می نهد. در ادامه با پرداختن به سیر روح در تاریخ با مفاهیمی چون فرهنگ، مذهب و انواع آن و در نهایت با دانش مطلق روبه روی می شویم؛ همان جایی که روح به خود آگاهی می رسد و خود را حقیقت همه چیز می یابد.

منطق یا دستگاه دانش

در بخش دوم این مجموعه، با ترجمه کتاب بریج به نام «مقدمه ای بر منطق منطق هگل» روبه رو می شویم. این بخش از چهار فصل تشکیل شده که فصل اول آن مانند کتاب پیشین برای تمهیدات اولیه برای ورود به کتاب منطق است و سه فصل دیگر آن بر اساس ساختار سه بخشی کتاب منطق نوشته شده که در آن سه نظریه یا دکترین هگل را به نام های دکترین هستی، ذات و مفهوم می یابیم.

در بخش مقدماتی، بریج یادآور می شود که نام منطق نباید ما را گمراه کند تا بپنداریم با کتابی از سنخ منطق صوری ارسطو روبه رو هستیم بلکه بهتر بود هگل نام کتاب را همان طور که در درسگفتارهای خود هم گفته بود، «منطق و متافیزیک» می گذاشت. زیرا کمتر چیزی که در آن حضور دارد، چیزی از سنخ منطق صوری است. برای وی منطق اندیشه ورزی اندیشه درباره فرآیند اندیشه و اندیشیدن است و این که چه پیش فرض های تلویحی ای در اندیشه های ما حضور دارند. همچنین، در این بخش بریج به خواننده نشان می دهد که چگونه منطق هگل متأثر از سنخ خرد ناب کانت و نیز فیخته است. در پایان این بخش نیز بریج نشان می دهد که پدیدارشناسی چگونه راه را برای مطرح کردن منطق هموار می کند. در واقع در پدیدارشناسی، هگل با از میان بردن شکاف میان دو عالم محسوس و نامحسوس، راهی را برای منطق می گشاید که بر اساس آن، منطق و متافیزیک با یکدیگر همپوشانی پیدامی کنند و درست به همین خاطر است که هگل در ابتدای منطق خود می گوید قسمت اول این کتاب یعنی منطق عینی همان متافیزیک است.

در سه بخش بعدی کتاب، بریج به شرح اجمالی و فصل به فصل کتاب منطق می پردازد که طی آن سه دکترین پیش گفته مورد توجه قرار می گیرند. وی در این فصل ها سرخ هابی به دست می دهد تا به کمک آنها کتاب دیرپای منطق اندکی یافتنی تر شوند. در پایان کتاب نیز کتاب شناسی بسیار خوبی درباره هگل از کتاب بریج نقل شده که برای هگل پژوهان مفید است.



باشیم که پاسخی برای تمامی مشکلات از آن به دست آوریم. بلکه اگر بتوان آن را روش نامید باید گفت روشی است که بیشتر از هر چیز نخست به محتوای خود نظر دارد و اتفاقاً از دل همان محتواست که این دیالکتیک، حرکت تکاملی آن را به پیش می برد. در پایان نیز بخشی به پاسخ به ایراد های وارد شده به دیالکتیک اختصاص داده شده که بیشتر آنها نیز برآمده از سوء برداشت نسبت به منظور هگل از آن است.

فایندلی با چنین مقدمه نسبتاً طولانی و روشنگری است که خواننده را آماده می کند تا به پدیدارشناسی وارد شود. وی در دو فصل بعدی خود نگاهی اجمالی به پدیدارشناسی می اندازد و آن را بخش به بخش گزارش می کند. از آگاهی گرفته تا خود آگاهی و نهایتاً خرد و در تمامی این مراحل، به خواننده نشان

و قابل گسترش به صورت نامحدود است زیرا توان آن را دارد که همه چیز را در خود بیابد و در عین حال از تمام آنها فرارود. درست در همین جاست که دیگر نمی توان گفت روح امری شخصی و مختص به من است زیرا امری است که بنا به ماهیت خود از تمایز بین اشخاص فرامی رود. اما این فرارفتن از امور متعین سبب آن نمی شود که بپنداریم روح چون جوهری متعال و قدسی بی نیاز از هر امر متعینی است بلکه برعکس باید گفت که روح گرچه از همه امور متعین فرامی رود و آزاد است و همه آنها را در خود دارد اما تا چنین امری نباشند، روح هیچ گاه نخواهد توانست چنین کاری را انجام دهد. از سوی دیگر، آن زمان که روح دریابد که حقیقت مطلق است، یعنی حقیقت همه چیز است، می توان گفت که روح خود آگاه شده و به کمال خود رسیده است. در ادامه، فایندلی به سرچشمه های روح هگلی در کارهای پیش سقراطیان، ارفان قرون وسطایی چون مایستر اکهارت، یاکوب بومه، کانت و فیخته می پردازد. در پایان نیز وی به مشکلاتی پاسخ می دهد که ممکن است در فهم و تصور این روح رخ دهد. به عنوان نمونه، او معتقد است نباید روح را با من شخصی یکی گرفت یا این که معنای این که هگل می گوید: «روح حقیقت همه چیز است»، چیست.

در فصل سوم کتاب، فایندلی به توضیح و تبیین مفهوم چالش برانگیز «دیالکتیک در هگل» می پردازد و البته باید در نظر داشت که به واسطه استفاده گشاده دستانه مارکسیست ها از این مفهوم، چنین کاری بسیار لازم است. در این راستا وی نخست به روش های استدلالی در فاهمه و خرد می پردازد و نسبت دیالکتیک را با آنها مشخص می کند و در نهایت نیز نشان می دهد که هگل این دیالکتیک را چگونه به کار می گیرد. به عبارت دیگر، نشان می دهد که دیالکتیک هگلی چون روشی خشک و ثابت نیست که هر ماده ای را درون آن بریزیم و توقع داشته

«گفتارهایی درباره فلسفه هگل» مجموعه ای است دو بخشی که از ترجمه گزیده بخش هایی از دو کتاب مستقل درباره فلسفه هگل فراهم آمده است. این کتاب با ترجمه حسن مرتضوی به همت نشر چشمه به چاپ رسیده است. دو کتابی که منبع تهیه این کتاب بوده اند، عبارتند از «Hegel: ARE-Examination» نوشته جان ن. فایندلی (۱۹۰۳ - ۱۹۸۷ م) که در سال ۱۹۵۸ برای نخستین بار به چاپ رسید و «The Logic of Hegel, s Logic: An Introduction» نوشته جان و. بریج (۱۹۳۶ - م). مترجم از کتاب فایندلی بخش مربوط به پدیدارشناسی روح و از کتاب بریج بخش مربوط به منطق بزرگ را انتخاب کرده است.

تمهیداتی برای ورود به پدیدارشناسی روح
فایندلی، پیش از آغاز شرح کتاب پدیدارشناسی، پیشگفتاری مفید و راهگشا درباره هگل و کج فهمی هایی که درباره فلسفه او رخ داده، آورده است. در این پیشگفتار که در قالب سه فصل اولیه کتاب ظاهر می شوند، وی نخست به تصحیح سوء برداشت هایی می پردازد که درباره هگل مرسوم اند. امری مانند این که هگل را فردی بدانیم که به موضوعاتی فراسوی حوزه تجربه مامی پردازد. به دیگر سخن این که بپنداریم منطق هگلی امری در فراسوی تجربه ها و فعالیت های انسانی است، کاملاً نادرست است همان طور که خود وی می گوید مطلق امری است یکسره حاضر و چیزی بر فراز چیزها یا زیر آنها نیست. یا این که هگل را فیلسوفی «سوئزکتیویست» بپنداریم که مانند برکلی بودن چیزها را معادل درک شدن آنها بگیرد. همین طور انتساب این صفت به هگل نادرست است که بگوییم او می خواهد با استفاده از یک سری قواعد پیشینی و مفروض مفهومی به نحو قیاسی یا ریاضی عالم را تبیین کند. زیرا وی روشی کاملاً مخالف این روش را تبلیغ می کند که همانا رفتن از چیزها به سوی قواعد است نه فرود آمدن از قواعد به سوی چیزها و مطابقت ساختن آنها با کلیشه ها. درست در همین جاست که لازم می آید درباره دیالکتیک در هگل به عنوان یکی از مهم ترین عناصر فکر او سخن گفت که فایندلی در فصل سوم همین کتاب به آن می پردازد. اما پیش از آن در فصل دوم کتاب، مفهوم روح را مطرح می کند.

در این فصل، فایندلی می کوشد تا ابتدا نشان دهد که با توجه به نقل قول هایی از هگل منظور وی از روح چیست، سپس ریشه های تاریخی این مفهوم پیش از هگل را بررسی می کند. بدین ترتیب خواننده درمی یابد که روح هم ابژه و هم سوژه خود آگاهی است. گرچه ارجاع روح همواره به «من» است که هنگام انجام کارهایم از آن آگاهم اما در عین حال این من امری متعین و خاص نیست بلکه امری بی کران

مشکل فهم ترین فیلسوف تاریخ

گئورگ ویلهلم فریدریش هگل، فیلسوف آلمانی در ۲۷ اوت ۱۷۷۰ میلادی در اشتوتگارت، واقع در جنوب غربی آلمان، به دنیا آمد. از کودکی در زمینه های گوناگونی مانند ادبیات، فلسفه و موضوعات مختلف دیگر به مطالعه می پرداخت و در این کار از حمایت و تشویق مادرش (که سهم فراوانی در پرورش فکری وی در کودکی داشت) برخوردار بود. پدر او از کارمندان دولت بود. هگل شیفته آثار اسپینوزا، کانت، روسو و گوته بود. او تحصیلات دینی خود را در مدرسه دینی پروتستان ادامه داد؛ جایی که با فیلسوف آینده فردریش شلینگ و شاعر، فردریش هولدرلین همکلاس و دوست شد. این سه تن با هم در توجه به انقلاب فرانسه و انتقاد از فلسفه کانت همراه بودند. هگل در دوران زندگی خود تنها چهار کتاب منتشر کرد. «پدیدارشناسی روح» (یا پدیدارشناسی ذهن)، «علم منطق»، «دایرة المعارف علوم فلسفی» و «مبانی فلسفه حقوق». وی همچنین شماری مقاله نیز به چاپ رساند. آثار هگل به مشکل فهم بودن مشهورند. برتراند راسل در «تاریخ فلسفه غرب» وی را مشکل فهم ترین فیلسوف غرب معرفی می کند.

مژده ای برای هگل دوستان

حسن مرتضوی، ترجمه گزیده ای از دو کتاب «بازنگری هگل» به قلم جان ن. فایندلی و «درآمدی بر منطق منطق هگل» نوشته جان و. بریج انجام داده که بسیار کارآمد و راهگشاست. کتاب فایندلی یکی از پژوهش های بسیار معتبر و کلاسیک درباره هگل است اما کتاب بریج کتابی است برای آشنایی ابتدایی با منطق هگل. از همین رو می توان گفت که مخاطبان دو کتاب تا اندازه ای از هم متفاوتند. ناگفته نماند که کتاب بریج به عنوان یکی از بهترین کتاب های مقدماتی برای آشنایی با منطق هگل به شمار می رود. مترجم کتاب سعی داشته با توجه به دو کتاب اساسی هگل، یعنی پدیدارشناسی روح و منطق، مجموعه ای را فراهم کند تا بتواند هر دوی این آثار را پوشش دهد؛ به همین خاطر از کتاب فایندلی بخش مربوط به کتاب پدیدارشناسی روح و از کتاب

بریج بخش مربوط به هگل را گزیده است. همچنین، با توجه به ناشناخته تر بودن منطق نسبت به پدیدارشناسی نزد خوانندگان فارسی زبان، شاید بتوان گفت که به نحوی، خوش ذوقی مترجم بوده که برای منطق، کتاب مقدماتی تری را انتخاب کرده است. همچنین، کتاب فایندلی در ۳۷۲ صفحه به زبان انگلیسی چاپ شده که در مجموعه کنونی چیزی کمتر از نصف آن آمده و کتاب بریج هم به زبان انگلیسی حدود ۱۶۰ صفحه است که در این مجموعه حدود دو سوم آن ترجمه شده است. در هر دو کتاب بخش مربوط به دانشنامه علوم فلسفی حذف و صرفاً به دو کتاب پیش گفته پرداخته شده است. در پایان، پیش از هر چیز می توان این مژده را داد که پس از مدت ها، کتابی درباره هگل با ترجمه ای خوب و روان و برگرفته از آثاری بسیار روشنگر و معتبر به بازار آمده که هم بسیاری از برداشت های نادرست از هگل را از میان برمی دارد، هم تصویری هر چند اجمالی اما منظری

درست به آنها ارائه می کند. در کنار تقدیر فراوانی که از ترجمه روان و قابل قبول کتاب باید کرد، نکاتی اجمالی نیز به نظر می آیند از جمله این که این دو کتاب به تنهایی شایستگی و ارزش آن را داشتند که به طور مستقل و کامل چاپ شوند و بسیار شایسته بود اگر چنین اتفاقی می افتاد. نکته دیگر این که درباره اصطلاحات به کار گرفته شده در کتاب نیز واژه شناسی کامل تری برای کتاب لازم است چرا که برای برخی اصطلاحات مانند «امر لاهوتی» یا «پیش اندر - نگار» نمی توان معادلی در واژه شناسی یافت. همچنین درباره واژه های آلمانی که در پاورقی نقل شده اند در کتاب هیچ معادل انگلیسی با توجه به انگلیسی بودن هر دو منبع اصلی کتاب - پیدانمی شود. دیگر این که واژه نامه فارسی - انگلیسی در آخر کتاب از واژه نامه انگلیسی - فارسی با توجه به فارسی بودن کتاب بیشتر به کار می آید که جایش خالی است.

مردی ز شهر هرگز و از روزگار هیچ

مظاهر زبان تازه و شعر کهن مصفا

خراسانی گنجشک (چغوک)، ایهام موجود در «غور» (که هم به صدای قورباغه اشاره دارد و وهم به غار و غور شکم در هنگام گرسنگی که شاعر آن گرسنگی فیزیولوژیک را به آگاهی و اندیشه ورزی مرتبط کرده) و نشان دادن استادانه واژه ها و فعل ها و ترکیب های کهن در متن چنین شعری، چون «بودمی»، «از ماه تا ماهی» و «حلقه در گوش».

بیت «بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران/ کز سنگ ناله خیزد، روز وداع یاران» سعدی را همه شنیده ایم. مصفا تضمینی از این بیت دارد: «بگذار تا بگیریم بر دامن شب ای شب/ بگذار تا بسوزم در آتش تب ای شب» که قصیده است. اما بحث بر سر این تضمین نیست - بر سر تکرار مضمون شب و سرما در شعرهای مصفاست. او در شعر دیگری در قالب قطعه می گوید: «دم گرمی نیافتم همه عمر/ شاد آن دم که سرد می گردم/ نیم مردی نمانده است و هنوز/ من به دنبال مرد می گردم.../ پا و سر، دست و گرده و گردن/ همه در دست درد می گردم...» و در قصیده ای با نام «شب»: «سنگینی و سیاهی و سردی، شب/ بر دوش من چو پشته دردی، شب.../ برد عجور اگر چه نه ای پیشم/ ناخوش تراز عجزه بردی، شب/ سردی و دردم این که ز بی دردی/ با اهل درد، گرم نبردی، شب/ شترنج نیستی که کنم تدبیر/ تقدیر ناگزیر، چو نردی، شب...» که از خوش ساخت ترین قصیده های مصفاست. این تم، یعنی پیوند شب و سرما و تقدیر و بهبودی حیات و باطل بودن عمری که پشت سر گذاشته شده، در قریب به اتفاق شعرهای مصفا تکرار می شود. گزینیه اشعار مظاهر مصفا در شمارگان ۱۱۰۰ نسخه از سوی انتشارات مروارید منتشر شده است.



می برد/ لحظه ای چند یک سر از هوشم...» نیاز به تعریف و تمجید ندارد. حتی حیف است که با ذکر صنایعی که در بیت آن به کار رفته، بحث را مطول و پیچیده کنیم؛ چون شاعر خودش از «پیچ و پوچ اندیشه» گله دارد، ولی دریغ می آید اشاره نکنم به موثر بودن معنای جناسی که بین پیچ و پوچ هست (و نظیرش در شعر بسیار کم دیده شده؛ چون جناس اصولاً یک صنعت بدیعی لفظی است و کم اند شاعرانی که آنقدر تسلط داشته باشند که از این صنعت استفاده معنایی موثری هم بکنند). کاربرد هوشمندانه برابر

روبه روایم که نحو زبانی آن، ما را گاه به چند سده پیش تریزمی گرداند. طراوتی که از آن گفتم اینجاست. مصفا درونمایه مدرن را در قالبی کلاسیک ریخته. تصویرهایی که در این چارپاره داده، چون «بدری که هلال شده، تیری که کمان شده، شکر شکن دو لعل بدخشان، گیسوی تاب خورده، دو چشم جادو، چنبر ملال و دو رشته در درخشانی که باج سپیدرویی از عاج می گیرد» همگی از فضای ادب کلاسیک وارد شعر شده اند.

در شعری دیگر، با چنین بیتی مواجه می شویم: «با هیچ حساب باز کردی/ تا این همه سوز و ساز کردی». حساب باز کردن، ترکیبی مربوط به زندگی امروز است که در کنار ترکیبات بسیار دیگری از ادب کهن در این شعر نشسته است. مصفا چنان با ظرافت این همنشینی ها را صورت می دهد که نه تنها توی ذوق نمی زند، بلکه تاثیر گذاری ویژه ای را هم در بر دارد. با این حال در شعرهای دیگر وی، حال و هوای شعرهای کلاسیک امروز بیشتر نمایان است. در چارپاره «آرزوی محال» می نویسد: «کاشکی بودمی یکی غوکی/ زیر سنگی کنار مردابی/ آبی و خزه زاری و خزه ای/ جست و خیزی و خوردی و خوابی/ زیر نور طلایی خورشید/ بر سر تخته سنگ می خفتم/ خواب مرداب و خزه و خزه را/ همه در گوش سنگ می گفتم.../ غافل از پیچ و پوچ اندیشه/ فارغ از غار و غور آگاهی/ هیچ خواننده ز خاک تا افلاک/ پوچ دیده ز ماه تا ماهی.../ می شنیدم ز دور، وقت به وقت/ بغ بغوی کبوتر چاهی/ در پی جفت رفته دورتر/ از لب بر که می شدم راهی/ هیچک جیک چغوک طوقیدار/ طوق می شد چو حلقه در گوشم/ نوحه زرد قمریک

مظاهر مصفا را همه می شناسیم، چرا که به عنوان استاد ادبیات کلاسیک، متخصص سعدی، مصحح دیوان نزاری قهستانی، سنایی، مجمع الفصحا و جوامع الحکایات، نامی شناخته تر از آن است که نیازی به معرفی داشته باشد. ولی سال ها بود آنها که قصیده هایی از او را در نشست های خصوصی شنیده بودند، در جست و جوی گزیده ای از اشعار خودش بودند؛ گزیده ای که اخیراً از سوی انتشارات مروارید منتشر شد.

بیت نخست معروف ترین قصیده مصفا را بسیاری از مادست کم یک بار شنیده ایم: «مردی ز شهر هرگز از روزگار هیچ/ جان از نتایج هرگز، تن از تبار هیچ» که نخستین شعر این کتاب است. در اینجا به برخی ویژگی های شعر مصفا اشاره می کنم. نخست این که شعر مصفا طینتی کاملاً کهن دارد؛ ولی بارهائی بنیم همین شعرهای کهن بو و کهن طعم، که در استواری، فخامت و جزالت کلام گاه پهلوی به پهلوی بهترین قصاید گذشتگان می زند، آب و رنگی امروزین می گیرند که بیشتر و بیشتر به آنها طراوت می بخشد. مثلاً در چارپاره «آینه»: «دیدم درون آینه تصویر خویش را/ بدری هلال گشته و تیری کمان شده/ آینه ام نمود کتابی ورق ورق/ باغی زیان رسیده بهاری خزان شده/ دیدم به حال و روز کتاب وجود خویش/ بر هر ورق نشانه حالی تباه بود/ هر لفظ آن حکایت ماهی پر از ملال/ هر سطر آن روایت سالی سیاه بود.../ این خنده نیست، آرزوی گریه ای است تلخ/ این دیده نیست، صورت چشمی است بی نگاه/ شور نشاط نیست درین خنده دروغ/ موج امید نیست درین دیده تباه...» اینجا ما با یک چارپاره کلاسیک

درباره «جمعه - خیابان ولیعصر»

شاعری کلاسیک در پی شعر سپید

و حسن مطلع نیز هست. اما همین شاعر، در شعر سپید، بارها گرفتار حشو می شود. علت چیست؟ به گمان من علت این است که او عادت به نحو کلاسیک دارد. به این معنا که تخیلش باید در ساختاری کلاسیک جا بگیرد تا خوش بنشیند.

تخیل در شعر سپید، عموماً در بافتی بسیار فشرده تر از شعر کلاسیک متبلور می شود. این است که وقتی در یکی از شعرهای این مجموعه می خوانیم: «قافیه ای نمی دهید/ به شاعری که حالا می لنگد؟/ من با دمشق چه کنم/ وقتی که از عشق دیوانه ام؟/ در همین تهران اسفندماه/ مرا ببخش/ که برایت چراغ جادو نخریدم/ النگوهایت را فروختم/ و ستاره ای نبودم با چشم های براق/ برایم



اسفند دو کدن/ امشب به جای شام/ شعر می خوریم/ تهران و دمشق را قافیه کرده ام»، می مانیم برای مضمونی که شاعر در ذهن دارد، آیا واقعاً این همه کلمه لازم است؟ آنچه شاعر دارد می گوید بسیار ساده است: شاعری هست که آنقدر وضع مالی اش بد است که النگوهای زنش را هم فروخته. با این حال عاشق زنش هم هست. می خواهد بین عشق و وضع بد اجتماعی و اقتصادی که در تهران می بیند و گرفتار آن است، ربطی پیدا کند تا به عشقش

ولی دست کم جهاتی مشخص را بپذیرد تا بتواند بیان شود. آنچه تخیل را در این جهت ها محدود می کند، نحو زبان است. برای مثال از سویی انسجام ساختاری متن - که پایه تعریف آن نیز نحو زبان است - تخیل را در یک فضای کلی باز تعریف می کند و از سوی دیگر، عدم انسجام ساختاری متن، به ویژه در مواقعی که این عدم انسجام هدف و کارکردی مشخص داشته باشد، فضاهای موازی متخیل ایجاد می کند که در قالب یک شعر، همزمان، حیات دارند.

و حالا از این سه بند، برسیم به مجموعه شعر آرش شفاعی، «جمعه - خیابان ولیعصر».

این کتاب دو بخش دارد؛ بخش اول با عنوان «هنده شهر کامل

است» مجموعه شعرهای سپید است و بخش دوم با عنوان «چهارراه های احتمال»، شعرهای نیمایی را در بر دارد. و لسی آرش شفاعی ذاتاً کلاسیک سراسر است؛ و یا ما بیشتر با شعرهای کلاسیکش آشنایم و عادت داریم که شفاعی را در پاره ای بیت ها، ملبس به ردای متخصص شاعران کلاسیک ببینیم؛ در بیت هایی چون: «خاک آتش شد: نسیمی از فراتی می رسد؟/ آسمان فرمود: آری التفاتی می رسد!» که مطلع یکی از غزل های اوست

نحو، تخیل ساز است. این جمله را از آن جهت می نویسم که موافقت خود را با نظر بسیاری دیگر از دوستان ابراز کنم که نحو زبان را سازنده و نه منشأ تخیل، می شناسند. درباره منشأ تخیل، من چیزی نمی دانم، اگر چه بسیاری دوستان نظراتی دارند و در کتاب های مختلف هم حرف های زیادی گفته شده اما تنها همین را می دانم که سازنده تخیل در نثر و شعر، نحو زبان است. شکل عمومی این نحو در سه حوزه شعر کلاسیک، شعر نیمایی و شعر سپید کاملاً متفاوت است؛ چرا که دو حوزه نخست از این سه حوزه (کلاسیک و نیمایی) در قالب هایی ریخته می شوند که تا حد زیادی آن قالب هاست که نحو زبان را مشخص می کند و دست کم، بدان سمت و سو می دهد.

از این بحث تا حدی کلی، می خواهم به پاسخ این پرسش برسیم که چرا کلاسیک سراسرانی که در شعر کلاسیک صاحب آثار موفقتند، در بسیاری مواقع، در شعر سپید و نیمایی درجانی زند؛ تا آنجا که شعرهایشان طینتی گاه به غایت مبتدی می گیرد. متأسفانه که ناچارم بگویم حتی بزرگی چون حسین منزوی نیز در شعرهای غیر کلاسیکش، از این قاعده مستثنی نیست. وقتی این امر درباره منزوی هم صدق می کند - که البته این مطلب برای اثبات مورد خاص منزوی نوشته نشده - تکلیف شمار زیادی از کلاسیک سراسرانی دیگر تا حدودی مشخص می شود. شعر به تخیلی که آن را پشتیبانی می کند شعر است. از یک سو تخیل از شعریت شعر پشتیبانی می کند و از سوی دیگر، شعر به تخیل راستا و سمت و سو می دهد. تخیلی که در روپار دازی های روزانه می تواند به آزادانه ترین شکل ممکن بال و پر بگیرد، در شعر ناچار می شود اگر نه یک جهت مشخص،

مشروعیت ببخشد. یعنی خودش را تبرئه کند از بی پولی و زندگی سخت زنش. توی ادبیات کلاسیک می گردد، می بیند نام یک شهر هست که با عشق قافیه می شده (دمشق). بعد سعی می کند با تکنیک های شعری، تهران را بگذارد جای دمشق تا خودش را گذاشته باشد جای عاشق و با شعر، به عشقش مشروعیت ببخشد. کار بسیار خوبی است. قصد من نقد نوع نگاه شاعر به شعر نیست. صرفاً می خواهم بگویم این همه کلمه لازم نیست؛ اگر چه همین مضمون را در شعر کلاسیک، مثلاً غزل، می شد تا ده بیت کش داد. این که شاعر مستقیمابه قافیه (بین عشق و دمشق) اشاره می کند، این که نام عشق و دمشق را در شعر می آورد و به آن هم حتی بسنده نمی کند و نام تهران و عشق را هم ذکر می کند، مصداق پاره ای کارکردهای ذهنی است که به نحو زبانی مرتبط با تخیل کلاسیک عادت کرده است. در شعر کلاسیک، وجود این بازی های کلامی به بیت، ریتم موسیقایی، حسی و معنایی می بخشد ولی همین بازی هاشاعر سپید را از ریتم می اندازند.

با این حال شعرهای سپید شفاعی، در همین مجموعه، ویژگی های مثبتی دارند که نمی توان نادیده گرفت: فضای حسی شعرها پر داخت خوبی دارند. پایان بندی ها نیز عموماً موثرند و شعرها را ختم به خیر می کنند. درباره شعرهای نیمایی این مجموعه باید در مجال دیگری نوشت. اگر چه تصورم بر این است که تاکید خود شفاعی هم بیشتر روی شعرهای سپیدش بوده است.

«جمعه - خیابان ولیعصر» اخیراً در شمارگان ۱۱۰۰ نسخه از سوی دفتر شعر جوان منتشر شده است.



سجاد صاحبان زند

«رابت فراست» یکی از شاعرانی است که شعرهایش به مسائل انسانی توجه ویژه‌ای دارد، مسئله‌ای که شعرش را به طبیعت نزدیک می‌کند. بهروز حاجی محمدی در کتابی که به تازگی منتشر کرده و عنوان آن را «انسان‌گرایی در شعر رابت فراست» گذاشته، به وجوه دیگری از این شاعر پرداخته است. وی که کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دارد، آثاری همچون «آنتوان چخوف؛ شش داستان و نقد آن»، «فرانتس کافکا» نوشته رونالد اسپیرز و بناتریس سندبرگ و «آخرین بازی» و «در انتظار گودو» نوشته ساموئل بکت را تالیف و ترجمه کرده است. وی همچنین دو کتاب «تی.اس. الیوت؛ نقد ساختاری مجموعه‌ها» و «شخصیت‌های اصلی آثار کافکا» را در دست انتشار دارد. گفت‌وگوی زیر به مناسبت انتشار کتاب «انسان‌گرایی در شعر رابت فراست» با این پژوهشگر انجام شده است.

«انسان در شعر رابت فراست» در گفت‌وگو با بهروز حاجی محمدی

شعر فراست؛ از انسان تا بی‌نهایت

به طور کلی توجه به اشعار رابت فراست در این کتاب بیشتر مفهومی است تا ساختاری، یعنی بیش از آن که به ساختار شعر، موسیقی کلام و سایر مسائل مشابه توجه داشته باشم، مفهوم شعر را به فارسی برگردانده‌ام، چراکه در این کتاب چندان نمی‌خواستم به ظرایف زبانی پردازم و هدفم، توجه به محتوا و معنای موجود در شعر فراست بود.

شما در این کتاب اشعاری را آورده‌اید و سپس به تفسیر آنها پرداخته‌اید. این سوال مطرح می‌شود که این شیوه هنوز تا چه اندازه مورد توجه پژوهشگران است؟

من به غیر از یکی دو مورد، اشعار را به طور کامل در کتاب نیاورده‌ام. بخش‌هایی از شعر را در کتاب استفاده کرده‌ام که در تحلیل مورد نظرم مورد احتیاج بوده‌اند، یعنی اشعاری که مرتبط با تئوری مورد نظرم بوده‌اند را آورده‌ام و سپس تحلیل و تفسیر مورد نظر را آورده‌ام.

سوالم این بود که آیا آوردن اشعار و سپس ارائه تفسیری از آن، هنوز در سطح متون آکادمیک مورد توجه قرار می‌گیرد؟

بله، در اینجا دو مبحث مطرح می‌شود. اول آن که آیا می‌توان این نکته را مطرح کرد که تنها تفسیر و معنایی که من بر اشعاری می‌آورم درست است یا آن که اشعار می‌توانند با تفسیری دیگر نیز مطرح شوند؟ پاسخ من به این سوال این است که هر شعری را می‌توان به چند شیوه مورد تفسیر قرار داد. این ادعا به هیچ وجه صحیح نیست که درست‌ترین تحلیلی که از یک شعر ارائه می‌شود، تحلیلی خاص و مرتبط به یک نفر است. هر شخصی با توجه به تجارب و زاویه دیدش نسبت به شعر، نگاهی خاص دارد. مثلاً برخی اشعار مولانا که به ظاهر به اعتبار موسیقی شان مورد توجه‌اند، چند معنی را در دل دارند. حال ممکن است برخی تنها به موسیقی کلام توجه کنند و برخی دیگر به معنای آن، هر کس از زاویه دید خود به مسئله نگاه می‌کند.

نگفتید که آیا این شیوه تحلیلی هنوز در محافل آکادمیک به کار گرفته می‌شود یا نه؟

وقتی شما باید نقل نکته‌ای را با اطلاعات مستند کنید تا مخاطب بداند که شما در چه موردی نوشته‌اید، باید قسمت‌هایی از شعرش را نقل کنید. به نظر من شیوه در اغلب متون مشابه هم وجود دارد و پژوهشگران از آن استفاده می‌کنند. ممکن است شیوه کار کمی متفاوت باشد، اما به هر حال از این شیوه استفاده می‌شود.

کسانی که می‌خواهند در عرصه شعر غربی کتاب بنویسند، تا چه اندازه نیازمند شعر فارسی و به ویژه شعر کلاسیک فارسی هستند؟

شنبه‌ها، خواننده‌ها و تجارب من نشان می‌دهد که شناخت شعر فارسی به پژوهشگری که در مورد اشعار غربی کار می‌کند، کمک بسیاری خواهد کرد، به ویژه کسانی که در حیطه ادبیات تطبیقی کار می‌کنند. در واقع ادبیات از یک سری زیرمجموعه‌ها و مولفه‌ها تشکیل شده که در همه جهان یکسان است. هنرمند در هر جای جهان که باشد، به این مولفه‌ها توجه خواهد کرد و به همین دلیل معتقدم کسانی که می‌خواهند به شناخت شعر در عرصه جهانی دست یابند، باید شعر اقلیم خود را به خوبی بشناسند.



به دنبال چنین مسائلی هستند. البته منظورم این نیست که مخاطبان فرضی من تنها دانشجویان یا دانشگاہیان هستند، بلکه تمام کسانی را در نظر دارم که به این مباحث علاقه‌مندند. یعنی به این فکر می‌کنم که اگر کاری را به قصد انتشار شروع می‌کنم، مباحث نو و در عین حال اساسی‌ای را پیش روی مخاطب بگذارم. کتابنامه‌ای که در انتهای کتاب آمده هم در همین راستاست؟

بله. این کتابنامه مخاطبان کمک می‌کند تا منابع بیشتری را برای تحقیق در اختیار داشته باشند. همچنین برای مخاطبان جدی‌تر کتاب، متن انگلیسی اشعار در آخر کتاب آمده تا بتوانند این متون را با ترجمه فارسی مقایسه کنند. البته ترجمه من در این کار و

اگزستانسیالیستی را مورد توجه قرار می‌دهد به این معنا که انسان در نظام هستی دارای وظایفی است که نمی‌تواند از آن بگریزد. او این نکته را مطرح می‌کند که انسان در برابر مسیری دوگانه تنها از یک مسیر می‌تواند رد شود و در این صورت سرنوشتی در انتظار اوست، حال اگر از مسیری دیگر می‌رفت، سرنوشتی دیگر می‌یافت. این همان مسئله وجودگرایانه است که ژان پل سارتر هم مطرح می‌کند. البته من نخواسته‌ام که این مبحث را خیلی مورد توجه قرار دهم، اما به هر حال می‌خواستم نشان دهم که «تصادف و سرنوشت»، بخشی مهم و جدانشدنی اندیشه فراست به شمار می‌آید.

شما اشاره کردید که کلید اولیه کتاب در دوران دانشجویی‌تان خورده است. برای نوشتن این کتاب چقدر زمان صرف کرده‌اید؟

شاید زمانی را که به طور فشرده برای نوشتن این کتاب صرف کرده‌ام، یک و نیم تا دو سال باشد، اما این مسئله سال‌ها برای من مطرح بوده است. علاوه بر این در کنار این کتاب، پژوهش‌های دیگری را هم در نظر داشته‌ام؛ به عنوان مثال پژوهش‌هایی را درباره تی.اس. الیوت و ساموئل بکت انجام داده‌ام. من همواره روی این نویسندگان کار کرده‌ام، اما کاری را که به طور عینی روی فراست انجام داده‌ام حدود دو سال زمان برده است.

شیوه‌ای که شما در این کتاب مورد استفاده قرار داده‌اید، آکادمیک است. سوالم این است که چقدر این مسئله برای شما مهم است و تا چه اندازه آن را به دانشجویان پیشنهاد می‌کنید؟

حقیقتش این است که من در بسیاری از موارد، وقتی کاری را شروع می‌کنم، هدفم این است که نتیجه کارم تبدیل به کتاب شود و ماخذی باشد برای کسانی که

شاعران بسیاری در جهان به مسئله انسان و مصائب آن پرداخته‌اند. در این میان چرا شما رابت فراست را برگزیدید؟

تنها در مورد این شاعر کار نکرده‌ام، بلکه روی شاعران دیگری هم کار کرده‌ام که از میان آنها، پژوهش‌م در باره تی.اس. الیوت در حال انتشار است. اما کار من درباره فراست، از زمانی شروع شد که پایان‌نامه‌ام را با موضوع «طبیعت در شعر رابت فراست» ارائه دادم. بعد از ارائه پایان‌نامه این موضوع با من همراه بود تا این که به موضوع انسان‌گرایی در شعر این شاعر رسیدم و آن را مورد پژوهش قرار دادم.

شما در این کتاب، رابت فراست را محملی برای توجه به انسان‌گرایی قرار داده‌اید. کمی در این باره بگویید.

در همان زمانی که طرح اولیه پایان‌نامه‌ام را به استاد راهنمایم دکتر مقدادی ارائه کردم، ایشان از من پرسید که می‌خواهم طبیعت‌گرایی فراست را مورد توجه قرار دهم یا نکاتی دیگر را درباره این شاعر در نظر دارم؟ من در آن پایان‌نامه قصد داشتم تا از مسیر نگاه به طبیعت، هستی‌شناسی فراست را بررسی کنم اما آنچه در نهایت طرحم را دربر گرفت، رابطه انسان و طبیعت در شعر فراست بود. یعنی این شاعر مسیری را در شعرهایش ترسیم می‌کرد که نشان دهنده رابطه انسان با جهان پیرامونش است. من این پایان‌نامه را به عنوان یک فصل در کتاب اخیرم مورد استفاده قرار داده‌ام. در دو فصل دیگر به «انسان و پذیرش محتوا» و «انسان و رابطه‌اش با دیگران» پرداخته‌ام و در واقع می‌توان آنها را دغدغه‌های فلسفی فراست دانست که در بسیاری از شعرهایش نمود می‌یابد. به نظر من این مسائل کم‌توجهی شده و به همین دلیل من به آنها پرداخته‌ام.

پژوهشگران فراوانی روی اشعار رابت فراست کار کرده‌اند. آیا کتابی در این باره به زبان انگلیسی منتشر شده و مورد استفاده شما بوده است؟

بله. کتاب‌های متعددی درباره رابت فراست منتشر شده و این آثار مورد استفاده من بوده‌اند. به طور مثال کتابی که در انتشارات کمبریج در این باره منتشر شده اثری است که فراست را خیلی خوب معرفی می‌کند.

هیچ‌یک از این کتب، انسان‌گرایی را به طور اخص در شعر فراست مورد توجه قرار داده‌اند؟

نه. کتابی که به طور اخص این موضوع را مورد توجه قرار داده باشد، ندیده‌ام اما من در این کتاب به مسائلی توجه کرده‌ام که پیش از این آن را در کتابی دیگر ندیده بودم، به عنوان مثال بحث «انسان و پذیرش امر محتوم» را من برای نخستین بار در شعر فراست بررسی کرده‌ام یا مثلاً فراست شعری دارد با عنوان (design) که آن را با عنوان «مشیت» ترجمه کرده‌ام. در این شعر که زبان بسیار ساده‌ای هم دارد، هستی‌شناسی فراست به طور بارزی خودنمایی می‌کند و فراست در عنوان این شعر از نوعی کنایه استفاده می‌کند. چنانچه می‌دانیم design به معنای طرح نیز هست و شاعر معنای «طرح مسائل طبیعی» را در عنوان شعرش در نظر داشته است. او در این شعر به معنا و مفهوم امر محتوم پرداخته است. در شعری دیگر که من آن را با عنوان «جاده‌های نرفته» ترجمه کرده‌ام، فراست نوعی معنایی

درباره رابت فراست

شاعری با زندگی پرنشیب و فراز

رابت لی فراست، ۲۶ مارس ۱۸۷۴ در سانفرانسیسکو چشم به جهان گشود. مادرش آموزگار و پدرش روزنامه‌نگار بود و نام او به یاد ژرژ آل. لی. نام‌گذاری شد. در ۱۸۸۰ به کلاس اول رفت، اما در مدرسه دوام نیاورد و در ۱۸۸۱ نیز همین روش را در پیش گرفت. خانواده‌اش سال ۱۸۸۲ پذیرفتند که در خانه و با آموزگار سرخانه درس بخواند و در همین ایام آموزگار دریافت که وی در تنهایی صداهای دیگری را می‌شنود و مادرش را آگاه کرد که وی از موهبت شنبوایی و بینایی خارق‌العاده‌ای برخوردار است. در پنجم می ۱۸۸۵ هنگامی که رابت فراست یازده ساله بود، پدرش بر اثر بیماری سل درگذشت و مادر پس از پرداخت تمامی هزینه‌های خاک سپاری تصمیم گرفت با دو فرزندش رابت و جنی برای ادامه زندگی به «لورنس» ماساچوست نزد خانواده‌اش برود و این در حالی بود که مادر فقط ۸ دلار در جیب داشت. سال ۱۸۹۰ هنگامی که رابت فراست، با عنوان دانش‌آموز ممتاز، مدرسه ابتدایی را تمام کرده بود، نخستین شعرش را در بولتن مدرسه به چاپ رساند و نوزده ساله بود که مجله‌ای محلی یکی از اشعارش را به پانزده دلار خرید. پدر بزرگش او را همواره از شاعری منع می‌کرد و به او گوشزد می‌کرد که گذران زندگی از این راه ممکن نیست، اما این سخنان در رابت جوان تأثیری نداشت، چراکه سرنوشت او پیشاپیش نوشته شده بود. او در سال ۱۸۹۱ پس از پایان بردن دوره دبیرستان در امتحان ورودی کالج هاروارد پذیرفته شد و نیز سردبیر بولتن آنجا شد. پس از آن رابت چند سالی دیگر در آمریکا ماند و به کشاورزی پرداخت و چون کشاورز کامیابی نبود، همزمان آموزگاری کرد، به طوری که اول به صورت نیمه وقت و سپس تمام وقت در آکادمی پینکرتون به تدریس ادبیات انگلیسی پرداخت. در این میان شعر هم می‌سرود و به گاهنامه‌های گوناگون می‌فرستاد که گهگاهی به چاپ می‌رسید. اما ناگهان در سال ۱۹۱۲ تصمیم گرفت با خانواده‌اش به انگلیس مهاجرت و تمامی زندگی خود را صرف نوشتن کند. او در سال ۱۹۱۳ جایزه پولیتزر را برای مجموعه اشعارش دریافت کرد. پنج سال بعد کتاب «زنگ دوردست» او به چاپ رسید که این اثر در سال ۱۹۳۷ باز هم جایزه پولیتزر را دریافت کرد. فراست جایزه‌های متعددی کسب کرد که از جمله آنها می‌توان به بولینگن، مدرک دکتری افتخاری برکلی و جایزه دولتی اتحادیه جماهیر شوروی اشاره کرد. فراست در ۲۹ ژانویه سال ۱۹۶۳ بعد از طی یک دوره بیماری سخت درگذشت.



در گفت و گو با مدیر کتابخانه حسینییه ارشاد مطرح شد

ضرورت همزیستی منابع دیجیتال و سنتی کتابخانه ها

همه روشن است. به همین دلیل در کتابخانه حسینییه ارشاد در کنار آموزش استفاده از برگه دان، کلاس های استفاده از نرم افزار کتابخانه ای رایگان نیز برگزار می شود. به این طریق به کاربران می گوئیم اگر از برگه دان استفاده می کنید می توانید از کامپیوتر هم برای یافتن کتاب یا هر منبع اطلاعاتی دیگری که مورد نظرتان است نیز بهره مند شوید. کاربران کتابخانه های عمومی همه گروه های سنی از بچه های بسیار کوچک تا خانم ها و آقایان سالمند را شامل می شوند، مثلا بسیاری از مراجعه کنندگان، زنان ۴۰ تا ۵۰ ساله ای اند که با کامپیوتر آشنایی ندارند و ما با آموزش به آنها این مشکل را حل می کنیم. همچنین ما برای گروهی از افراد که امکان دسترسی به کامپیوتر و اینترنت را در منزل ندارند، امکان جست و جو در فضای کتابخانه به کمک کامپیوتر را ایجاد کرده ایم.»

وی در پاسخ به این سوال که فکر نمی کنید دیجیتالی شدن کتابخانه، مردم را از فضای سنتی کتاب و کتابخوانی دور می کند گفت: «در کنار دیجیتالی شدن، فضای سنتی کتابخانه را حفظ می کنیم اگر چه فهرست منابع موجود در کتابخانه را وارد کامپیوتر کرده ایم، اما برگه دان های ما همچنان وجود دارند. هر منبعی که در کامپیوتر موجود است، کارتش هم در برگه دان قرار دارد. برگه دان های خیلی از کتابخانه ها ماهی یک بار به روز می شوند اما ما کارت های فهرست نویسی را روزانه به برگه دان ها اضافه می کنیم چرا که معتقدیم موجهی نگری امر مهمی است و مردم ما هنوز خیلی اهل کامپیوتر، اینترنت، کتابخانه مجازی، ebook و ejournal نیستند. بنابراین اولویت ما به عنوان کتابخانه عمومی، امکان استفاده فیزیکی از منابع است و سعی می کنیم به تدریج به سمت دیجیتالی شدن پیش برویم.»



وب سایتان قرار خواهیم داد.»

مهرناز خراسان چی موضوع این منابع را متنوع ذکر کرد و افزود: «در تمام حوزه های علوم بشری منابع گوناگون تهیه می شود که می توان به پزشکی، مهندسی، ادبیات، هنر، علوم محض و... اشاره کرد.» وی با بیان این که صرفا رفتن به ساختمان جدید کتابخانه حسینییه ارشاد تغییر فیزیکی نخواهد بود گفت: «ما برای رفتن به ساختمان جدید برنامه های تازه ای مثل دیجیتالی کردن آرشیو داریم. همچنین با تغییر مدل وب سایت کتابخانه به نشانی اینترنتی www.h-ershad-pl.com خدمات گسترده ای به کاربران ارائه می شود. اکنون نیز کتاب های گویا در محل کتابخانه تولید می شوند که آنها را روی

گروه های سنی الف، ب و ج بسیار ساده شده است.» خراسان چی از تشکیل کمیته ای برای بخش کودکان و نوجوانان کتابخانه خبر می دهد و می گوید: «این کمیته متشکل از متخصصان کتابداری از کتابخانه ملی، کانون پرورش فکری، شورای کتاب کودک، خانه کتابدار، موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان ایران و انجمن علمی کتابداری و اطلاع رسانی ایران است که حدود چهار سال است فعالیت می کند. این کمیته تاکنون ۴۵ جلسه کاری داشته که در آنها به اهم مسائل کتابداری کودک و نوجوان کشور به ویژه در حوزه فهرست نویسی و رده بندی منابع مربوط به کودکان و نوجوانان پرداخته می شود.»

وی همچنین به منابع دیگر کتابخانه اشاره کرد و گفت: «منابع علمی این کتابخانه بسیار متنوع است که علاوه بر کتاب، شامل CD، کتاب گویا، نقشه، پوستر، مقاله و بیش از ۶۰۰ عنوان نشریه ادواری نیز می شود. همین طور بیش از ۱۵۰۰ عنوان با بیشتر از ۸۰۰۰ جلد نشریه ادواری در بخش آرشیو نشریات موجود است که قدیمی ترین آنها نشریه کاوه مربوط به سال ۱۲۹۸ است.»

مهرناز خراسان چی با اشاره به خدمات ارائه می دهند. حسینییه ارشاد در حوزه نابینایان افزود: «علاوه بر تولید منابع به خط بریل و گویا، امکان استفاده از کلاس های آموزش کامپیوتر و اینترنت را نیز برای نابینایان سراسر کشور فراهم کرده ایم.»

وی ادامه داد: «بخش کودکان این کتابخانه بسیار فعال است به گونه ای که تعداد زیادی عضو زیر ۱۶ سال از این بخش استفاده می کنند. برای رده بندی منابع کودکان از علائم رنگی (نوار و خال های رنگی) بهره گرفته ایم که به واسطه آن بازیابی منابع برای

کتابخانه حسینییه ارشاد به ساختمان جدید با مساحت ۱۲۰۰۰ مترمربع منتقل خواهد شد. رئیس کتابخانه حسینییه ارشاد با اعلام این مطلب گفت: «ساختمان جدید در چهار طبقه پشت محل فعلی کتابخانه است و تالار اجتماعات، پارکینگ و تاسیسات را هم شامل می شود. مکان فعلی کتابخانه مخزن خواهد شد و کتاب ها برای امانت دهی توسط ریل های مکانیکی به فضای جدید انتقال داده می شوند.»

مهرناز خراسان چی ادامه داد: «در حال حاضر این کتابخانه ۱۷۵۰ مترمربع مساحت دارد که بخش های مختلف از جمله نشریات، مرجع، اسناد دیداری و شنیداری، اسناد مکتوب، خدمات فنی نابینایان، اینترنت، CD و کودکان را شامل می شود.»

وی همچنین به بخش کودکان ناشنوا در این مجموعه اشاره کرد و گفت: «در دل بخش کودکان، منابع مناسب سازی شده برای کودکان ناشنوا را هم داریم که در کنار کودکان نابینا می توانند از خدمات کتابخانه ای بهره مند شوند. به همین منظور پنج مدرسه در شهر تهران به صورت رایگان تحت پوشش این کتابخانه هستند که کتابداران با کتابخانه های سیار به آن مدارس رفته و خدمات ارائه می دهند.»

خراسان چی با اشاره به فعالیت های کتابخانه حسینییه ارشاد در حوزه نابینایان افزود: «علاوه بر تولید منابع به خط بریل و گویا، امکان استفاده از کلاس های آموزش کامپیوتر و اینترنت را نیز برای نابینایان سراسر کشور فراهم کرده ایم.»

وی ادامه داد: «بخش کودکان این کتابخانه بسیار فعال است به گونه ای که تعداد زیادی عضو زیر ۱۶ سال از این بخش استفاده می کنند. برای رده بندی منابع کودکان از علائم رنگی (نوار و خال های رنگی) بهره گرفته ایم که به واسطه آن بازیابی منابع برای

توضیح یک نویسنده

با احترام، ضمن تشکر و قدردانی از در اختیار قرار دادن فرصت معرفی نوشته اینجانب در شماره پیاپی ۸۴۳ (شماره ۱۹۲) مورخ ۸۸/۵/۱۰ متأسفانه مطلبی مهم در مصاحبه به غلط درج گردیده که احتمالا ناشی از بیان بد اینجانب بوده است.

در مصاحبه مزبور از طرف اینجانب نقل شده که «همواره این سوال مطرح بوده که چرا آیت الله بهبهانی به عنوان یک شخصیت مذهبی انقلابی در سفارت انگلیس بست نشسته است.»

همان طور که می دانید و در کتاب موضوع مصاحبه نیز درج شده بست نشینی مردم در سفارت انگلیس از اقدامات سید عبدالله بهبهانی بوده و نتیجه آن پیروزی انقلاب و صدور فرمان مشروطیت بوده است لیکن ایشان هیچ گاه خود در سفارت حضور نداشته و در زمان وقوع این واقعه تاریخی وی در قم (هجرت کبری) حضور داشته است. حتی ایشان پس از صدور فرمان مشروطیت و بازگشت علما به تهران به همراه آیت الله سید محمد طباطبایی برای خارج ساختن متخصصین در مقابل درب سفارت و خارج از محوطه آن به انتظار و نظارت بر تخلیه این مکان توسط مردم مبادرت نموده اند.

شهریار بهبهانی

نسخه شناس و فهرست نویس نسخ خطی

منابع خودنوشت مفاخر فرهنگی، یاور پژوهشگرانند

فعالیت ها و زندگی دهخدا را که از چشم محققان مغفول مانده روشن کنند.»

این نسخه شناس که تاکنون فهرست نسخه های خطی کتابخانه های مهمی را تدوین کرده است، با بیان این که دست نوشته به جای مانده از گذشته اهمیت فراوانی در ضبط تاریخ دارد یاد آور شد: «مقالات و کتاب هایی که درباره شناخت زندگی و افکار بزرگان نوشته می شوند هر چند که بی نقص باشد، اما ممکن است در بیان بخشی از وقایع جزئی کامل نباشد. بنابراین منابعی که مفاخر فرهنگی به قلم خود نوشته باشند می تواند پژوهشگران را در رسیدن به حقایق یاری کند.»



اشکوری ادامه داد: «زمانی کشکول نویسی و کتاب هایی که تحت عنوان جنگ نوشته می شدند، اهمیت زیادی نداشتند، اما امروز اینها از اسناد و منابع معتبری اند که با تکیه بر آنها می توان پژوهش های دامنه داری انجام داد؛ مثلا امروز کشکول شیخ بهایی مطالب ارزشمندی دارد که ما را با افکار و اندیشه های شیخ بهایی بهتر آشنا می کند. در واقع با مقایسه کشکول شیخ بهایی و کشکول شیخ بحرینی به این نکته می رسیم که کشکول شیخ بهایی تا چه اندازه معتبر است.»

وی در پایان تاکید کرد: «حتی نامه هایی که میان چهره های برجسته رد و بدل می شود با آن که به اندازه آثار این شخصیت ها جدی گرفته نمی شود، ولی از منابع مهمی است که باید در پژوهش مورد توجه جدی قرار بگیرد. این نامه ها حاوی اطلاعات ارزشمندی اند که بیانگر ارتباط صمیمی افرادند و در شناخت ویژگی های شخصیتی و حتی برهه ای از تاریخ اجتماعی یک ملت راهگشایند.»

علی هادیلو: سید جعفر اشکوری منابع مکتوب و دست نوشته های خطی به جای مانده از مفاخر فرهنگی و رجال و مشاهیر سیاسی را از جمله مهم ترین منابع و لوازم پژوهشگران در شناخت زندگی و آثار این شخصیت ها عنوان کرد.

حجت الاسلام سید جعفر اشکوری، نسخه شناس و فهرست نویس نسخ خطی، با بیان این مطلب به خبرنگار نشریه کتاب هفته گفت: «شناخت فرهنگ و تمدن یک ملت در هر کشوری منوط به شناخت آثار مکتوب است. هر محقق در هر علمی برای آغاز پژوهش باید جست و جوی همه جانبه منابع مکتوب به جای مانده درباره آن موضوع را سرلوحه کار خود قرار دهد.»

وی افزود: «نسخه های خطی و حتی هر تکه نوشته ای که از اهالی فرهنگ در علوم مختلف به جای مانده باشد دارای ارزش زیادی است. به ویژه اگر این شخصیت ها از پایه علمی زیادی برخوردار باشند، این دست نوشته ها نیز به همان اندازه اهمیت خواهند داشت.»

به گفته اشکوری، این نوشته ها از منابع موثقی است که محقق بدون توجه به آنها در رسیدن به قضاوت درست ناکام می ماند و قضاوتش از نظر صحت و سلامت معتبر نیست. بنابراین توجه به این منابع حتی اگر پراکنده باشند و موضوعات مهمی در آن مطرح نشده باشد از معیارهای اساسی هر پژوهش علمی است.

وی در ادامه با اشاره به دست نوشته های دهخدا بر فرهنگ فرانسه به فارسی تصریح کرد: «مثلا محققان با مطالعه و موثکافی دست نوشته های علامه دهخدا به وسعت اطلاعات این چهره برجسته ادبی پی می برند و می توانند زوایایی از



بردیا برزگر

در میان روزنامه نگاران، یافتن داستان نویسی، فیلمنامه نویسی، نمایشنامه نویسی یا شاعر کار دشواری نیست. این بدان معناست که بسیاری از روزنامه نگاران در حوزه های هنری و به ویژه نویسندگی فعال هستند. از دیگر سو یکی از بحث های همیشگی در میان روزنامه نگاران نویسنده، تاثیرات مثبت یا منفی روزنامه نگاری بر کار نوشتن آنهاست. به همین دلیل در گفت و گوهای حاضر پای صحبت روزنامه نگاران نویسنده نشستیم و نظرشان را در این باره جویا شدیم.

در گفت و گو با روزنامه نگاران و نویسندگان بررسی شد

تفاوت های زبان روزنامه نگاری با نویسندگی

نویسنده رمان طبل آتش:

روزنامه نگاری، داستان نویسی؛ ظرفیت های زبانی



«نشسته در غبار»، «لال پنهان»، «طبل آتش»، «غریبه و اقاها» و «یک سکه در دو جیب» تعدادی از رمان ها و مجموعه داستان های علی اصغر شیرزادی است. اما تعداد مقاله های وی آنچنان زیاد است که ذکر آن در این کوتاه مقدور نیست؛ چرا که شیرزادی در طول چهل و چند سال روزنامه نگاری حرف های تعداد فراوانی گزارش، مقاله و نقد نوشته است. علی اصغر شیرزادی در بیشتر آثار داستانی اش هم نگاهی اجتماعی - انتقادی را پیش می کشد؛ نگاهی که شاید بی ارتباط به حرفه اش به عنوان روزنامه نگار نیست.

آیا تجربیات یک روزنامه نگار می تواند بر کار داستان نویسی او اثر بگذارد؟

برای ارزیابی تاثیر روزنامه نگاری بر داستان نویسی باید تعریفی اجمالی درباره این دو حرفه ارائه کنیم. در وهله اول، روزنامه نگاری در مفهوم راستین و حقیقی اش یک حرفه تمام عیار است و افرادی که استعداد گرایش و ذوق آن را داشته باشند می توانند در این حوزه کار کنند. افرادی که به روزنامه نگاری علاقه دارند می توانند آن را با آموزش کلاسیک

فراگیرند یا به شیوه تجربی و با کار در مطبوعات مختلف بر ابعاد گوناگون کار تسلط یابند. اما داستان نویسی از بنیان یک هنر تمام عیار و شش دانگ است که بر قریحه نیرومند و دانش عمیق نویسنده متکی است. به نظر من پیوند این دو حوزه، یعنی روزنامه نگاری و داستان نویسی، پیوندی مبارک و سازنده است چرا که روزنامه نگار به دلیل درگیری با اعماق جامعه و روابط عینی مردم می تواند دستمایه های مناسبی برای کار نویسندگی ایجاد کند. علاوه بر این روزنامه نگاری عرصه ای متنوع و بری از تکرار است؛ البته روزنامه نگاری ای که متکی بر تحقیق و تولید باشد، نه متکی بر اخباری که روی خروجی خبرگزاری ها و سایت های اطلاع رسانی می آید. روزنامه نگاری حرفه ای پویایی دارد و تجربه های ذهنی و عینی فراوانی برای خبرنگار به همراه می آورد و نویسنده می تواند از همه این تجارب در کارش بهره ببرد. در تاریخ ادبیات داستانی با بزرگانی مانند همینگوی، فاکتور و یوسا روبه رو هستیم که هم روزنامه نگار بوده اند و هم نویسنده و از تجربیات خود به عنوان یک روزنامه نگار در عرصه اجتماع، در کار نویسندگی هم استفاده کرده اند.

به لحاظ فنی، روزنامه نگاری صدمه ای به کار داستان نویسی نمی زند؟

روزنامه نگاری می تواند تاثیری مثبت بر داستان نویسی داشته باشد؛ چرا که روزنامه نگار باید به گونه ای بی وقفه و اجتناب ناپذیر بنویسد و نوشته هایش نیز به صورت چند سویی با ابعاد مختلف جامعه و اتفاقات عجیب و غریب و سرشار از موقعیت های دراماتیک درگیر است. در همین روزگار، ما با داستان نویسان جوان بسیاری برخورد می کنیم که از

نویسنده مجموعه «پسرک عجیب»:

روزنامه نگاری، نویسندگی؛ خطر سطحی بودن



حسن احمدی نه تنها روزنامه نگاری و داستان نویسی را به شیوه حرفه ای دنبال کرده است؛ بلکه سال هاست که در عرصه فیلمنامه نویسی نیز فعالیت می کند. او اعتقاد دارد که روزنامه نگاران برتری وجود داشته اند که در عرصه داستان نویسی - با وجود تلاش فراوان - موفقیتی کسب نکرده اند. احمدی از این تجربیات نتایج می گیرد که به طور مفصل تر در گفت و گوی پیش رو خواهید خواند.

تاثیر متقابل روزنامه نگاری و داستان نویسی را در مورد فعالان این دو حرفه چگونه ارزیابی می کنید؟

می توانم بگویم که من این دو حرفه را تقریباً همزمان آغاز کرده ام. هنوز چیزی از آغاز تمرین های داستان نویسی ام نگذشته بود که کار در مطبوعات را نیز آغاز کردم و برخلاف تصور موجود، عقیده دارم که روزنامه نگاری، آسیبی به کار هنری ام نزده است. روزنامه نگاری و داستان نویسی از حیث نثر، ساختار و پرداخت، حوزه های مجزایی هستند و نویسنده ای که روزنامه نگاری هم می کند باید به این تفکیک و جدایی خودآگاهی داشته باشد که در این صورت شاهد تاثیر منفی دو حرفه روزنامه نگاری و نویسندگی بر یکدیگر نخواهیم بود. البته باید پذیرفت که این روزها بسیاری از نویسندگان تنها به خاطر غم نان وارد روزنامه و کار روزنامه نگاری می شوند و اساساً هیچ خودآگاهی نسبت به کار خود ندارند، چرا که از سرانگیزه جدی وارد این حوزه نشده اند. در چنین اوضاعی نویسندگان، اگرچه قدرت کافی در زمینه داستان نویسی دارند، اما شگردهای روزنامه نگاری را نمی دانند و به دنبال فراگیری آن هم نمی روند؛ در نتیجه تلاش می کنند که از نثر داستان در روزنامه استفاده کنند که چنین التقاط هایی کاملاً ناساز و بی قواره جلوه می کند.

این تفاوت ها از کجا نشأت می گیرند؟

در هیچ یک از قالب های روزنامه نگاری تمرکز چندانی بر لحظه وجود ندارد، به بیان دیگر، در روزنامه نگاری بیشتر یک رخداد روایت می شود اما در داستان نویسی یک لحظه، یا یک رخداد - که حتی در نگاه اول بی اهمیت به نظر می رسد - کاویده می شود تا خواننده به عمق و پیچیدگی یک فرآیند پی ببرد. این تفاوت های ماهوی بر صورت و ظاهر کار در این دو حرفه نیز تاثیر می گذارد. به عنوان مثال می توان پذیرفت که در داستان یک جمله پنج خطی داشته باشیم، چرا که اینجا قصد تمرکز و تدقیق در بین است، اما اگر در یک گزارش روزنامه ای، جمله پنج خطی داشته باشیم، ممکن است اصلاً خواننده آن را نخواند و حق هم دارد. از این رو، نثر روزنامه نگاری به سوی سادگی و دور از پیچیدگی می رود.

چنان که اشاره کردید، روزنامه نگاری و داستان نویسی حوزه هایی متفاوت هستند. اما آیا هیچ گاه نمی توان از شگردهای یکی از این حوزه ها در عرصه دیگری استفاده کرد؟

مهم ترین مسئله در این بین خودآگاهی نویسنده است. اگر این خودآگاهی وجود داشته باشد نویسنده می تواند با درایت و تیزهوشی از شگردهای داستان نویسی در روزنامه نگاری یا برعکس، استفاده کند. این بهره برداری باید کاملاً عمدی و با هوشیاری باشد. برای نمونه، زمانی که در سروش کودک و نوجوان کار مطبوعاتی می کردم سه گزارش از دامنه سبلان، سیستان و بلوچستان و دختری نابینا در مجتمع ناینیان تهران داشتم. پس از تهیه این گزارش ها، دریافتم که می توان آنها را تبدیل به داستان کرد و در نوشتن این داستان ها از تکنیک های روزنامه نگاری استفاده کردم که خوشبختانه نتیجه کار این بود که اثری یکدست و تاثیر گذار از آب درآمد. در انتها به این قضیه هم اشاره کنم؛ نویسنده ای که وارد حوزه روزنامه نگاری می شود اگر نتواند خط و مرز مشخصی ترسیم کند، بی شک در کار نویسندگی دچار سطحی بودن می شود.

شاعر مجموعه «شعر غریبانه»:

روزنامه نگاری، نویسندگی؛ تضاد



پرویز بیگی حبیب آبادی یکی از شناخته شده ترین شاعران دفاع مقدس است. وی که سرهنگ بازنشسته نیروی هوایی است، سابقه حضور در جبهه های هشت سال دفاع مقدس را در کارنامه خود دارد و شاید به همین دلیل توانایی خلق آثاری تاثیر گذار در حوزه دفاع مقدس را یافته است. علاوه بر این، حبیب آبادی مدت ها در یکی از قدیمی ترین نشریه های کشور - صف - به فعالیت مشغول بوده و همچنین هفت سال از اعضای ثابت تحریریه مجله «آیه» بوده است.

برخی از فعالان حوزه ادبیات اعتقاد دارند که فعالیت مطبوعاتی و روزنامه نگاری می تواند در روند کار ادبی داستان نویسان، تاثیر منفی بگذارد. شما با این دیدگاه موافقت می کنید؟

بله، من تصور می کنم که روزنامه نگاری می تواند سبب مخدوش شدن زبان ادبی نویسندگانی شود که هم روزنامه نگاری می کنند و هم فعالیت ادبی. نخستین دلیل این امر تفاوت ماهیت اثر ادبی و روزنامه نگاری است. روزنامه یک کالای فرهنگی است که عمر کوتاهی دارد و بیشتر مخاطبانش عام هستند. به این ترتیب روزنامه نگاران به سمت تولید آثاری می روند که هم معطوف به رخدادی در یک بازه زمانی خاص است و هم چندان عمیق و ژرف نیست.

علاوه بر اینها، روزنامه نگار از آزادی کامل برخوردار نیست. به سخن دیگر کار روزنامه نگار فرمایشی است؛ به طوری که همیشه سردبیر، مدیرمسئول یا سیاستگذاران یک مطبوعه مطالب و جهت گیری آن را مشخص می کنند و روزنامه نگار باید خود را با سیاست ها و نگاه های حاکم بر مطبوعه، تطبیق دهد.

آیا شما در طول فعالیت خود به چنین روزنامه نگارانی برخوردیده اید؟

من حدود سی سال است که به طور جدی صفحات ادبی روزنامه ها و مجلات کشور را آرشو می کنم. گاهی که صفحات این آرشو را ورق می زیم، به یکسری جنجال ها و چالش های مطبوعاتی در مورد یک قضیه خاص برمی خورم و وقتی در ماجرا دقیق می شوم و به تمام ابعاد آن فکر می کنم، می بینم تنها نتیجه این درگیری ها و چالش ها مطرح شدن نام روزنامه نگار بوده است. چنین اتفاقاتی به ادبیات ضربه می زند، هم ادیبانی که در این درگیری های مطبوعاتی مورد هجوم واقع می شوند آسیب می بینند و هم روزنامه نگاری که این کار را می کند صداقت و روح هنرمندانه خود را از دست می دهد.

داستان نویسان و شاعرانی که در حوزه مطبوعات نیز قلم می زنند، چگونه می توانند از آسیب های کار روزنامه نگاری شان در امان بمانند؟

ادیبانی که روزنامه نگاری می کنند باید تلاش کنند که با کار صادقانه خود نشانه هایی را برای تحقیق آیندگان بگذارند، باید مستقل باشند و از حرکت های شتابزده بپرهیزند و گر نه پرده پوشی و وابستگی به شتابزدگی شان بر کار ادبی آنها تاثیر منفی می گذارد و کار ادبی شان مانند سیلی می شود که هر قدر هم شدت و استحکام داشته باشد، سرانجام در شنزاری به خاک می رود.

پس بنا به ارزیابی شما روزنامه نگاری و کار ادبی مشاغل هستند که کاملاً با هم تضاد دارند.

شاید به همین خاطر باشد که بسیاری از فعالان ادبی که کار روزنامه نگاری می کنند همیشه دچار احساس دوگانه هستند؛ به همین دلیل یک چالش ذهنی مداوم در ذهن روزنامه نگاران داستان نویس یا شاعر ایجاد می شود.



دو روی یک سکه یا یک روی دو سکه

نویسندگی را با خبرنگاری و روزنامه نگاری پیوند عجیبی است. پیش از آن که این گزارش را آماده کنم، می دانستم که پیوندی هست، اما نمی دانستم «پیوند عجیبی» است. لغت نامه دهخدا در تعریف واژه نویسندگی، عبارتی درج کرده و نویسندگی را از روزنامه نگاری جدا ندانسته: «روزنامه نگار. جریده نگار. که به شغل نویسندگی پردازد. که کارش نگارش مقاله و داستان در جراید و مجلات است.» دانش نامه آزاد «ویکی پدیا» هم در تعریف نویسندگی، روزنامه نگاران را هم گنجانده است.

«عجایب» این پیوند را گفته های افرادی که در هر دو حوزه قلم زده اند بیشتر روشن می کند. مثلاً آنجا که محسن فرجی، داستان نویس و روزنامه نگار، ادبیات را هم با دید خبری نگاه می کند و می گوید: «بیش از آن که به خیر، نگاه ادبی داشته باشم، به ادبیات نگاه خبری دارم. همه داستان ها بر مبنای اخبار شکل می گیرند. حتی داستان های فراواقع گرایانه و سوررئالیستی. با این توضیح که در داستان، خبر به معنای واقعه ای نیست که در زمان و مکان مشخص روی داده باشد بلکه داستان آمیزه ای است از روایا، خاطرات، پنداره و حتی شنیده های نویسنده. هیچ داستانی را استثنا نیست و همه را می توان مجموعه ای از اخبار دانست.»

فرجی از «ازراپاوند» مثال می آورد؛ شاعری آمریکایی که گفته است: «ادبیات خبری است که همیشه تازه می ماند.» همین طور از آنست همینگوی، برنده آمریکایی نوبل ادبیات نقل قول می کند: «هر نویسنده ای باید چند سالی روزنامه نگار باشد، اما در نهایت از آن کناره بگیرد.» همه اینها را می گوید تا خاطر نشان کند: «این دو حرفه، در نهایت به نفع یکدیگر نیستند. این حرفه کوتاه نویسی در نثر را به نویسنده می آموزد و دقت در بهتر و بیشتر دیدن. اما آسیب آن در زبان است. زبان به عنوان اساسی ترین عنصر داستان در حرفه روزنامه نگار راه روزمرگی پیش می گیرد و سهل انگار می شود. این است آفت خبرنگاری برای یک داستان نویس و همین است که همینگوی نویسندگان را به کناره گیری از این حرفه فرامی خواند.»

این داستان نویس و روزنامه نگار در پایان حرفی می زند که شاید تأکیدی باشد بر همان پیوند «عجیب» میان روزنامه نگاری و نویسندگی: «داستان کلاژی است از چند خبر مرتبط یا کاملاً بی ربط که با نوار نامرئی خیال نویسنده به هم آمیخته اند. آمیزه ای از خبرهایی که شاید هرگز اتفاق نیفتاده باشند و اتفاق نیفتند. از دیدگاه واقع گرایانه، داستان می تواند واقعا از چشمه یک خبر واقعی آب خورده باشد. خبری که به لایه های داستان می آید، عمیق می شود و پر و بال می گیرد. آن گاه دیگر خبر نیست که مجموعه اخباری است که با خیال نویسنده در آمیخته و کلاژی ساخته که نامش را باید «ادبیات» گذاشت. داستان، رمان، نمایشنامه یا هر گونه ادبی دیگر.»

رسول یونان، شاعر و مترجمی است که به گفته خودش برای امرامعاش سراخ روزنامه نگاری آمده. او هر چند روزنامه نگاری در ایران را با نویسندگی مردمان این سرزمین سازگار نمی داند و دلایلی هم دارد، اما منکر پیوند این دو حوزه نیست: «خبرنگاری و روزنامه نگاری می تواند منبع و سرچشمه آفرینش و خلق آثار هنری و ادبی باشد. ما می بینیم اکثر نویسندگان غربی ابتدا در حرفه ژورنالیسم بوده اند. حتی این برایشان اعتبار آورده است. ناشر روی جلد کتابشان یادآوری می کند این نویسنده، همان کسی است که در فلان نشریه قلم می زده است یا مثلاً



بسیاری از نویسندگان داستان های جنایی، ابتدا در صفحه حوادث روزنامه ها، خبرنگاری می کرده اند. او به نکته دیگری هم اشاره می کند؛ معنای دوگانه واژه «story». واژه ای که در زبان انگلیسی، هم معنای داستان می دهد، هم معنای ماجرای خبری. اما با این همه او روزنامه نگاری در ایران را متفاوت می داند. به باور او، ارتباطی که میان این دو حوزه وجود دارد، در ایران یا نیست، یا بسیار کم رنگ است: «در روزگار کنونی، نمی دانم چه شده است که این رابطه گسسته. شاید موانعی در کار خبرنگاری است که موجب آن شده یا شاید کم کاری خودمان. در واقع متأسفانه در کشور ما همه کم کاری می کنند. این مختص مسوول یا وزارتخانه ای خاص نیست. روزنامه نگار هم کم کاری می کند. کتابفروش هم کارش را درست انجام نمی دهد. نویسنده هم آن چیزی نیست که شایسته است باشد. شاید همه اینها موجب شده در ایران شاهد آن شوقی که روزنامه نگاری در انسان برمی انگیزد تا وارد حوزه نویسندگی شود، نباشیم.» یونان می گوید که خودش تنها برای امرامعاش روزنامه نگاری می کند و تأکید دارد که بسیاری دیگر را می شناسد که چنین اند. به باور او، در ایران آن «پیوند عجیب» روزنامه نگاری و ژورنالیسم، هنوز جوش نخورده است.

نقشی انکار ناپذیر

به آن سوی آب ها که نگاه کنیم، پیوند خبرنگاری و نویسندگی واضح تر است و شاید ناگسستگی تر. مثلاً گابریل گارسیا مارکز، نویسنده «صد سال تنهایی» کار خود را به عنوان یک خبرنگار ساده آغاز کرد و هنوز هم از ژورنالیسم کناره نگرفته است. برخی از مترجمان زبان فارسی بر این نکته تأکید می کنند. غبرایی: «وارگاس یوسا با روزنامه نگاری سرشناس شد

مهدی غبرایی، مترجم برخی از آثار ماریو وارگاس یوسا، نویسنده و روزنامه نگار پرویی، معتقد است این نویسنده از طریق روزنامه نگاری سرشناس شده است. به باور غبرایی، قدرت روزنامه نگاری یوسا از توانایی او در رمان نویسی نیز پیشی گرفته است. غبرایی می گوید: «وارگاس یوسا، روزنامه نگاری برجسته بود. او روزنامه نگاری را امری ساده نمی پندارد و برای نوشتن یک مقاله یا نقد مطبوعاتی، ساعت ها به تحقیق و کسب اطلاعات مشغول می شود. تسلط او به سه زبان زنده دنیا و این حساسیت او در کسب اطلاعات، قلم او را پرورش داد و از او رمان نویسی سرشناس ساخت.»



مترجم «مجموعه مقالات وارگاس یوسا» این نویسنده را مدیون روزنامه نگاری می داند و می گوید: «یوسا در سینما، نقاشی، موسیقی، ادبیات و حتی ورزش، مقالاتی با ارزش و نقدهایی پرمایه خلق کرده است. این نشان می دهد نقد نویسی مطبوعاتی، دید او را وسعت بخشیده و از او انسانی با بینش وسیع به همه جنبه های زندگی ساخته است. حال چگونه می توان تأثیر اصلی در سرشناسی وارگاس یوسا را متعلق به حرفه روزنامه نگاری ندانست؟ به نظر می رسد هر دو حرفه او بر همدیگر تأثیری شگرف داشته اند. اوروانی قلم، بینش وسیع و شناخت مناسب از مخاطب در رمان هایش را مدیون روزنامه نگاری است و از طرفی، سبک جذاب نوشتن، قلم جذاب و گیرای خود را از رمان نویسی کسب کرده است.»

دین مارکز به روزنامه نگاری

کاوه میرعباسی، مترجم ادبیات آمریکای لاتین، معتقد است گابریل گارسیا مارکز، برنده کلمبیایی نوبل ادبیات و خالق کتاب «صد سال تنهایی» نثر و قلم خود را مدیون حرفه خبرنگاری است و بسیاری از رمان های خود را با استفاده از تجربیات این حرفه خلق کرده است.

میرعباسی می گوید: «روزنامه نگاری مارکز با رمان نویسی او پیوندی تنگاتنگ و جدایی ناپذیر دارد. این نویسنده سبک نوشتن و قلم ایجاز آمیز خود را از تجربیاتش در روزنامه نگاری به دست آورده و حتی بسیاری از رمان هایش با ادبیات ژورنالیستی خلق شده اند. در مورد او عکس قضیه نیز صادق است. او در روزنامه نگاری هم از تجربیات داستان نویسی خود سود می برد. به عنوان مثال، مارکز در مقام یک خبرنگار حوادث، سبک گزارش نویسی داستانی را آزموده و به گزارش های ژورنالیستی خود، وجهه ادبی بخشیده است.»

میرعباسی تأثیر خبرنگاری بر کار مارکز را این گونه توضیح می دهد: «بسیاری از رمان های مارکز مستقیماً از خبرنگاری ناشی شده اند؛ مثل رمان «گزارش روایت یک غریق». مارکز در این رمان اصولاً یک ماجرای واقعی را به داستان تبدیل کرده؛ ماجرای که شایسته صفحه حوادث روزنامه است و مارکز روز به روز ماجرا را روایت کرده است.»

پیوند ادبیات آلمان با ژورنالیسم

محمود حسینی زاد، مترجم زبان آلمانی معتقد است ادبیات کشورهای آلمانی زبان، با خبرنگاری پیوندی دیرینه و شگرف دارد. وی کورت توخولسکی

و آلفرد آندرش را نمونه های برجسته ای از نویسندگان روزنامه نگار در ادبیات آلمان می داند.

حسینی زاد در این باره توضیح داد: «ادبیات آلمان در قرن گذشته، از روزنامه نگاری تأثیری شگرف پذیرفته است. بدون تردید بسیاری از آثار نویسندگان بزرگی نظیر هاینریش بل، با استفاده از سبک ژورنالیسم به رشته تحریر درآمده اند. همچنین برخی از بزرگان ادبیات آلمان، روزنامه نگارانی سرشناس بوده اند. به عنوان مثال آلفرد آندرش، یکی از پایه گذاران اصلی نسل ۴۷ ادبیات مدرن آلمان و از سرشناس ترین نویسندگان این کشور، قبل از این که یک نویسنده باشد یک روزنامه نگار برجسته بود.»

وی در مورد سوابق روزنامه نگاری آندرش، تصریح کرد: «این نویسنده قبل از به روی کار آمدن رژیم فاشیستی نازی در آلمان، سردبیر یکی از نشریات این کشور بود. او به علت مخالفت های آشکارش با هیتلر، نه تنها از روزنامه نگاری منع شد، بلکه حتی به اردوگاه کار اجباری هم فرستاده شد، اما نکته قابل توجه این است که آندرش، حتی در اردوگاه مرگ نیز از روزنامه نگاری دست نکشید و در همان جا روزنامه ای منتشر می کرد. وفاداری او به حرفه اش بسیار ستودنی است به همین علت است که می توان آندرش را قبل از نویسنده بودن، یک روزنامه نگار بزرگ دانست. او نویسندگی خود را نیز مدیون حرفه روزنامه نگاری اش است چرا که از این طریق به دنیای قلم و ادبیات وارد شده و ردپای روزنامه نگاری در تمام داستان های او مشهود است.»

جسارت ادبیات اسپانیا

نجمه شبیری، مترجم زبان اسپانیایی، معتقد است روزنامه نگاری به ادبیات اسپانیا غنا بخشیده است. به گفته وی، درصد عظیمی از نویسندگان این زبان کار خود را از روزنامه نگاری آغاز کرده اند و ادبیات این زبان بیش از سایر زبان ها از ژورنالیسم بهره جسته است. اشتغال نویسندگان کشور اسپانیا به حرفه خبرنگاری و سر و کار آنها با مطبوعات، باعث شده آنها از یک زندگی روشنفکری خارج شده و در بطن مردم زندگی کنند. همین مسأله از آثار خلق شده به این زبان، آثاری مردمی و مردم پسند ساخته است.

به گفته شبیری، ادبیات کشورهای اسپانیایی زبان بیش از سایر کشورها متأثر از سبک، جسارت و هوشیاری روزنامه نگاری است و بیش از ۵۰ درصد نویسندگان اسپانیا، کار خود را با روزنامه نگاری آغاز کرده اند.

وی در این زمینه توضیح داد: «نویسندگان قبل و بعد از جنگ داخلی اسپانیا، همگی متأثر از ژورنالیسم بوده اند. جسارت و هوشیاری ای که در آثار نویسندگان کشور اسپانیا و در کل نویسندگان اسپانیایی زبان دیده می شود، بدون تردید ریشه از روزنامه نگاری گرفته است.»

مترجم کتاب «نسل ۲۷ ادبیات اسپانیا» در پایان می گوید: «شاعران و نویسندگان شاخص نسل ۲۷ اسپانیا، همگی به حرفه روزنامه نگاری اشتغال داشته اند. این نسل از ادبیات اسپانیا که برجسته ترین آثار این زبان را خلق کرده، پیوندی آشکار با حرفه خبرنگاری داشته اند و از این رو نمی توان تأثیر روزنامه نگاری بر ادبیات اسپانیا را نادیده گرفت.»

به گفته شبیری، نویسندگان بزرگی چون لورکا، پادو، سالینوس و بزرگان دیگر ادبیات این خطه با تأثیر از حرفه روزنامه نگاری آثار جاودان خود را خلق کرده اند.

بررسی نقش فیزیکی کتاب در رونق نشر

تأثیرات ظاهری کتاب در جذب مخاطب

سلیقه او می داند و می گوید: «مخاطب وقتی نویسنده مورد نظرش را می شناسد، بدون توجه به جلد و ظاهر فیزیکی کتاب، اثر آن نویسنده را می خرد. برخی نیز به تناسب نام ناشر کتاب خود را انتخاب می کنند، پس نمی توان همه چیز را منوط به ظاهر و جلد کتاب دانست.»

وی ادامه می دهد: «البته ظاهر و جلد کتاب در زیبایی شناسی اثر مهم است. وقتی ناشر، کتابی با محتوای مناسب را برای چاپ انتخاب می کند و پس از آن به موضوعاتی نظیر صحافی، نوع و رنگ کاغذ، دوخت، لیتوگرافی و... دقت دارد و سعی می کند تمام عناصر یک کار استاندارد را رعایت کند، طبیعتاً خریدار را نیز به خود جذب می کند.»

کیایی همچنین نبود رابطه منطقی و هنری بین محتوا و جلد کتاب را یکی از مشکلات ظاهر کتاب ها می داند و می افزاید: «گاهی اوقات اثر منتشر شده مثلاً در موضوع شعر است و تصویر و طرحی، بدون ارتباط با این موضوع روی جلد قرار گرفته که موجب ضعف بصری آثار می شود.»

وی خواندن متن کتاب را برای طراحان و گرافیست ها ضروری می داند و می گوید: «بسیاری از طراحان فرصت ندارند کتاب را بخوانند و با مطالعه چند سطر اولیه یا نگاهی به عنوان اثر، اقدام به طراحی می کنند که عموماً نتیجه شاخصی ندارد، در حالی که ما نیازمند نوآوری هستیم، ولی در اکثر موارد به طرح های کلیشه ای بسنده کرده ایم.»



وی تصریح می کند: «بسیاری از کتابفروشان نمی دانند چگونه می توان کتاب را بر اساس موضوع و محتوا طبقه بندی کرد و پشت و پیرترین مغازه قرار داد. این افراد باید از این کار هدف داشته باشند تا مخاطب را جذب کنند.»

لطفاً کمی نوآوری

سعید کیایی، یکی از گرافیست ها و طراحان جوان حوزه کتاب نیز درباره ظاهر کتاب نظرات جالبی دارد. وی جذب مخاطب به سمت کتاب را مبتنی بر

آثار صد نقاش بر جسته دنیاست. این کتاب ها به شکل «بالش» بسته بندی شده اند تا به نوعی تازگی کتاب را تا زمان توزیع به یاد بیننده بیاورند و نیز برای جایگاه فروش این کتاب نیز لیوانی شفاف و غول پیکر طراحی شده و تمامی بالش ها به صورت شناور در این لیوان قرار داده شده اند که همه این اتفاقات در داخل فروشگاه کتاب تجربه ای دلپذیر و فراموش نشدنی برای خریدار و خواننده کتاب به وجود می آورد.»

نقش پررنگ ناشر

مدیر مسوول انتشارات طلایی که دستی هم در طراحی جلد کتاب دارد در این باره می گوید: «خرید و فروش کتاب ها معمولاً بر دو اساس انجام می شود؛ نخست محتوای اثر و دوم قطع و ظاهر فیزیکی کتاب. زمانی که مخاطب، یک اثر را بشناسد، به راحتی کتاب مورد نظر خود را بدون توجه به ظاهر فیزیکی اش انتخاب و خریداری می کند، اما درباره قطع و ظاهر موضوع متفاوت است.»

کاظم طلایی ادامه می دهد: «در ایران ناشران برای انتخاب قطع کتاب خود با محدودیت روبه رویند و اغلب آنان به دلیل وجود کاغذهای ۶۰، ۹۰ و ۱۰۰ در ۷۰ باید کتاب های خود را در این اندازه ها منتشر کنند.»

وی با بیان این که اکثر اوقات محتوا نیز در انتخاب قطع کتاب تأثیر گذار است، می افزاید: «گاهی برخی محتواها نظیر تصویر مناظر باستانی یا طبیعت و شعر نیازمند قطع مشخصی است که اکنون به صورت کلیشه در بازار موجود است.»

طلایی با بیان این که گاهی قطع کتاب ها با توجه به سن و سلیقه مخاطب انتخاب می شود ادامه می دهد: «خردسالان اغلب ترجیح می دهند کتاب هایی در قطع کوچک و با جلد هایی زیبا و رنگین منتشر شود، در حالی که بزرگسالان ترجیح می دهند کتاب هایی در قطع متوسط و جلد هایی معمولی را مطالعه کنند.» این ناشر نگاه سنتی و کلاسیک موجود به قطع کتاب را لازمه کار نشر می داند و می گوید: «اشکالی ندارد که مردم عادت دارند کتاب رمان یا شعر را در یک قطع مطالعه کنند. نباید این جایگاه را تغییر داد و قطع کتاب ها را عوض کرد؛ چرا که سال هاست به این شیوه عادت کرده اند.»

طلایی ویرترین کتابفروشی ها را عامل دیگر جذب مخاطب به سمت کتاب و کتابخوانی می داند و می افزاید: «تعداد محدودی از کتابفروشی هایی که اکنون در شهر فعالند، کار حرفه ای را در چیدمان کتاب ها دنبال می کنند.»

امروزه بسته بندی و ظاهر، نقش مهمی در خرید یک کالا دارد و مخاطب، جدای از جنس و کیفیت، به دنبال ظاهری آراسته و به اصطلاح، شیک است. اغلب افرادی هم که اهل کتاب و کتابخوانی اند، از این رویه تبعیت می کنند و می توان گفت از این قاعده مستثنی نیستند. مخاطبان امروزی علاوه بر عنوان اثر، نام نویسنده یا ناشر، به جلد، رنگ و طرح کتاب نیز توجه می کنند. اگرچه اغلب کودکان و نوجوانان به دنبال ظاهرند اما زیبایی بصری، سن و جنس نمی شناسد، چون انسان ذاتاً زیبایی را دوست دارد. بررسی نقش فیزیکی کتاب در انتخاب مخاطب موضوع اصلی این گزارش است.

تجربه های ماندگار

نیکبخت ایرانی، طراح و گرافیستی است که طراحی کتاب های بسیاری را در کارنامه هنری خود دارد. وی با اشاره تأثیرات فیزیکی کتاب معتقد است: «امروزه غیر از محتوا که اصلی ترین بنیان یک کتاب است، نمی توان تأثیر بصری و جذابیت های فیزیکی کتاب را برای مخاطبان نادیده گرفت. تا چند دهه قبل، نام یک نویسنده یا یک اثر، تضمین کننده سرنوشت یک کتاب بود و طراحی و رنگ آمیزی جلد نوعی سلیقه و توجه کودکان پنداشته می شد!» وی ادامه می دهد: «به مرور زمان و با افزایش تعداد ناشران و نویسندگان، همچنین تنوع کتاب در موضوعات مختلف و نیز عرضه بیش از تقاضا، رقابت در به رخ کشیده شدن کتاب در ویرترین کتابفروشی ها آغاز شد و در این میان پای افرادی به نام نقاش، طراح، صفحه آرا، گرافیست، مدیر هنری و... در کنار افراد قدیمی تر مانند چاپچی، صحاف و ورق تاکن باز شد.»

وی به لزوم وجود ظاهر مناسب و زیبا برای کتاب ها تأکید می کند و می گوید: «کتاب نیز باید مانند بسیاری از کالاهای مصرفی و حتی تجاری دیگر که خواننده آن را تهیه می کند، از بدیهی ترین ملزومات کالا مثل ظاهر زیبا و شایسته برخوردار باشد، اما این موضوع متأسفانه کمتر به چشم می خورد. در چند سال اخیر با توجه به رشد روز افزون و نوآوری در عرضه دستگاه های چاپ، امکانات جدید و بدیع تر به کمک طراحان آمده و توانسته تا حدودی تخیلات بلندپروازانه آنان را به منصه ظهور برساند و در نتیجه در سال های اخیر شاهد انتشار کتاب هایی هستیم که در ساختار آنها ترکیبات جدیدی در کنار کاغذ و مقوا وجود دارند که می تواند هنگام استفاده حس ملموس تری از کتاب را به خواننده ببخشد.»

ایرانی در بخش دیگر سخنان خود به برخی از این نمونه ها اشاره می کند و می افزاید: «در شاهنامه ای که به تازگی از سوی یکی از ناشران منتشر شده است، از تکه سنگی که نام شاهنامه فردوسی روی آنها چاپ شده، برشی عمیق بر جلد سخت آن گذاشته و به متن کتاب وصل شده که موجب فاخر شدن این اثر شده است، به گونه ای که حسی ایرانی و محکم را در جان کتاب می دمد. همچنین به تازگی کتاب معروف «شازده کوچولو» را در قطعی جدید و در جعبه فلزی ای که با کاکه پر شده است عرضه کرده اند تا حسی غریب و جدید از این کتاب به نمایش بگذارد!»

وی به برخی نمونه های خارجی اشاره می کند و می گوید: «برخی از ناشران خارجی که سابقه طولانی و البته بودجه بیشتری برای انتشار کتاب در اختیار دارند، نمونه های قابل توجه فراوانی برای توجه به ظاهر کتاب در اختیار دارند به عنوان مثال یکی از ناشران به تازگی کتابخانه ای افتتاح کرده که شامل

خانه کتاب

فراخوان

بیست و هفتمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

بیست و هفتمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در بهمن ماه ۱۳۸۸ برگزار می شود.
 بر این اساس دبیرخانه «کتاب سال» از کلیه پدیدآورندگان، مترجمان، صحاح و ناشران دعوت می کند، آثار خود را برای شرکت در سابقه کتاب سال ۱۳۸۸ شهریور ۱۳۸۸ به نشانی دبیرخانه ارسال کنند.

اهداف کتاب سال:

– ارتقای فرهنگ جامعه اسلامی، حفظ استقلال و هویت فرهنگی

– حمایت و ترویج مؤلفان، مترجمان و صحاح و ناشران متعهد کشور

شرایط شرکت در کتاب سال:

– آثار ارسالی برای اولین بار در سال ۱۳۸۷ منتشر شده باشند.

– کتاب های درسی و کمک درسی نباشند.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین خیابان صبا و فلسطين جنوبی، شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲-
 دبیرخانه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران
 تلهن: ۶۶۹۶۶۱۲۹، دورنگار: ۶۶۹۶۶۲۱۸
 www.ketabsal.ir

تأملی در کتاب «روشنفکران و عالیجنابان خاکستری» اثر ویتالی شنتالینسکی

نوشتن در سایه وحشت

پاسبانان گولاک همیشه تهدید می کردند: «یک قدم به چپ یا راست به معنی قصد فرار است. ما بدون اختصار شلیک خواهیم کرد.» وقتی به گذشته می نگریم، می بینم که زندگی من و همه کسانی که با مسائل مسلکی سروکار داشتند، دائما به وسیله علائم قرمز هدایت یا تهدید می شد.»

این جملات آغازین کتاب «روشنفکران و عالیجنابان خاکستری» اثر ویتالی شنتالینسکی است؛ اثری که نویسنده در آن به وضعیت نویسندگان و روشنفکران در زمان اتحاد جماهیر شوروی و دولت اشتراکی این کشور پرداخته است.

این کتاب با ترجمه غلامحسین میرزاصالح در دو جلد و ۱۴ دفتر گردآمده است؛ شش فصل برای جلد نخست و هشت فصل در جلد دوم. این کتاب در واقع اثری است درباره وضعیت نویسندگان و شاعران در دوران حکومت کمونیستی شوروی سابق در قری که گذشت. جلد اول این کتاب حاصل کوشش مولف آن برای دستیابی و نشر پرونده های تشکیلات پلیس مخفی (ک.گ.ب) در مورد آثار ادبی و نویسندگان است. در این دفتر وضعیت نویسندگانی چون ایساک بابل، رابرت کانکووست، میخائیل بولگاکف، پاول فلورنسکی، نینا هاگن تورن و گئورگی دمیدوف شرح داده شده است. جلد دوم کتاب «روشنفکران و عالیجنابان خاکستری» نیز به وضعیت زندگی و فشار سیاسی و امنیتی حکومت شوروی بر نویسندگانی مانند بوریس پلیناک، اوسپ ماندلشام، نیکلای کلیوف، آندری پلاتونوف، کریستین راکوفسکی، الکساندر فادیف، ماکسیم گورکی و لئوتولستوی می پردازد. چاپ جدید این کتاب امسال منتشر و روانه بازار کتاب ایران شده است.

همان گونه که از فحوای کلام صریح نویسنده برمی آید، ظاهرا آن ضرب المثل معروف که در اتحاد جماهیر شوروی زمان استالین ورد زبان روس ها شده بود، مصداق یافته است که «وقتی می خواهند گرگ ها را شکار کنند، برای سوق دادنشان به یک سمت در جلو و عقب آنها علائم قرمز می گذارند و با این ترفند به طرف سرنوشت محتوم خویش راهنمایی می شوند. یک روز علائم قرمز از میان برداشته شد و شکارچیان پا به فرار گذاشتند و ما به ناگهان خود را در جنگل وحشی تاریخ خودمان، آزاد و تنها یافتیم.»

کتاب «روشنفکران و عالیجنابان خاکستری» بانگاهی به گذشته آغاز می شود و دوران حکومت بلشویک ها را که تکمله ای بر دوران رومانف ها بود، بررسی می کند. نویسنده پس از پرداختن به دوران حکومت ایوان مخوف، دوره استالین را مخوف تر از آن می داند و می نویسد:

«اگر ایوان مخوف دستگاه چاپ را به روسیه آورد، استالین آن را بر سر ملت خویش کوبید و خرد کرد؛ زمانی که روسیه به جامعه بزرگ صنعتی سوسیالیسم مبدل شد و یک پایش در کره ماه بود، نویسندگان حق استفاده از ماشین فتوکپی را نداشتند!»

مفهوم ادبیات سیاسی

با وقوع انقلاب بلشویکی در اکتبر ۱۹۱۷ و در پی آن انحلال مجلس موسسان، شکست ائتلاف بلشویک ها با سوسیالیست های انقلابی چپ و شروع جنگ داخلی در تابستان ۱۹۱۸، موجی از تعطیلی و لغو امتیاز مطبوعات غیر بلشویکی در روسیه به راه افتاد و پس از مدتی این کشور پهناور درگیر جنگ داخلی خونباری شد که دو سال و نیم ادامه داشت؛ جنگی که حاصلی جز ویرانی کشور شوراها و گسترش قحطی و گرسنگی به بار نیاورد. در میان یک تا دو میلیون نفر از اتباع این کشور که پس از انقلاب اکتبر دست به مهاجرت زدند به اروپا رفتند، نویسندگان نامداری وجود داشتند که برای این کارشان، دلیلی جز محدودیت های ناشی از اعمال سانسور غیر رسمی و بعدها رسمی بیان نمی کردند و تقریباً یک دهه بعد (اواسط دهه ۱۹۳۰) اوضاع به گونه ای تغییر یافت که ۱۸۰ روزنامه و ۱۶۲ فصلنامه به زبان روسی در خارج از روسیه منتشر می شد!

حکومت شوروی در سال ۱۹۳۴ برای تعدیل این وضعیت و باگرو گذاشتن ریش ماکسیم گورکی، اتحادیه نویسندگان را تأسیس کرد تا بلکه نویسندگان به آغوش وطن بازگردند و با یکدیگر آشتی کنند؛ اما حتی وعده ارائه تسهیلاتی مانند واگذاری آپارتمان، خانه سالمندان و مراقبت های پزشکی برای نویسندگان عضو این اتحادیه، نه تنها آنان را دلخوش نکرد بلکه هجو گزیده آن را از سوی نویسندگانی مانند میخائیل بولگاکف به همراه داشت که به توصیف زیبایی از آن پرداخته بود که «صف کوتاهی از صد نویسنده یا بیشتر با هدف دریافت مرخصی برای خلاقیت چشمگیر از دو هفته (برای داستان کوتاه) تا یک سال (برای داستان بلند) برای سفر به لنینگراد و اقامت در قصر زمستانی و تفریحگاه هایی چون یالتا پشت سر هم ایستاده اند!»

موظف باش دخترمان در محیط شادی (!) بزرگ شود

نخستین پرونده ای که در این کتاب بدان پرداخته شده، پرونده ایساک بابل نویسنده یهودی تبار است که در بخشی با عنوان «خواهش می کنم به سختم گوش فرا دهید» یک سوم از حجم جلد نخست کتاب را به خود اختصاص داده است. در این بخش، نویسنده پس از بیان جزئیات حادثه بازداشت این نویسنده در ۱۶ می

۱۹۳۹ جمله ای را که او هنگام بازداشت به همسرش گفت، به عنوان سخنی نمادین به نسل فردا از زبان او آورده است: «لطفا مواظب باش دخترمان در محیط شادی بزرگ شود». این آخرین جمله ای است که همسر ایساک بابل از زبان او شنید! ۱۵ سال حبس و بازجویی مداوم و انتقال از این زندان به آن زندان تا سال ۱۹۵۴ سرنوشتی دیگر را برای این نویسنده رقم زد. با این که بابل تا پایان جنگید و هیچ یک از اتهامات بی اساس را نپذیرفت، اما در ماه مارس ۱۹۵۵ بیهوش بابل جواب رسمی را دریافت کرد که به او اطلاع می داد «ایساک مانوئیلوویچ بابل در حالی که دوران محکومیتش را می گذرانید، در ۱۷ مارس ۱۹۴۱ در گذشته است.»

در زیر چکمه کسی هست!؟

فصل دوم کتاب به پرونده میخائیل بولگاکف اختصاص دارد که عنوان انتخاب شده برای آن «در زیر چکمه» است.

گویا بولگاکف رویدادی را که روز هفتم می ۱۹۲۶ برایش رخ داد، پیش بینی کرده بود که در اثر مشهورش «مرشد و مارگاریتا» این گونه نوشت: «کوروویف داد زد: (خیلی خوب، خیلی خوب، تو شکام را بر طرف کردی.» او داشت آپارتمان را دید می زد. مردی هم در محوطه ورودی بود و یکی دیگر هم در راهروی حیاط ایستاده بود. مارگاریتا پرسید: «فکر می کنی آنها می آیند و تو را دستگیر می کنند؟» کوروویف جواب داد: «ملکه و جاهت من! آنها حتما این کار را می کنند. حتما! یک حسی به من می گوید که آنها می آیند. البته نه به این زودی ها بلکه وقتی که به صلاحشان باشد این کار را می کنند.» در این روز (هفتم می ۱۹۲۶) ماموران «اوگ پ یو». که همسر بولگاکف یکی از آنها را به نام «اسلاو کین» شناسایی کرده بود، سراغ خالق «مرشد و مارگاریتا» آمدند و چون بولگاکف در خانه نبود، از آن پس تا سال ۱۹۴۰ که مرگش فرار رسید، تحت نظر پلیس مخفی قرار گرفت. بیهوش یلنا سرگیونا می گفت: «بولگاکف درست تا قبل از مرگش از توهم این که دست نوشته هایش را از او بگیرند، رنج می برد و بی تابانه می پرسید: در آنجا کسی هست... در آنجا کسی هست!؟ هر چند بولگاکف هیچ گاه بازداشت نشد، اما تمام عمرش را در حال انتظار برای کوفتن ضربه ای به در «در زیر چکمه» رژیم به سر آورد و محرومیت از نشر آثار، ممنوعیت سفر به خارج و حتی مشکلاتی برای کار کردن و زندگی عادی را بر او تحمیل کردند.»

شنتالینسکی در ادامه مطالب این کتاب، به بررسی پرونده نویسندگان ریز و درشت بسیاری پرداخته که ذکر جزئیات جنایاتی که بر آنها رفته، مثنوی هفتاد من



کاغذ می طلبد؛ «پاول فلورنسکی» (ریاضیدانی که او را لئوناردو داوینچی روسیه می نامیدند)، «نینا هاگن تورن»، شاعره ای که این شناس را داشت که تنها ۳۷ سال اول زندگی اش را از زندان در امان بماند و از آن پس تا ۱۹۸۶ یعنی ۴۹ سال تمام را در یک سلول انفرادی گذراند و «گئورگی دمیدوف» نویسنده ای که ۱۴ سال از عمرش را در اردوگاه های کار اجباری بردگی کرد، از این دسته اند. جلد دوم این کتاب هم شامل هشت دفتر است که در آن پرونده بوریس پلیناک، اوسپ ماندلشام، نیکلای کلیوف، آندری پلاتونوف، ماکسیم گورکی و بسیاری دیگر از روشنفکران روس بررسی شده اند.

آخرین و شاید به تعبیری «خودی ترین» نویسنده ای که پرونده اش در جلد دوم «روشنفکران و عالیجنابان خاکستری» بررسی شده، کسی نیست جز «ماکسیم گورکی». با این که گورکی در حیات و ممات مورد ستایش مقامات اتحاد جماهیر شوروی بود و به او لقب «مرغ توفان» داده بودند، اما این کتاب نشان می دهد که «مرغ توفان» هم عاقبت به قفس افتاد نخستین جرقه هنگامی زده شد که گورکی رخدادهای وحشتناک بعد از انقلاب را در روزنامه «نویان ژیزن» قلمی کرد و این نشریه در تابستان ۱۹۱۸ به دستور لنین توقیف شد و پس از آن هم مقالات انتقادی گورکی اجازه انتشار نیافت. لنین در آخرین ملاقاتش با گورکی گفت: «آدم وقتی به داستان های تو گوش می دهد، فکر می کند که نویسنده نمی خواهد همه چیز را بنویسد. از طرف دیگر تو اصلا به فکر سلامتی خودت نیستی. داری از دست می روی. زود برو به خارج، ایتالیا یا داووس. اگر نروی به زور می فرستیم.» گورکی جمله آخر را هرگز فراموش نکرد. با این حال او در سال ۱۹۲۱ به اروپا رفت و پس از هفت سال بار دیگر خود را در روسیه یافت و سال بعد هم در بازدیدی از اردوگاه کار اجباری سولوفکی با ستایش از شیوه شکنجه «کار درمانی» که در این اردوگاه به کار گرفته می شد، دوباره خودش را با «رفقا» هم پیاله کرد. هر چند با خون آشامی آنان فاصله ای بعید داشت. گورکی پس از جریان مشکوک کشته شدن پسرش، به سل مبتلا شد و درگذشت و به رغم وصیت نامه اش و به دستور استالین، اجازه دفن جسد او کنار فرزندش داده نشد.

کوتاه با مترجم کتاب

این کتاب ادامه دارد

نام اصلی کتاب «روشنفکران و عالیجنابان خاکستری»، چنین بوده است: «بایگانی ک گ ب از ادبیات». این عبارت فارسی را مترجم کتاب برای آن برگزیده است.

غلامحسین میرزاصالح، مترجم مجموعه دو جلدی «روشنفکران و عالیجنابان خاکستری»، همچنین می خواهد پروژه انتشار کتاب درباره سرکوب نویسندگان در روسیه را ادامه دهد. حتی با این که اتحاد جماهیر شوروی و حکومت اشتراکی این کشور از بین رفته است. گفت و گوی کوتاه کتاب هفته با این مترجم را می خوانید.

چطور شد که یک دهه قبل سراغ ترجمه کتاب «روشنفکران و عالیجنابان خاکستری» رفتید؟

نظر خودتان درباره ریشه این نوع برخورد با روشنفکران و سرکوب آنها در روسیه چیست؟

طبعاً در فضای رعب آوری مانند مجمع الجزایر گولاک که استالین و همدستانش ساخته بودند، بسیاری از نزدیکانش می توانستند بزرگ ترین جنایات را در ساکت ترین شرایط و بدون هیچ دردسری انجام دهند به همین دلیل بود که عبارت «روشنفکران و عالیجنابان خاکستری» را برای ترجمه کتاب برگزیدم.

با توجه به فضای نه چندان باز سیاسی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و نیز روسیه کنونی، آیا قصد دارید این پروژه را ادامه دهید؟ در حال حاضر سرگرم همین کارم به گونه ای که دوره بعد از بوریس یلتسین و ولادیمیر پوتین و حتی زمان حاضر به چاپ های بعدی این کتاب اضافه شده است. قطعا در چاپ های بعدی وضعیت روشنفکران روس در دو دهه اخیر نیز بررسی می شوند و از جمله اسامی ای که به آنها اضافه خواهد شد، «یوگنی یوفتشنکو» است.

نقش پرسابقه روسیه و تاثیر اتفاقات این کشور در تحولات داخلی ایران همواره برایم جالب بوده است. به هر حال ما با این کشور همسایه ایم و همسایه ای تاثیرگذار هم هست. به همین خاطر این گونه مسائلی که در کتاب «روشنفکران و عالیجنابان خاکستری» مطرح شده است، برایم مهم بوده همچنان که مسائل سیاسی، اقتصادی و نظام حاکم بر این کشور وسیع.

مشترکاتی که بین این دو کشور وجود داشته اند، چه چیزهایی بوده که برایتان جالب است؟

انقلاب مشروطه و انقلاب کوچک روسیه تزاری، تقریباً با هم همزمان بوده اند به گونه ای که هر دو مملکت در یک زمان صاحب پارلمان شدند و رو به رشد گذاشتند. بعدها هم مسائلی مانند انقلاب سفید در ایران رخ داد که در آنجا هم نمونه مشابه داشت. طبیعتاً، همان طور که گفتم، مسائل داخلی ۷۰ سال اخیر و برخورد چندباره دو کشور با یکدیگر برای من موضوع پژوهشی جالبی می نمود.



بهترین کتاب های هفته



قرار شد از این هفته مهم ترین کتاب هایی را که در حوزه دین، فلسفه، شعر، داستان، نقد و نظریه ادبی و... در طول هفته چاپ و منتشر می شوند به شکل موجز به اطلاع مخاطبان برسانیم اما به دلیل حجم صفحات نشریه، ناگزیریم در هر حوزه، بهترین ها را با توجه به شناخت ناشران، نویسندگان یا مترجمان و با عنایت به علاقه خوانندگان و گرایش منتقدان برگزینیم.

ضمناً، ناشران و اهل قلم می توانند بهترین کتاب های منتشر نشده خود را برای معرفی در این صفحه به نشانی نشریه کتاب هفته ارسال کنند. طبیعی است این انتخاب از زاویه نگاه یک خبرنگار حوزه کتاب صورت می گیرد، چنان که مهم ترین کتاب هر حوزه، لزوماً بهترین نیست و شاید کتاب های بسیار مهمی هم منتشر شوند که در معرض نگاه مآقار نگینند. این اشکال، می تواند با همراهی و همکاری ناشران، نویسندگان و منتقدان دلسوز، حل شود.

«بررسی علمی خداشناسی در قرآن کریم» به قلم دکتر محمود شکیب انصاری استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز چاپ و منتشر شده است. این کتاب در چند بخش با عنوان پیامبر خدا(ص) در نگاه دانشوران غربی، سخنان اندیشمندان اروپایی درباره قرآن و پیشینه خداگرایی و خداشناسی تنظیم و تدوین شده است. «زیباشناسی واژگان قرآن» عنوان کتابی به قلم احمد یاسوف با برگردان دکتر سید حسین سیدی عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد است که از سوی انتشارات سخن در تهران منتشر شده است. دکتر سید حسین سیدی طی ماه های اخیر در حوزه پژوهش علوم قرآنی، کتاب های

است. نویسنده در این کتاب، تحقیقات وسیعی درباره ریشه های فرهنگی ارتباطات در ایران انجام داده است. به این منظور، سراغ هنجارهای ارتباطی در ضرب المثل ها و اشعار ایرانی رفته است و به مجموع توصیف ها از وضعیت ارتباطات در طول تاریخ در ایران و جایگاه هنجارهای ارتباطی آن در چهارنگاره ارتباطی مدل کی. ای. «روزنگر» پرداخته است. علاوه بر این، پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران با همکاری نشر چاپار کتاب دیگری با عنوان «زبان مخفی چیست؟» اثر لویی ژان کالوه را با ترجمه شهروز پزشکی چاپ و منتشر کرده است. این کتاب در شش فصل به تاریخ زبان مخفی، فرآیندهای معنایی واژه سازی زبان مخفی، ارتباط زبان مخفی با زبان رایج، زبان مخفی و ادبیات و... می پردازد.

«جامعه شناسی روزنامه نگاری» اثری از برایان مک نیر با ترجمه علی اصغر کیا و محمد رسولی است که از سوی انتشارات جامعه شناسان؛ ناشر تخصصی کتاب های جامعه شناسی منتشر شده است. چگونگی تعامل بین جامعه شناسی روزنامه نگاری و تأثیرات این دو بر یکدیگر، به ویژه در محیط های سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیکی از جمله موارد مهمی اند که در این کتاب به آن پرداخته شده است.

«زبان روزنامه» سومین کتاب از «مجموعه نشانه شناسی و زبان شناسی» است که زیر نظر فرزانه سجودی، توسط نشر علمی منتشر می شود. «زبان روزنامه» نوشته دانوتا ریخ مدرس علوم ارتباطات در دانشگاه های انگلستان که به اهتمام فریاده حق بین و گروهی از مترجمان فراهم آمده، از جمله کتاب های

«سبک شناسی اعجاز بلاغی قرآن» اثر دکتر محمد کریم الکوازی، «کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم» تالیف دکتر عبدالسلام الراغب و... را ترجمه و توسط انتشارات سخن به بازار عرضه کرده است، ضمن این که در این زمینه، چند اثر دیگر هم در آستانه انتشار دارند. نشر آگه در حوزه فلسفه، کتاب «نیچه» نوشته مارتین هایدگر با ترجمه ایرج قانونی را منتشر کرده است. این کتاب مشتمل بر درس گفتارهایی است که در خلال سال های ۱۹۳۶ تا ۱۹۴۰ میلادی در دانشگاه فرایبورگ در برابری ایراد شده است. در اهمیت این کتاب همین بس که با انتشار آن به قول صاحب نظرانی مانند دیوید آلیسون، صف کتاب های کسالت آور درباره نیچه شکسته شد.

«تبعیض و ناشکیبایی علیه مسلمانان در اتحادیه اروپا بعد از ۱۱ سپتامبر» عنوان کتابی است که دکتر علی مرشدی زاد آن را به فارسی برگردانده و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این ترجمه را چاپ و منتشر کرده است. این کتاب که در یازده فصل و یک پیوست تدوین شده در هر فصل به یکی از کشورهای اروپایی مانند اتریش، بلژیک، دانمارک، سوئد، اسپانیا و انگلستان می پردازد. مباحث این کتاب درباره تبعیض و تضییق علیه مسلمانان در اتحادیه اروپا بعد از یازده سپتامبر و عیناً گزارش فدراسیون بین المللی حقوق بشر هلستیکی است.

«ریشه های فرهنگی ارتباط در ایران» عنوان کتابی به قلم دکتر مهدی محسنیان راد است که پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با همکاری نشر چاپار منتشر کرده

معتبری اند که توسط انتشارات راتلج به چاپ رسیده اند. این کتاب که پیوند دهنده دو رشته زبان شناسی و ارتباطات است، در واقع به بررسی ترفند های زبانی در ایجاد گفتار و فضای خاص مورد نظر اصحاب رسانه ای چون روزنامه و مطبوعات می پردازد.

«حکایت آفتاب گردش» نوشته سمیرا قیومی، عنوان کتابی پژوهشی درباره تصویر ذره و آفتاب در آثار مولاناست که از سوی انتشارات سخن منتشر شده است.

«برگ بریزان» یکی از کتاب های پرفروش نیویورک تایمز، نوشته آدلین بین ما با ترجمه الهه مرعشی از سوی انتشارات مروارید چاپ و منتشر شده است. داستان این کتاب سرگذشت دختری است که در یکی از شهرهای ساحلی چین به دنیا آمد. او کوچک ترین عضو یک خانواده مرفه بود که در دوران پر آشوب سیاسی و فرهنگی کشورش از امتیازات ویژه ای برخوردار بود اما قساوت و بی رحمی نامادری آدلین او را در شرایط سختی قرار داد. در این کتاب، داستان تأثیرگذار و خواندنی سفر پیروزمندانه دخترک از کودکی به بلوغ، به صورتی هنرمندانه روایت می شود.

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب های چاپ اول، انتشارات جنگل با یازده عنوان کتاب برگرارترین ناشر؛ سیدعلی حسینی صدر با پنج عنوان برگرارترین مولف؛ و مراد فرهادپور با سه عنوان برگرارترین مترجم بوده اند.

شخص های آماري کتاب های بزرگسال

شخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
ارزاترین کتاب	۲۰۰۰ ريال	فضیلت مادر و رب و دعای ام داود و احکام اعتکاف رضا بهرامی، ناشر: چهارده معصوم علیه السلام، چاپ ۴، ۲۴ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۶۹۵۰۰۰ ريال	اطلس جرم های پیشرفته ایمنیت، مهرداد اعلمانی، ناشر: سازمان نسوا، چاپ ۱۹۶، ۱۹۶ صفحه، ۲۲۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۵۰ مرتبه	آموزش روحانی قرآن کریم، سطح یک، علی حسینی، ناشر: نشر کت چاپ و نشر بین الملل، ۵۰ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۱۶۰۰ ريال
بیشترین شمارگان	۱۰۰۰۰۰ نسخه	سوره مبارکه بقره به تفسیر دعای توسل و زیارت عاشورا، ناشر: جواهری، چاپ ۱۰۱، ۱۲۸ صفحه، ۸۰۰۰ ريال
کترین شمارگان	۳۰۰ نسخه	علم مواد قدیمی ایران با تکنولوژی ساخت امروزی (اسپریک، ابر، کاشی، سیمان، شیشه)، بهمن میرمادی، ناشر: بهمن میرمادی، چاپ ۱، ۲۵۲ صفحه
بیشترین صفحه	۱۹۸۷ صفحه	مروج کامل پزشکی و طب سنتی، بهمن میرمادی، ناشر: بهمن میرمادی، چاپ ۱، ۲۰۰۰ نسخه، ۳۱۰۰۰۰ ريال
کترین صفحه	۸ صفحه	توسعه های تلویزیونی، فرشاد نوری، ناشر: مرکز نشرهای پیشرفته، ناشر: انتشارات مایک، ناشر: باقرزادان، چاپ ۱۴، ۵۰۰۰ نسخه، ۷۵۰۰ ريال

شخص های آماري کتاب های کودک و نوجوان

شخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
ارزاترین کتاب	۱۲۰۰۰ ريال	کتاب کار (موسیقی) برتر، ریاضی سوم دبستان، حسن مافی، ناشر: انتشارات، چاپ ۵، ۱۴۴ صفحه
بیشترین نوبت چاپ	۱۱۰۰۰۰ ريال	ریاضی عمومی ویژه دانش آموزان کارشناسی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، ناشر: انتشارات، چاپ ۲، ۵۶۰ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۱۰۰۰۰ ريال	اندام رشته ها، حمیدرضا مفسی، ناشر: انتشارات، چاپ ۲، ۵۶۰ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۳۰۲ مرتبه	مفتر برقراری به روش فوجی، کاترین فوجی، ناشر: کتابین فرهنگی اموزش، ۱۸۴ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۲۷۰۰۰ ريال
کترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	فیزیک دانشگاهی (تک ریاضی) و مفاهیم، امیرحسین مغانم، ناشر: انتشارات، چاپ ۱، ۶۰۰۰ نسخه، ۲۰۰۰ ريال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد ناشران در این هفته	تعداد پدیدآورندگان		تعداد کتاب های این هفته
		مؤلف*	ترجم	
۲۲۲	۱۰۵	۲۲	۲۴	۹
		۱۸۷	۴۴	

* مؤلف تمامی پدیدآورندگان (مانند نویسنده، شاعر، گردآورنده، مترجم و...) به جز مترجم

گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می شود. از شنبه ۸۸/۵/۳ تا چهارشنبه ۸۸/۵/۷، ۷۷۰ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتاب ها در موضوع دین و سپس ادبیات بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات علوم عملی، کودک و نوجوان، علوم اجتماعی و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	ترجمه*	چاپ اول	نویسنده	ترجمان	ناشران	شمارگان متوسط	تعداد صفحات
۱	ادبیات	۲۲	۲۰	۲	۱۳	۶	۶	۲۲۳	۴۵۸
۲	فلسفه و روانشناسی	۲۹	۱۶	۱۳	۲۱	۵	۵	۲۴۱	۲۲۷
۳	دین	۱۲۹	۱۲۶	۳	۷۰	۲۲	۷۷	۲۴۹	۲۹۹
۴	علوم اجتماعی	۶۷	۴۹	۱۸	۳۶	۵	۸	۱۶۲۷	۲۹۹
۵	زبان	۲۱	۲۰	۱	۷	۱۹	۲	۲۰۶۸	۲۲۹
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۱۴	۱۰	۴	۱۱	۳	۰	۱۸۳۱	۲۴۳
۷	علوم عملی	۱۲۲	۶۹	۵۳	۷۳	۱۰۷	۱۵	۱۸۸۴	۳۰۸
۸	هنر	۲۵	۲۰	۵	۱۶	۱۹	۰	۱۹۱۲	۲۴۵
۹	ادبیات	۱۲۱	۱۰۴	۱۷	۸۴	۱۲۰	۱۱	۲۲۴۴	۲۹۸
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۲۷	۲۲	۵	۱۸	۱۹	۰	۲۳۱۸	۲۰۵
۱۱	آموزش و کمک درسی**	۵۹	۵۹	۰	۹	۵۰	۰	۲۵۵۲	۲۴۶
۱۲	کودک و نوجوان	۸۴	۶۶	۱۸	۹	۷۸	۶	۴۰۷۱	۵۰
جمع بندی		۷۷۰	۵۹۱	۷۹	۲۷۰	۴۰۰	۱۴۰	۲۵۰۹	۲۷۴

* چاپ اول به معنای آثاری است که در هیچ نسخه قبلی، گزارش، تحقیق، شعر و غیره از آن منتشر نشده است. ** کمک درسی به معنای کتاب های آموزشی است که به معنای مواد درسی و برنامه های آموزشی تمام مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مربوط است و مخاطبان آنها دانش آموزان از پیش دبستانی تا دبیرستانی است.

شخص های آماري کتاب های کودک و نوجوان

شخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
گرانترین کتاب	۱۲۰۰۰۰ ريال	توسعه های طبیعی زمین، امیر، بان کرمان، حمید صبیح، ناشر: افق، چاپ ۱، ۲۲۶، ۲ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۲۴ مرتبه	پار، عشق و پسر، سیدمهدی شجاعی، ناشر: کتاب نیستان، چاپ ۲۴، ۸۸ صفحه، ۱۷۰۰۰ نسخه
بیشترین شمارگان	۱۰۰۰۰۰ نسخه	پار، عشق و پسر، سیدمهدی شجاعی، ناشر: کتاب نیستان، چاپ ۲۴، ۸۸ صفحه، ۱۷۰۰۰ نسخه
کترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	یک سنگ و یک دوست، جعفر ابراهیمی، ناشر: امیرکبیر، کتاب های شکوفه، چاپ ۴، ۱۷۶ صفحه، ۴۰۰۰۰ ريال
بیشترین صفحه	۳۳۶ صفحه	پسران سفیدرود: رمان برای نوجوانان، حمیدرضا محمدی پاشا، ناشر: توسعه کتاب ایران، چاپ ۱، ۸۰۰۰ نسخه، ۴۰۰۰ ريال



انتشارات الهدی با بیش از ۲۰ سال سابقه فعالیت، از جمله ناشران بین المللی ایران است. این انتشارات با هدف فراهم آوردن زمینه‌های آشنایی فرهیختگان سراسر دنیا با مبانی انقلاب اسلامی و همچنین شناسایی آثار منتشر شده در کشورهای دیگر، که با این آموزه‌ها همخوانی دارند، تأسیس شده و از زیرمجموعه‌های معاونت فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی است. هوشنگ علی مددی مدیر جدید این موسسه درباره فعالیت نشر الهدی با ما به گفت و گو نشست. وی که دانش آموخته رشته شیمی از هندوستان است و در زمینه فعالیت در رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مختلف سابقه‌ای طولانی دارد. او همچنین در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در پست‌هایی مانند مدیرکل حوزه ریاست، قائم مقام معاون بین الملل و معاونت پژوهشی این سازمان فعالیت داشته است. علی مددی معتقد است که ایجاد زمینه همکاری ناشران و مولفان ایرانی با ناشران دیگر کشورها، راهی برای گسترش فعالیت‌های نشر ایران است. او می‌گوید که انتشارات بین المللی الهدی آماده همکاری با تمامی ناشران بین المللی است که قصد دارند حضور پررنگ تری در بازارهای جهانی داشته باشند. این گفت و گو به مناسبت روز مقاومت نهضت اسلامی انجام شده است.

در گفت و گو با مدیرعامل انتشارات بین المللی الهدی مطرح شد

کمک به ناشران ایرانی برای حضور در بازارهای جهانی

انتشارات بین المللی الهدی، با چه هدفی و از چه زمانی تأسیس شده است؟

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به تدریج این ضرورت احساس شد که فرهیختگان جهان با مبانی این انقلاب آشنایی چندانی ندارند بنابراین، این تصمیم اتخاذ شد که برای معرفی این مبانی، مرکزی با عنوان گل سرخ لندن در انگلستان تأسیس شود. این مرکز در سال ۶۳ آغاز به کار کرد و انتشارات الهدی از سال ۶۸ به عنوان شاخه‌ای از گل سرخ لندن به عنوان یک مرکز چاپ و نشر بین المللی کار خود را آغاز کرد. این انتشارات با داشتن شش نمایندگی فعال در کشورهای انگلستان، آذربایجان، ترکمنستان، افغانستان، قرقیزستان و تاجیکستان و فعالیت در صد کشور جهان فعال ترین ناشر بین المللی جمهوری اسلامی ایران است.

در این انتشارات بین المللی چه فعالیت‌هایی انجام می‌شود؟

در اساسنامه این موسسه علاوه بر چاپ و نشر، به فعالیت‌های فرهنگی هم اشاره شده است. در زمینه چاپ و نشر، با استفاده از راهنمایی‌های نمایندگی‌های الهدی در کشورهای دیگر، کتاب‌هایی را که همسو با آرمان‌های جمهوری اسلامی تشخیص داده می‌شوند شناسایی کرده و نسبت به ترجمه به فارسی و انتشار آنها اقدام می‌کنیم. از سوی دیگر، در شورای کتاب انتشارات الهدی، کتاب‌های ایرانی را که مفید تشخیص داده می‌شوند، شناسایی و بعد از تصویب، آنها را با ترجمه بهترین مترجمان به زبان‌های دیگر منتشر می‌کنیم. چون اعتقاد داریم که ترجمه خوب، می‌تواند در انتقال مفاهیم مورد نظر به مردم کشورهای دیگر کمک کننده باشد. تلاش ما این است که این ترجمه‌ها تا حد ممکن در کشورهای مقصد انجام شود.

مترجمانی که در کشور مقصد به زبان فارسی نیز تسلط داشته باشند را چگونه پیدا می‌کنید؟

نمایندگی‌های الهدی در سراسر دنیا ابزاری برای این گروه از مترجمانند. علاوه بر این، رایزنی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران هم در این زمینه همکاری نزدیکی با ما دارند. در همین جا به ناشرانی که در حوزه بین الملل فعالیت می‌کنند اعلام می‌کنم که اگر مایلند در کشورهای دیگر فعالیت کنند و کتاب‌های خود را به کشورهای دیگر بفرستند، الهدی این آمادگی را دارد که در زمینه بازاریابی، مخاطب‌سنجی و ترجمه به زبان‌های دیگر آنها را یاری دهد.

انتشارات الهدی در چه موضوعاتی کتاب منتشر می‌کند؟

دین، تاریخ، علوم سیاسی، ادبیات، فرهنگ و ... موضوعاتی‌اند که در انتشارات کتاب مدنظر داریم اما این مسئله به این معنی نیست که محدودیتی در انتخاب موضوع داشته باشیم. بلکه این مخاطب‌شناسی است که در درجه اول برای ما اهمیت دارد که توسط نمایندگی‌های الهدی و رایزنی‌های فرهنگی ایران در سراسر جهان انجام می‌شود. از طرف دیگر، انتشار آثار بزرگان پیش و پس از انقلاب به زبان‌های دیگر، انتشار کتب دینی و قرآن - که از میان آنها می‌توان به ترجمه انگلیسی مرحوم دکتر طاهره صفارزاده اشاره کرد-، انتشار کتاب‌های حوزه ایران‌شناسی و ... نیز در دستور کار ما قرار دارند. بهتر است به این مسئله هم اشاره کنم که در کشورهای دیگر، کمبود قرآن به شدت احساس می‌شود و با توجه به شبهه‌هایی که



وهابیت در جهان ایجاد کرده بسیاری از جوانان مسلمان به مستند بودن آیات قرآن‌های چاپ شده توسط آنها اعتماد ندارند بنابراین قصد داریم قرآنی را با نام و نشان جمهوری اسلامی ایران منتشر و در سراسر دنیا توزیع کنیم. در این زمینه از ناشران قرآن کریم نیز دعوت به همکاری خواهیم کرد. البته باید همین جا به مسأله کتاب‌های الکترونیک نیز اشاره کنم. برای ارسال کتاب‌های چند جلدی به کشورهای دیگر و خصوصاً کشورهای عربی، مشکلاتی وجود دارد که با تولید کتاب‌های الکترونیک مرتفع می‌شود. تاکنون ۱۰ عنوان کتاب را به صورت دیجیتال تولید کرده‌ایم و انتشار ۳۰ عنوان دیگر را هم در دستور کار داریم.

انتشارات الهدی برای شرکت در نمایشگاه بین المللی کتاب چه برنامه‌هایی دارد؟

الهدی سالانه در ۳۰ تا ۴۰ نمایشگاه بین المللی کتاب در سراسر جهان شرکت می‌کند که سبب رشد حضور ایران در بازارهای بین الملل نشر شده است. الهدی این آمادگی را دارد که تقویم سالانه این نمایشگاه‌ها را در اختیار ناشران بین المللی کشور قرار دهد و به طور مشترک با به نمایندگی از آنها، در این نمایشگاه‌ها شرکت کند. مسأله مهم این است که کتاب‌های فارسی جز در میان فارسی‌زبانان سراسر دنیا، شرف‌شناسان و ... طرفدار ندارد و ما باید به فکر انتشار کتاب‌های خود به زبان‌های دیگر باشیم. از

همین رو قصد داریم در هر نمایشگاه، یک کتاب جدید درباره کشور برگزار کننده یا به زبان آن داشته باشیم. در کنار این فعالیت، انتشارات الهدی در تلاش است که میان مولفان ایرانی و ناشران خارجی هم تعاملاتی ایجاد کند تا بتواند آثار خود را به جهانیان معرفی کند به همین دلیل قصد داریم در نمایشگاه‌های بین المللی این امکان را برای مولفان فراهم کنیم.

متأسفانه توزیع کتاب‌های ایرانی و ترجمه آنها در دنیا ضعیف است اما ما قصد داریم با تبادل نظر با ناشران دیگر، حضور پررنگ تری را برای ادبیات پس از انقلاب ایران فراهم کنیم. همه می‌دانیم که هزینه شرکت در نمایشگاه‌های خارجی برای ناشران بالاست به همین دلیل ما در این نمایشگاه‌ها علاوه بر منشورات انتشارات الهدی، آثار برتر دیگر ناشران را هم ارائه می‌دهیم.

شرکت در هفته‌های فرهنگی ایران در کشورهای دیگر، شرکت در نمایشگاه‌های داخلی کتاب و نمایشگاه قرآن و ... هم از برنامه‌هایی‌اند که انتشارات الهدی به آن توجه ویژه دارد.

یکی از مسائلی که در عرصه نشر اهمیت زیادی دارد و متأسفانه توجه زیادی به آن نمی‌شود، مسأله توزیع کتاب است. انتشارات الهدی در زمینه توزیع کتاب در کشورهای دیگر چه فعالیت‌هایی انجام داده است؟ در داخل کشور کتاب‌های زیادی منتشر می‌شوند که در کشورهای دیگر هم بازار دارند اما چون توزیع در سطح بین المللی بسیار هزینه‌بر است، ناشران از عهده

این کار بر نمی‌آیند. انتشارات الهدی با استفاده از بازو‌هایی که در نمایندگی‌های خود در کشورهای دیگر در اختیار دارد، می‌تواند در توزیع نیز به ناشران دیگر کمک کند. ماعلاوه بر کمک به چرخه توزیع کتاب، در زمینه فروش الکترونیک کتاب نیز فعالیت می‌کنیم که به نوعی کمک به چرخه توزیع است. پایگاه الکترونیکی ما به نشانی www.alhoda.ir فروش خوبی در لندن داشته است اما از نظر ما هنوز کافی نیست.

با توجه به این که ۲۳ مرداد جاری روز مقاومت اسلامی است، انتشارات الهدی برای انتشار آثار مرتبط با مقاومت چه برنامه‌هایی دارد؟

موضوع مقاومت در برخی کشورها مخاطب دارد و در برخی کشورها خیر. در حال حاضر تلاش می‌کنیم کتاب‌های کشورهایهایی که مقاومت را تجربه کرده‌اند، به زبان فارسی منتشر کنیم. البته در زمینه مقاومت فقط بر مقاومت اسلامی تأکید نداریم و به کشورهایهایی مانند هند و آفریقای جنوبی (مبارزات گاندی و ماندلا) هم می‌پردازیم. در این زمینه، همچنین روی ادبیات پس از انقلاب ایران متمرکز شده‌ایم تا آثاری با موضوع مقاومت به زبان‌های دیگر ترجمه کنیم. مذاکراتی هم با یکی از ناشران ایرانی داشته‌ایم که به دلیل قطعی نشدن، نمی‌توانم نتیجه آن را اعلام کنم. اگر دیگر ناشران هم تمایل داشته باشند که در زمینه آثار ادبیات مقاومت کشورهای فلسطین، لبنان، افغانستان و کشورهای دیگر فعالیت کنند، الهدی زمینه این کار را فراهم می‌کند.

حرف آخر؟

به نظر می‌رسد برای فراهم آوردن امکان حضور ناشران ایرانی در جهان، برخی موازی‌کاری‌ها در کشور ماصورت می‌گیرد. در همین جاییشنهاد می‌کنم کمیته‌ای متشکل از انتشارات الهدی، موسسه نمایشگاه‌های ایران و نمایندگان ناشران بین المللی ایران تشکیل شود تا سیاستگذاری در زمینه فراهم آوردن حضور بین المللی ناشران را به صورت هماهنگ انجام شود، چرا که این تعامل در نهایت به نفع جمهوری اسلامی و همه این موسسات خواهد بود. از طرف دیگر با وجود این که در کشور ما کتاب‌های خوبی منتشر می‌شوند، اما به دلیل ضعف در زمینه تبلیغات کتاب، مردم آنچنان که باید با کتاب‌های خوب آشنا نمی‌شوند و آمار مطالعه در کشور ما نسبت به بعضی از کشورهای جهان پایین است.

برخی کتاب‌هایی که در شمارگان میلیونی در جهان به فروش می‌روند، شاید از نظر محتوایی آنچنان هم قوی و ارزشمند نباشند اما به دلیل تبلیغات گسترده‌ای که درباره آنها انجام می‌شود، به چنین فروشی دست پیدا می‌کنند. در حالی که به عقیده من در میان خیل خبرهای سیاسی و جنایی که صفحات روزنامه‌ها و برنامه‌های تلویزیون را به خود اختصاص داده‌اند، می‌توان بخش‌هایی را هم به طور ثابت به کتاب اختصاص داد و ناشران هم این آمادگی را دارند که چکیده‌ای از کتاب‌های خوب خود را تهیه کنند و در اختیار رسانه‌ها قرار دهند. تجربه چاپ‌های متعدد کتاب «ا» نشان داد که اثر خوب و تبلیغات چه نقش برجسته‌ای در رشد آمار خواننده شدن یک کتاب توسط مردم دارد که می‌توان آن را به کل نشر هم تعمیم داد. بنابراین، باید به تبلیغ در این زمینه پردازیم و تا جایی که می‌توانیم، کاری کنیم که نسل جوان با کتاب آشتی کنند.

رساله اجوبه الاستفتاءات حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای

ترجمه فارسی «رساله اجوبه الاستفتاءات» حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای با آخرین اصلاحات و اضافات توسط انتشارات بین المللی الهدی منتشر شد.

پس از رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، سبیل سوالات شرعی به دفتر مقام معظم رهبری سرازیر و سپس مهم‌ترین آنها به عربی ترجمه شد. اما به دلیل تقاضاهای مردم برای در اختیار داشتن این استفتاءات، ترجمه فارسی آن به انتشارات الهدی سپرده شد. این کتاب که مطابق با آخرین نظریات رهبر معظم انقلاب و با هماهنگی بخش استفتاءات دفتر معظم‌له ویرایش شده و در دسترس عموم قرار گرفته است، متن سوالات مردم و استفتاءات رهبر انقلاب را درباره مسائل شرعی در برمی‌گیرد. این کتاب در بخش‌های مختلف، مسائل شرعی را در قالب سوال مطرح و در ذیل هر سوال، پاسخ آن را از سوی حضرت آیت الله خامنه‌ای بیان می‌کند.

این مجموعه از نظر موضوعی به ۴۳ بخش تقسیم شده است که از میان آنها می‌توان به احکام تقلید، احکام نماز، احکام روزه، مسائل پزشکی، مصرف دخانیات و مواد مخدر، احکام خرید و فروش، احکام ربا، وقف، احکام بانک‌ها، اموال دولتی، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، کسب‌های حرام و ... اشاره کرد. این کتاب در ۵۶۸ صفحه با شمارگان ۷۰۰۰۰ نسخه و بهای ۲۷۰۰ تومان منتشر شده است.



روایت اول شخص

موراکامی در کنار پینتر

■ رضا دادویی، مترجم



مجزوز دو جلد نمایشنامه «سرایدار و زبان کوهستانی» و «شبی بیرون از خانه و خاکستر به خاکستر» صادر شده و به زودی

منتشر خواهد شد. این نمایش نامه‌ها از مجموعه نمایشنامه‌های هارولد پینتر است که پیش‌تر «اتاق و بالابر غذا» و «درد مختصر و آسایشگاه» را از همین نویسنده ترجمه و توسط نشر سبزان ارائه کرده بودم.

در ادامه این مجموعه ترجمه سه نمایش نامه دیگر با عنوان‌های «کلکسیون و فاسق»، «جشن تولد و تک‌گویی» و «بازگشت به خانه و پیک آخر» به پایان رسیده و مراحل اداری انتشار را طی می‌کند.

تصمیم گرفته‌ام تمام نمایش نامه‌های پینتر را ترجمه و توسط سبزان منتشر کنم چراکه این نمایش نامه‌نویس از شاخص‌ترین نویسندگان سبک ایزورد است که البته در این ژانر نیز سبک و سیاق خاص خودش را دارد، سرگشتگی انسان در آثار او با اهمیت ویژه‌ای دیده می‌شود.

در حال حاضر یک مجموعه داستان کوتاه نوشته هاروکی موراکامی، نویسنده ژاپنی، با عنوان «بعد از زلزله» را در مراحل انتشار دارم و «فیل ناپدید می‌شود» از همین نویسنده مراحل پایانی ترجمه را می‌گذراند.

سادگی قصه‌های موراکامی برای من جذاب است چراکه وقتی داستان‌های او را می‌خوانم، در ابتدا احساس می‌کنم اتفاقی ساده در متن داستان رخ داده اما در انتها با بحرانی مواجه می‌شوم که اثر آن تا مدت‌ها با من باقی می‌ماند.

آخرین اثری که از من منتشر شده، نمایشنامه «استاد تاران» اثر آرتور آداموف است که در مجموعه بهترین نمایش نامه‌های جهان، انتشارات سبزان، منتشر شد.

قصه‌هایی برای دخترها و پسرها

■ مژگان شیخی، نویسنده

آخرین کارهایی که انجام داده‌ام، شامل ترجمه دو گانه‌های «قصه‌هایی برای پسرها» و «قصه‌هایی برای دخترها» از زبان انگلیسی است که به تازگی توسط نشر افق منتشر شده و بازنویسی قصه‌های کلیله و دمنه برای کودکان که انتشارات حوزه هنری آن را به دست چاپ سپرده است.

هریک از داستان‌های دو گانه «قصه‌هایی برای دخترها و پسرها» در برگرفته ۱۶ قصه ویژه کودکان است که با بهره‌گیری از تکنیک نوشتاری جان بخشیدن به اشیاء به ایجاد ارتباطی میان کودکان و اشیاء می‌پردازد. اشیاء و ابزارهای چون کامیون، لودر، بولدوزر، بادبادک و جانورانی چون گربه و موجوداتی تخیلی چون جادوگر در این مجموعه تصویر می‌شوند.

همچنین در بازنویسی «کلیله و دمنه» تمامی قصه‌های قابل درک برای این رده سنی که در نهایت ۴۴ داستان یا حکایت را شامل می‌شود، انتخاب و با نثری مناسب برای کودکان بازنویسی کرده‌ام.

کتابی با عنوان «کاش تو را می‌دیدم» در قالب داستان، سعی در روایت زندگی نامه حضرت معصومه (س) دارد و نثر آن به گونه‌ای است که داستان از دید حضرت معصومه (س) نوشته شده و از آنجایی که منابع تاریخی درباره زندگی ایشان کم است، از حوادث تاریخی در روایت این زندگی نامه بهره گرفته‌ام. این کتاب نیز به تازگی توسط انتشارات قدیانی منتشر شده است. همچنین، داستانی کوتاه برای کودکان را به نشر

قاصدک سپرده‌ام که هنوز نامی ندارد و گذشته از آن، با ایده گرفتن از زمینه و شخصیت‌های داستانی که ۲۰ سال پیش نوشته‌ام، داستان دیگری خلق کرده‌ام که به چاپ خواهم سپرد.

محمد علی طالبی، کارگردان قصد دارد فیلمی را براساس داستان «تابستان و غاز سپید» من بسازد و چون ماجرای این کتاب از پاییز شروع می‌شود، فیلمبرداری فیلم نیز پاییز آغاز خواهد شد.

انتشارات تی ماس ترکیه هم به تازگی ترجمه ۲۵ قصه دیگر از مجموعه «۳۶۵ قصه برای شب‌های سال» من را به پایان رسانده و به زودی منتشر می‌کند. پیش‌تر ۲۵ قصه از این مجموعه به زبان ترکی ترجمه شده بودند.

۴۰ کتاب رادیویی

■ مهدی بخشایی، مدیر انتشارات دفتر پژوهش‌های رادیو

دفتر پژوهش‌های رادیو به عنوان تنها ناشر انحصاری حوزه رسانه رادیو، در راستای اهداف بلندمدت خود در دو بخش آموزش برنامه‌سازان؛ اعم از نویسندگان، گویندگان، بخش‌های فنی و سایر عوامل و دست‌اندرکاران بخش تولید برنامه‌های رادیویی و همچنین بررسی برنامه‌های رادیو، تحلیل محتوا و آموزش، پژوهش‌هایی کاربردی و علمی انجام داده و در قالب کتاب آثار متنوعی را به زیور چاپ آراسته است.

همچنین، در راستای ارتقای سطح علمی عوامل تولید، دفتر پژوهش‌های رادیو سمینارها و نشست‌های تخصصی و آموزشی مختلفی با همکاری استادان و اندیشمندان این حوزه برگزار می‌کند که در نهایت جمع‌بندی مباحث این نشست‌ها و سمینارها در قالب کتاب یا به صورت مجموعه مقالات منتشر شده است.

از مهم‌ترین آثار منتشر شده این دفتر می‌توان به «اصول ژورنالیسم در رادیوهای محلی»، «گویندگی و فن بیان»، «زبان و رسانه»، «تغییرات اجتماعی برنامه‌ریزی شده»، «فنون مصاحبه رادیویی»، «ارتباط در بحران»، «دین و رسانه» و «مدل‌های ارتباطات جمعی» اشاره کرد.

همچنین، مهم‌ترین آثار در دست انتشار این دفتر شامل کتاب‌هایی مانند «فهم نظریه رسانه‌ها»، «مخاطب‌شناسی»، «نمایش صدا»، «تبلیغ و اقناع»، «خبرنویسی برای رادیو» و چند عنوان دیگر می‌شود که این تعداد را به حدود ۴۰ عنوان می‌رساند و تا پایان امسال منتشر خواهند شد.

فهرست کامل آثار در دست انتشار و نسخه الکترونیکی آثار منتشر شده این دفتر در سایت دفتر پژوهش‌های رادیو به نشانی www.radioresearch.ir قرار دارد.

فهرست کامل آثار در دست انتشار و نسخه الکترونیکی

«نظریه عدالت» به زبان فارسی

■ علی اکبر علی خانی، مدیر پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی



مجموعه چهار جلدی «نظریه‌های ارتباطات» تالیف پل کوبلی که سرویراستار آن سعید رضا عاملی است و همچنین «نظریه عدالت» تالیف جان رالز از مهم‌ترین فیلسوفان سیاسی قرن بیستم با ترجمه سید محمد کمال سروریان و مرتضی بحرانی دو کتابی‌اند که در میان ۲۱ عنوان کتاب در چند ماه گذشته توسط این انتشارات به چاپ رسیده‌اند. کتاب «نظریه عدالت» پیش از فارسی به ۳۶ زبان دنیا ترجمه شده است.

از میان کتاب‌های تالیفی و تحقیقی نیز «فلسفه در روزگار فروبیستی» به روایت رضا داوری اردکانی که به مسائل علوم انسانی ایران می‌پردازد، «پروورش خلاقیت از نظریه تا عمل» تالیف جعفر جهانی و «علوم انسانی و ماهیت تمدن‌سازی آن» تالیف علی خرسندی از جمله آثار شاخص تازه منتشر شده این انتشاراتند.

از آنجایی که سعی داریم در حوزه بین‌الملل نیز فعال باشیم، کتابی درباره مولانا جلال‌الدین محمد بلخی با همکاری یونسکو منتشر کرده‌ایم. در حال حاضر ۲۲ اثر تحقیقی-تالیفی و ۱۷ اثر ترجمه از سوی پژوهشگاه

مطالعات فرهنگی و اجتماعی در دست انتشار است. از جمله آثار زیر چاپ در حوزه ترجمه هم می‌توان «ارتباطات برای توسعه در جهان سوم»، «مفاهیم کلیدی در نظریه فرهنگی»، «دین و روابط بین‌الملل» و «معرفت به مثابه فرهنگ» را نام برد.

«رویکرد‌ها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی» به اهتمام یمنی سرخابی، «بنیادهای هویت ملی» احمدی، «آموزش عالی در گستره تاریخ» چیت‌سازیان و «شبکه‌های علمی مجازی» سعیدرضا عاملی از جمله کتاب‌های تحقیقی و تالیفی در دست انتشارند که برخی از آنها آخرین مراحل چاپ را سپری می‌کنند و برخی دیگر تا چند هفته آینده به چاپخانه خواهند رفت.

شعر برای مبارزه با اعتیاد

■ محمد جواد محبت، شاعر



دو مجموعه شعر برای مبارزه با اعتیاد با عنوان‌های «احساس زنده بودن» و «آوازهای راهی»، در قالب رباعی و دوبیتی را آماده انتشار دارم. البته در میان اشعار

این دو مجموعه چهل و هشت صفحه‌ای، تعدادی غزل نیز به چشم می‌خورند، اما از آن‌جا که این اشعار از دیدگاه سلامت فکر سروده‌اند و حاوی پیام‌های اجتماعی‌اند برای موثرتر بودن پیام‌ها بهتر است که سروده‌ها کوتاه باشند. این دو مجموعه را انتشارات صبح روشن منتشر می‌کند.

اخیرا مجموعه دیگری از سروده‌هایم در موضوع نماز با عنوان «نردبان آسمان» توسط انتشارات حوزه هنری منتشر شده است. این مجموعه در برگرفته نود و نه قطعه شعر از زوایای مختلف درباره نماز و کامل‌ترین مجموعه شعر من با این موضوع است. مخاطب این مجموعه بزرگسالانند اما در انتهای کتاب تعدادی شعر کودک درباره نماز گنجانده شده‌اند. پیش‌تر، دو مجموعه شعر با عنوان‌های «کوچه باغ آسمان» و «قلب رافرسیت حضور دهید» در همین موضوع از من منتشر شده بودند.

«نت آوازهای قناری‌ها» مجموعه شعر دیگری آماده انتشار است و شعرهایی را شامل می‌شود که تاکنون منتشر نشده؛ این مجموعه حاوی اشعاری است که از سال‌های پیش از انقلاب، دیگر توفیق چاپ مجدد پیدا نکرده بودند و نسخه اصلی این اشعار را نیز در دست نداشتم اما با جستجو در کتابخانه ملی، توانستم این اشعار را پیدا و آن‌ها در یک مجموعه سیصد و نود و نه صفحه‌ای گردآوری کنم.

این کتاب سراسر شعر نو و غزل و تعدادی مثنوی است. در نظر دارم رباعی و دوبیتی‌های این چنینی را نیز در یک مجموعه دیگر گردآوری کنم.

شعرهای جنگی برای کودکان

■ محمد گوردزی دهریزی، شاعر و پژوهشگر

بعد از منظومه «کودکی از جنس نارنجک» که توسط انتشارات روزگار منتشر و در پنجمین دوره جایزه کتاب فصل، شایسته تقدیر شناخته شد، مجموعه شعر دیگری را در حوزه دفاع مقدس با عنوان «آفرین بر جان‌بابا» و برای گروه سنی «ج و د» در دست انتشار دارم که به زودی توسط انتشارات قوروانه بازار کتاب خواهد شد.

در این مجموعه سعی کرده‌ام در قالب و قالب شعر و از منظر متفاوت، زوایای مختلف شخصیت و زندگی جانبازان را به نمایش بگذارم.

همچنین «ادبیات کودکان و نوجوانان ایران» عنوان در سننامه دانشگاهی است که به طور مشترک توسط انتشارات چاپار و قو منتشر می‌شود. سعی شده این کتاب که در حال حاضر زیر چاپ است، با سایر در سننامه‌های موجود متفاوت باشد و بتواند نیاز استادان، دانشجویان و معلمان را برآورد.

اما مجموعه شعری که هنوز ناشری برای آن انتخاب نکرده‌ام، «شاید همین امروز و فردا» نام دارد. مضامین تمامی اشعار این مجموعه انتظار است و از این نظر میان شعرهایم مجموعه‌ای منحصر به فرد به حساب می‌آید که برای گروه سنی «د» آماده شده است.

یادداشت

یوسف علیخانی خبرنگار و نویسنده



خالی از «آن» آن



از نخستین گزارش‌ها در هفته‌نامه مینودر قزوین تا آخرین سفرنامه‌ای که یک سال و یک‌ماه پیش برای روزنامه‌ای نوشتم، بیش از پانزده سال خبرنگاری کردم اما هرگز آنی را نیافتم که دنبالش بودم و شاید همین پیدا نشدن آن «آن» باعث شد در استعفايي خودخواسته از دنیایی بیرون بیایم که دوست داشتم دنیایی بشود آن‌گونه که می‌پنداشتم.

همیشه، با خواندن زندگینامه نویسندگان بزرگی چون ارنست همینگوی، گابریل گارسیا مارکز و فکر می‌کردم خبرنگاری لازمه کار هر نویسنده‌ای است و برای همین، هر وقت اسم روزنامه‌ای روزنامه‌نگاری می‌آمد، در تمام سلول‌های دست‌ها و پاها و قلبم، نوری پیدا می‌شد که پروازم می‌داد به سمت این دنیا.

آرزو داشتم خبرنگاری باشم پرتحرک که مدام به اینجا و آنجا سرک می‌کشد و از همه چیز سردرمی‌آورد و جدا از پی‌بردن به ماجراهای عجیب و غریب، با آدم‌هایی آشنا می‌شود که رمان بزرگی، انتظارشان را می‌کشد تا نوشته شوند و شاهکاری خلق شود که خالق کلمه‌ای اش «من» باشم.

چند سالی گفت و گو با نویسندگان، مترجمی عربی گروه ماهواره روزنامه «انتخاب» و دنبال کردن لحظه به لحظه خبرهای جهانی از نگاه تلویزیونی الجزیره، گرداندن صفحات ادبیات روزنامه جام‌جم و آن‌گاه رسیدن به جام‌جم آنلاین و ترجمه خبرها، گزارش‌ها و گفت‌وگوهای روزنامه‌ها و سایت‌های عربی و دست آخر، کن فیگون شدن جام‌جم آنلاین و پرتاب شدن دوباره به تحریریه جام‌جم و گرداندن صفحات فرهنگ و مردم این روزنامه، همه، سرگردانی‌ای بود برای کسی که دنبال داستان و قصه می‌گشت.

درست روز آخری که دستم به برگه استعفا رسید و جدا شدن از این دنیا، از «صبور» دبیر حوادث جام‌جم خواهش کردم، دستم را از برگه استعفا برگرداند به سمت گروهش که شاید آنجا آن‌گمشده را بیابم که خندید و خندید و خندید.

آخرین سفرنامه‌ای که برای جام‌جم کار کردم، خود سفرنامه‌ای بیرون نوشت دارد شنیدنی و خواندنی؛ و البته نوشتنی: بعد از ۱۶ ساعت چشم چرخاندن از شیشه اتوبوس به روز و دشت‌ها و خانه‌های توسری خورده و درخت‌های سوزنی‌برگ و بعد شب و آن وقت رسیدن به صبح، رسیدم به پارس آبان‌مغان. دوروزی در آلاچیق‌های دشت مغان در میان مردمی چرخیدم که گوششان به رادیو و تلویزیون جمهوری آذربایجان بود و اگر از دستشان برمی‌آمد، من فارس را از خاکشان بیرون می‌انداختند. از زندگی‌شان، کلمه برداشتم و صدایشان را ضبط کردم و مهربانی‌شان را دیدم و شب در آلاچیق‌شان، ماه را دیدم که در هاله‌ای از ستاره‌ها رقصی داشت آسمانی.

بعد که برگشتم، سفرنامه‌ای تنظیم کردم که بیش از ۱۲+۱ قسمت می‌شد و قرار بر این گرفت که هر روز بخشی از آن منتشر شود. هنوز سفرنامه به میانه نرسیده بود که گفتند: «مگر سفر قندهار رفته‌ای که اینقدر نوشته‌ای؟»

هضم نتوانستم کردن که «آیا قندهار مهم‌تر از دشت مغان ماست؟»

و حالا که اینها را می‌نویسم، گمانم این است که آن «آن» در میان مردمی است که خبرنگاران و سردبیران و روزنامه‌چی‌ها، غافل‌اند از آنها و اگر غیر از این بود روزنامه‌های ما «آنی» می‌شدند که باید می‌شدند نه «اینی» که حالا هستند.